

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل نامه‌ی علمی - تخصصی

مرکز صلح، دانشگاه البیرونی

وزارت تحصیلات عالی

دانشگاه البیرونی

مرکز صلح

شناسنامه

ارمغان صلح: فصلنامه‌ی علمی - تخصصی

سال دوم، شماره سوم، بهار (۱۳۹۹ هجری، خورشیدی)

صاحب امتیاز: مرکز صلح، دانشگاه البیرونی

زیر نظر کمیته هماهنگی صلح

مدیر مسئول: پوهنیار منیر یمین

ویراستار: پوهیالی فردین عیار

اعضای کمیته هماهنگی مرکز صلح: (پوهنمل دوکتور ضیالرحمن روین، پوهنمل احمد جاهد

مشتاق، پوهنیار محمد وسیم آرین و پوهنیار نور محمد حشمت)

طرح جلد: احمد بهروز

ناشر: مرکز صلح، دانشگاه البیرونی

شماره تماس: ۰۷۴۷۲۵۹۰۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد با نشر همزمان نسخه الکترونیک آن در وبسایت

نشانی برقی: jahed.mushtaq@gmail.com

پیشگفتار

صلح نیاز یک جامعه و خواست دیرینه هر ساکن آن است، زیرا این صلح است که باعث انکشاف و پیشرفت جوامع در عرصه‌های مختلف آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی و... می‌شود. جامعه‌ی ما و ساکنین آن در طول چندین دهه متضررین اصلی نبود صلح بوده‌اند. از میان انواع صلح یکی آن صلح اجتماعی است. صلح اجتماعی زمینه‌ی تحصیلات عالی در فضای آرام و به دور از دغدغه‌ها و نگرانی‌ها را برای قشر جوان مساعد می‌سازد. از آنجا که اختلاف و منازعه نیز در اجتماع و بین افراد موجود بوده و برای رفع آن نیازمند راهکارهای مختلف می‌باشیم.

در این راستا نهادهای علمی منحیث تولید کننده علم و دانش و اعضای کادر علمی آن مسوولیت بس بزرگی را برعهده دارند تا با راه اندازی تحقیقات علمی و معیاری دلایل منازعات و اختلافات را در میان دانشجویان بتوانند ریشه یابی نموده و راه‌های حلی را جهت تأمین صلح در جامعه دریابند؛ زیرا در کشورهای دیگر دانشگاه نقش بزرگی را در حل مشکلات موجود از طریق تحقیقات علمی ایفا می‌کنند. به همین دلیل مرکز صلح دانشگاه البیرونی با کمک مالی انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا زمینه تمویل پروژه‌های کوچک تحقیقاتی را برای اعضای کادر علمی دانشگاه البیرونی در قالب مجله‌ی علمی - تخصصی ارمغان صلح مساعد ساخته است.

این شماره مجله حاوی نتایج هفت مقاله علمی - تحقیقی استادان فاکولته‌های مختلف دانشگاه البیرونی می‌باشد که در طول سال گذشته تهیه و به زیور طبع آراسته گردیده است. یافته‌های این تحقیقات می‌تواند روزه‌ای را جهت ریشه اختلافات و منازعات به خصوص در نهادهای تحصیلات عالی به وجود آورده و در راستای رسیدن به صلح در کشور کمک کننده واقع شود. امید است که نهاد مربوطه از یافته‌های مقالات تحقیقی استفاده نموده و در راستای تأمین صلح و حل منازعات در جامعه اقدامات عملی را روی دست گیرند.

با احترام

پوهنمل احمد جاهد مشتاق

معاون علمی و مسئول مرکز صلح دانشگاه البیرونی



فهرست عناوین مقالات

- عنوان.....صفحه**
- ۱ - بررسی پخش سریال‌های خشن خارجی و تاثیرگذاری آن در ترویج افکار جنگی شهروندان کشور.....۱
پوهنمل محمد یحیی رحیل
- ۲ - په کاپیسا کې د سولې په پیاوړتیا کې د ځوانانو ونډه.....۲۳
پوهنمل فهیم بهیر
- ۳ - بررسی تاثیر درامه‌های خشونت بار تلویزیونی بر رفتار و عملکرد جوانان.....۳۷
پوهیالی فردین عیار
- ۴ - اختلاف در بین دانشجویان دانشگاه البیرونی و چگونه گی راه حل آن.....۵۷
پوهنیار نور الرحمن ناصح
- ۵ - جوانان و نقش آن‌ها در کاهش خشونت در جامعه.....۷۱
پوهنمل عبدالتمیم احدی
- ۶ - نقش دختران دانش آموز دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه البیرونی در تقویت فرهنگ صلح ۹۷
پوهنیار محمد وسیم آراین
- ۷ - نقش دانشجویان دختر در تقویت فرهنگ صلح در دانشگاه البیرونی۱۲۹
پوهیالی سمیرا قادری

بررسی پخش سریال‌های خشن خارجی و تاثیرگذاری آن در ترویج افکار جنگی شهروندان کشور

پوهنمل محمد یحیی رحیل
دانشکده‌ی ژورنالیزم، دانشگاه البیرونی

چکیده

یکی از وظایف اصلی رسانه‌ها این است که در نشر و پخش هر پیامی هویت و اصالت جامعه‌خویش را در نظر داشته باشند. یا به بیان دیگر، هر پیام و نظری را که رسانه‌ها در هر قالب و ساختاری به نشر می‌رسانند تقویه کننده ارزش‌های دینی، فرهنگی و رفتارهای پسندیده حاکم در همان جامعه باشد. زیرا هر ملت و مردمی، با هویت و اصالت خویش می‌توانند زنده گی کنند و به زنده گی معنا ببخشند. با آنکه ابزارهای نوین ارتباطی، جهان امروزی را به قول Marshall Macklohan به یک دهکده، تبدیل کرده است. اما این نکته را نباید فراموش کرد که هنوز هم رسانه‌ها در هر کشور در پی برجسته ساختن فرهنگ و منافع خویش از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند.

جامعه اطلاعاتی افغانستان، بیشتر از هر نهاد و ساختار رسمی و غیر رسمی دیگری در برابر تقویت داشته‌های مادی و معنوی مان رسالت و وظایف سنگینی را به عهده دارد. حراست و پاسداری از محیط و انتقال میراث‌های فرهنگی از یک نسل به نسل دیگر به قول لاسول یکی از دانشمندان علوم ارتباطات، از وظایف اصلی رسانه‌های به حساب می‌آید. برعکس؛ در افغانستان اکثر رسانه‌ها به جای آنکه در پی تقویت فرهنگ و ارزش‌های خویش عمل کنند؛ برخلاف، رفتار و عملکرد آنان به شکل آگاهانه یا ناخودآگاه سبب شده است تا بسیاری از ارزش‌های مطلوب را از دست بدهیم.

اما رسانه‌ها در افغانستان به خصوص رسانه‌های تصویری که تاثیر گذاری بیشتری بر مخاطبان، دارند بیشتر به پخش و نشر پیام‌هایی می‌پردازند که مربوط به تولیدات بیرونی بوده و بازتاب دهنده‌ی فرهنگ بیرونی‌ها می‌باشد. دقیقاً پخش و نشر سریال‌های خشن خارجی از جانب رسانه‌های تصویری

افغانستان در تقابل با ارزش‌ها و داشته‌های مادی و معنوی ما می‌باشد، مصداق گفته‌های بالایی ماست. اینجا ست که پخش و نشر این سریال‌های بیرونی بر حوزه فرهنگی جامعه افغانستان بر روان و رفتار شهروندان به ویژه نسل جوان و نوجوان کشور تاثیرات منفی برجا بگذارد.

پایین بودن سطح آگاهی شهروندان از پدیده‌ها و جهان بینی آنان، پیرامون خود و دیگران سبب شده است که پخش سریال‌های خشن خارجی بر آن‌ها تاثیر منفی برجا بگذارد. زیرا اکثر شهروندان کشور به ویژه، جوانان و نوجوانان توانایی تفکیک پدیده‌های خوب و بد را بدرستی کرده نمی‌توانند. از همین جهت است که پیام رسانه‌یی در هر قالب و چوکاتی، ذهن آن‌ها را به شدت متأثر می‌سازد. در این تحقیق اکثریت اشتراک کننده‌ها به این باوراند که سریال‌های خشن خارجی در ترویج و گسترش افکار جنگی شهروندان در کشور تاثیر جسته‌یی دارد. هم‌چنان اکثر اشتراک کننده‌های این تحقیق به این باور اند که رسانه‌ها به جای نشر سریال‌های خشن خارجی به ویژه سریال‌های که محتوای آن‌ها را خشونت و منازعه، تشکیل می‌دهد به نشر برنامه‌های آموزشی برای مخاطبان خویش تلاش ورزند، تا باشد روحیه صلح خواهانه و همدیگر پذیری را نزد شهروندان به ویژه جوانان بوجود بیاوریم.

کلید واژه‌ها: سریال؛ جوانان؛ خشونت؛ افکار عمومی؛ مخاطب؛ تلویزیون

آغاز فعالیت گسترده و یکبارگی رسانه‌ها و تعدد رسانه‌یی پس از سال ۲۰۰۱ در کشور از یک سو و نبود ظرفیت مسلکی و تخصص لازم در جامعه اطلاعاتی از سوی دیگر، سبب شده است تا آشفتگی و بی‌نظمی‌های فراوانی را در نظام مطبوعاتی افغانستان شاهد باشیم. یکی از این آشفتگی و بی‌نظمی‌های رسانه‌یی در جامعه اطلاعاتی، پخش دوامدار سریال‌های خارجی از جانب رسانه‌های تصویری در افغانستان می‌باشد.

یقیناً هر فلم و یا سریالی که در یک کشور از سوی نهادهای سینمایی و رسانه‌یی ساخته می‌شود مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، دینی و شرایط حاکم در آن جامعه تمرکز می‌کند. اما پخش سریال‌های خشن بیرونی، می‌تواند زیان‌های بزرگ فرهنگی و رفتاری را نزد افراد به همراه داشته باشد. بحث اصلی در این تحقیق پخش سریال‌های خشن خارجی در افغانستان از جانب رسانه‌های تصویری پخش می‌شوند و می‌تواند اذهان عمومی به ویژه افکار جوانان را به سمت خشونت و منازعه بکشانند؟ و راه را برای رسیدن به صلح و عدالت اجتماعی در کشور دشوار سازد. تجربه نشان داده است انسان، هر پیامی را چه به شکل شفاهی، تصویری، نوشتاری، صوتی و یا با هر شیوه دیگری که دریافت می‌کند از آن متأثر می‌شوند.

به اساس تحقیق و تجربه در حوزه علوم ارتباطات، هر گاه سطح آگاهی و جهان بینی فرد نسبت به جهان هستی و شناخت از خودش بیشتر باشد، هر سخن و پیامی نمی‌تواند بر ذهن و فکرش رسوخ نموده و تاثیر جدی بگذارد. اما هر گاه سطح آگاهی و معلومات نزد فرد در درجه پایین قرار داشته باشد به یقین هر سخن و پیامی را که دریافت می‌کند و به ویژه زمانی که پیام به گونه تکراری و مستمر بر مخاطب منتقل شود فرد را به شدت تحت تاثیرذهنی قرار می‌دهد.

این یک واقعیت مسلم است که جنگ‌های طولانی در چند دهه پسین بر تمامی ابعاد حیات انسانی در کشور تاثیر ناگوار داشته و چالش‌های فراوانی را برجا گذاشته و برطرف ساختن این چالش‌ها نیاز به تلاش‌های جدی و دوامدار دارد. از همینرو مردم افغانستان به مثابه مریضانی هستند که تازه از

خطر مرگ نجات یافته اند و برای صحت یاب شدن کامل نیاز به تدابیر علمی و عقلانی بیشتری دارند. آنچه از دل این تحقیق به مشاهده می‌رسد، پخش سریال‌های خارجی به ویژه سریال‌های که محتوای آن‌ها را خشونت و منازعه تشکیل می‌دهد بر اذهان عمومی به ویژه جوانان که مخاطبان اصلی آن‌ها هستند تاثیر جدی از خود بجا می‌گذارد.

سطح آگاهی و معلومات هنوز هم در میان شهروندان کشور به خصوص جوانان خیلی پایین است. از همین رو اثر گذاری این سریال‌های پخش شده از جانب رسانه‌ها می‌تواند زیان‌ها و آسیب‌های جدی را در قبال داشته باشد. حتا خیلی از سریال‌های که محتوا و ماهیت خشونت آمیز داشته اند اثرات بدی بر اوضاع امنیتی از خود به جا گذاشته اند. برعکس زمانی که سطح آگاهی نزد گیرنده گان بلند باشد پیام رسانه خیلی زود فرد را احت تاثیر قرار نمی‌دهد. هر چند سفارش الله متعال نیز نسبت به شنیدن پیام‌ها برای بنده گانش این است که انسان هر پیامی را که می‌شنود، از بهترین‌ها پیروی کند. چنانچه الله متعال در قران پاک چنین می‌فرماید: «بشارت بنده گانی را که می‌شنوند سخنان را و پیروی می‌کنند از بهترین‌ها (قرانکریم).

به گونه مثال؛ زمانی که سریال وادی گرگ‌ها از سوی رسانه‌های کشور، مخصوصاً از سوی تلویزیون طلوع به نشر می‌رسید نهادهای امنیتی کشور، چندین گروه مافیایی را به نام پولاد علمدار، مماتی و غیره به اتهام فعالیت تخریب کارانه بازداشت کرده اند. این دسته‌های جنایت کار، مرتکب اعمال خیلی خطرناک مثل آدم ربایی و سرقت‌های مسلحانه در کشور می‌شدند. هم‌چنان در همین سال، زمانی که چندین پایه‌های برق در شمال کشور تخریب گردید، فاعل آن خود را به مسوولان مماتی سالنگ معرفی کرده بود؛ چنانچه رییس عمومی برشنا در برنامه سراچه تلویزیون طلوع نیز فاعل آن را مماتی سالنگ قلم‌داد کرد. همین‌گونه چند سال قبل، زمانی که در یک سریال خارجی چگونگی فرار زندانیان به نمایش گذاشته شد، در همان هفته زندانیان زندان قندهار با عین روش از زندان به گونه‌ی دسته جمعی موفق به فرار گردیدند.

تأثیر گذاری منفی پیام‌های رسانه‌یی در میان جوانان به حدی است که تماشای بازی فوتبال از جانب دو برادر در کاپیسا که یکی آن طرفدار تیم بارسا و یگر آن ریالی بود، منجر به قتل برادرش می‌شود. در فرجام، با توجه به آنچه تا اینجا اشاره شد، می‌توان گفت که سریال‌های خشن خارجی سطح خشونت‌ها را نزد جوانان افزایش داده و روحیه جنگ و تنش را میان آنان افزایش می‌دهد.

بیان مسأله

این یک حقیقت مسلم است که رسانه‌ها سمت و سودهنده و هدایت‌گر اصلی جوامع بشری به حساب می‌آیند؛ اما این هدایت‌گری جامعه را به کدام مسیر سوق می‌دهد، ارتباط مستقیم به ماهیت و محتوای آنچه که از طریق ابزارهای ارتباطی به نشر می‌رسد دارد. فعالیت رسانه به شکل همه‌گیر در کشور پس سقوط رژیم طالبانی ضمن آن که یک دست آورد مهم و بنیادی برای جامعه‌ی افغانستان به شمار می‌رود؛ اما در عین حال به دلیل نواقص و کاستی‌های موجود در جامعه‌ی اطلاعاتی کشور، یک سلسله پیامدهای زیانباری را می‌تواند در رفتارهای اجتماعی و فرهنگی کشور بوجود بیاورد. به باور جامعه‌شناسان ارتباطات، زیان‌های برآمده از فعالیت‌های رسانه‌یی زمانی می‌تواند ظهور کند که رسانه‌ها پیام منتشره‌شان را بدون درک و شناخت از جامعه و جامعه‌شناختی گیرنده‌گان منتقل سازند.

با تأسف خیلی از پیام‌های رسانه‌یی در کشور به ویژه پخش سریال‌های خارجی می‌تواند سبب انحراف جامعه از مسیر مطلوب به مسیر نادرست آن گردد. یقیناً برنامه‌های تفریحی از جمله، سریال‌های تلویزیونی توجه مخاطبان را نسبت به سایر برنامه‌های رسانه‌یی در جهان به ویژه در افغانستان به خود معطوف کرده است. اکثر خانواده‌ها در کشور به نسبت عدم مصروفیت‌های سالم، بیشترین اوقات خویش را صرف تماشای سریال‌ها نموده و به دیدن این سریال‌ها دلچسپی خاصی نشان می‌دهند.

از دید جامعه‌شناختی پرسش اصلی این است که این سریال‌ها چقدر با شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه افغانستان هم‌خوانی و مطابقت دارند؟ در پاسخ به این پرسش، باید گفت که اکثر سریال‌هایی که از جانب رسانه‌ها به نشر می‌رسند، تولیدات بیرونی بوده که با فضای فرهنگی حاکم در کشور همسو نبوده، از همین جهت می‌تواند پیامدهای زیادی را به جامعه ما به جا بگذارد. مسأله دیگری که

می‌تواند نگرانی‌های ما را از بابت پخش سریال‌های خارجی بیشتر بسازد، پخش سریال‌های خشن و مملو از خشونت است که افکار جنگی را در میان جوانان و نوجوانان افزایش می‌دهد. زیرا خشونت‌های برخاسته از جنگ‌های چندین ساله، در افغانستان، آرامش فکری و روحی را تا حد زیادی از مردم سلب کرده است.

از سویی هم پخش این سریال‌ها، بیشتر از پیش می‌تواند فضای خشونت و منازعه را گسترش دهد. از جانی هم پخش چنین سریال‌ها می‌تواند، این پیام را به شهروندان کشور و به خصوص نسل جوان ترویج دهد که حقوق شان را تنها و تنها می‌توانند از مجرای جنگ و خشونت بدست بیاورند. با توجه به آنچه تا اینجا اشاره شد به وضاحت می‌توانیم بگوییم که پخش سریال‌های خارجی به خصوص سریال خشونت آمیز یک مساله اساسی برای جامعه افغانستان می‌باشد. در این تحقیق، سعی بر این است تا بدانیم که سریال‌های خشن خارجی چه تاثیری را بر شهروندان کشور و به ویژه جوانان و نوجوانان کشور بجا می‌گذارد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

تحقیق کنونی به عنوان یک معضل اجتماعی موجود در کشور از اهمیت زیادی می‌تواند برخوردار باشد. زیرا اگر پخش سریال‌های خشن خارجی در جامعه‌ی جنگ زده افغانستان به گونه‌ی دوامدار و مستمر پخش گردد، شاید آسیب‌های کلان اجتماعی و فرهنگی را به بار بیاورد. از اینرو این تحقیق گره سختی است که نه مردم نه هم رسانه‌ها توانایی باز کردن آن را دارند. شاید دست اندرکاران رسانه‌ها ندانند که پخش این نوع سریال‌ها، چه زیان‌هایی را بر جامعه‌ی افغانستان به بار می‌آورد. از سوی دیگر نتایج این تحقیق می‌تواند برای جامعه‌ی اطلاعاتی کشور به ویژه، رسانه‌های کشور خیلی مفید واقع گردیده و آن‌ها را در مسیر مطلوب رهنمایی کند. با توجه به گفته‌های فوق، تحقیق کنونی که در پی حل یک معضل مهم اجتماعی کشور است از ارزشمندی زیادی برای مردم به خصوص جامعه‌ی فرهنگی افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است.

پیشینه تحقیق

به اساس بررسی‌هایی که صورت گرفت، به وضاحت می‌توان گفت که این تحقیق یک پژوهش بکر در کشور است که تا حال هیچ نهاد تحقیقاتی و علمی به این مساله مهم نپرداخته است. تنها نهادهای مدنی در هرات در قالب یک گزارش عادی نگرانی‌های شان را از پخش سریال‌های خشن خارجی در کشور مطرح کرده و خیلی از خشونت‌های خانواده‌گی به ویژه خشونت علیه زنان را در هرات ناشی از پخش سریال‌های خشن خارجی در این ولایت می‌دانند.

اهداف تحقیق

از آنجایی که هر پژوهش به دنبال بازنمایی هدف و یا اهدافی صورت می‌گیرد، بنابراین در این تحقیق، پژوهشگر به دنبال آن است تا دریابد که سریال‌های خشن خارجی چقدر می‌تواند در ترویج و تعمیم جنگ و خشونت در میان نسل جوان اثر سو از خود بجا می‌گذارد. به صورت کل، می‌توان گفت که این واکاوی و تحقیق اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱. بررسی و مطالعه حد تاثیرگذاری سریال‌های خشن خارجی بر رفتار و سلوک جوانان و نوجوانان.
۲. بررسی و مطالعه پخش سریال‌های خشن خارجی در ترویج افکار جنگی شهروندان به ویژه جوانان و نوجوانان کشور.
۳. پیشنهاد راهکارهای مناسب برای از میان برداشتن این معضل و ترویج افکار صلح آمیز به جای افکار جنگی و خشن در جامعه.

پرسش‌های تحقیق

پخش سریال‌های خشن خارجی چقدر می‌تواند افکار جنگی را نزد شهروندان به ویژه جوانان و نوجوانان گسترش دهد و بر رفتار آنان تاثیر گذار باشد؟

فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد پخش سریال‌های خشن خارجی از طریق تلویزیون‌های کشور، روحیه‌ی خشونت‌گرایی را نزد جوانان بوجود بیاورد.

روش تحقیق

تحقیق کنونی بر مبنای روش کمی و کیفی (مختلط) انجام شده است. در این تحقیق، برای صد تن از محصلان دانشگاه تابش و محصلان دانشگاه البرونی پرسش نامه توزیع گردیده است. در این پرسش نامه های توزیع شده، پنج سوال کلیدی و مهم به گونه ی بسته همراه با چهار گزینه و یک سوال باز مطرح شده است و اشتراک کننده گان دیدگاه های شانرا با توجه واقعیت های موجود جامعه، پاسخ داده اند.

هم چنان بازنمایی مفاهیم و برخی از دیدگاه های جامعه شناسانه پیرامون تاثیر گذاری پیام رسانه و شرایط تاثیر گذاری پیام رسانه، در این پژوهش دقت لازم صورت گرفته است. سپس داده های بدست آمده در به گونه واضح در جدول به نمایش گذاشته شده و سپس نتیجه هر جدول به صورت مشرح توضیح گردیده است.

ابزار تحقیق

ابزار و پرسشنامه ای استفاده شده در این تحقیق شامل چهار بخش می باشد؛ که عبارت اند از: (۱) معلومات دیموگرافیک اشتراک کننده گان، (۲) پرسش های بسته کمی، (۳) پرسش های باز برای ابراز نظر بیشتر اشتراک کننده گان و (۴) استفاده از منابع کتابخانه یی جهت بازنمایی مفاهیم مرتبط به موضوع. برای تحلیل پرسش های کمی از برنامه ورد در قالب چارت، استفاده شده و نتایج آن به صورت مختصر مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته است.

جامعه آماری اشتراک کننده گان

نفوس و آمار این پژوهش، دانشجویان دانشکده ی ژورنالیزم دانشگاه البرونی و دانشگاه تابش در کابل می باشد. در این تحقیق، برای ۱۳۰ تن از دانشجویان ژورنالیزم بر اساس جدول مورگان پرسشنامه توزیع گردیده که ۳۰ تن از اشتراک کننده گان به پرسشنامه های توزیع شده، پاسخ نداده و تنها صد تن آنان پس از پاسخ دهی، پرسشنامه ها را دوباره ارسال کرده اند. از میان صد تن از اشتراک کننده گان ۲۷ تن آنان را دختر و ۷۳ تن آن را محصلان ذکور تشکیل می دهند. هم چنان ۳۳ تن از

اشتراک کنندگان این تحقیق را دانشجویان دانشگاه خصوصی تابش و ۶۷ تن آنان را دانشجویان؛ دانشکده ی ژورنالیزم دانشگاه البیرونی تشکیل می دهند.

ادبیات تحقیق

چیستی و مفاهیم سریال تلویزیونی

سریال از کلمه فرانسوی serial که اسم صفت می باشد، مشتق شده و مفاهیم چون، دنباله، مجموعه و مسلسل معنا می دهد. فرهنگ عمید، سریال را مجموعه یی که جز به جز عرضه شود معنا می کند (فرهنگ عمید). همچنان فرهنگ فارسی معین سریال را آنچه مجموعه یی را بسازد یا متعلق به مجموعه باشد، پشت سرهم، مسلسل معنا می کند (فرهنگ فارسی).

امابه صورت مشخص سریال تلویزیونی یا Television Serial برنامه یی است که به طور متداول در اوقات مشخص به صورت قسمت، قسمت (Episode) پخش می شود. سریال های تلویزیونی به گونه معمول در قسمت های محدودی در کمتر از یک سال پخش می شوند؛ این محدوده قسمت های نشر شده را فصل یا Season می گویند که بر طرح برنامه و محتوای سریال می تواند از چند فصل تشکیل گردد. سریال های تلویزیونی معمولاً به طور هفتگی پخش می شوند و به تناسب به طرح سریال، قسمت قسمت ادامه می یابد (گونتری، ۱۳۸۰: ۷۸).

سریال های تلویزیونی معمولاً قواعد و نقاط عطف داستان را تعقیب می کنند که می تواند در یک فصل و یا حتی کل سریال تلویزیونی گسترده شود که آن ها را از برنامه های اتفاقی یا Episodic که شیوه سنتی سریال های مستقل (Stand-Alone) جدا می کند. سریال، برنامه ی تلویزیونی است که به صورت مداوم از داستان های به هم پیوسته ساخته می شود تا هر شب یا هر هفته، قسمتی از آن ها پخش شود. یقیناً هر سریال از دو و یا چند فصل تشکیل می شود (گونتری، ۱۳۸۰: ۷۸).

سریال ها اساساً برمبنای پنهان کردن داستان استوار هستند تا بتوانند مخاطبان یا گیرنده گان خویش را که به صورت فصلی یا دوره یی این مجموعه را تماشا می کنند، حفظ کنند. برخی از سریال ها، در پایان هر قسمت پخش شده خویش، خلاصه یی از قسمت بعدی را نشان داده و کارگردان، نقاط

مرموز و تاریکی را در سریال باقی می گذارد که این خود به نوعی سبب می شود تا بیننده، برای دیدن قسمت بعدی دلچسپی بیشتر نشان دهد. هم چنان برخی ها با آنکه سریال و مجموعه را متراف هم می دانند و در فرهنگ ها، سریال را بسیاری از دانشمندان مجموعه نیز گفته اند؛ اما دانشمندان تفاوت های میان این دو را اینگونه بیان می کنند:

از دید دانشمندان فرق سریال و مجموعه در این است که سریال به صورت داستان ادامه داشته و نقطه شروع داستان در یک قسمت، دقیقاً ادامه روایت داستان در پایان قسمت قبلی می باشد (گریسی، ۱۳۸۸: ۹۴). اما در مجموعه (اپیزودیک) داستان در یک قسمت شروع و در همان قسمت خاتمه می یابد. در قسمت بعدی داستان دیگری با موضوع دیگری (با عنوان واحدی) روایت می گردد. به گونه مثال؛ «قیامت کوچک» که از طریق تلویزیون نور در هر هفته از طرف شب سه بار تحت عناوین مختلف به نشر می رسد «مجموعه» گفته می شود. اما سریال وادی گرگ ها و قیام که در محور یک موضوع کلان به گونه دنباله دار از طریق تلویزیون طلوع پخش می شود را می توان سریال نامید (گیویان و احمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

هر چند، خشونت و بد رفتاری در افغانستان می تواند عوامل متعدد داشته باشد؛ اما پخش سریال - های خشن خارجی در افغانستان در هر ده سال اخیر را نمی توان در خشونت های خانواده ها در افغانستان بی تاثیر دانست. آگاهان امور و فعالان حقوق زن در هرات به این باوراند که برخی از برنامه های خارجی به خصوص سریال های تلویزیونی که از طریق رسانه های خصوصی پخش می شوند، یکی از عوامل افزایش خشونت در خانواده ها است. مسعوده حبیبی یک تن از فعالان حقوق زن در هرات، این گونه برنامه ها رسانه ای، از جمله سریال های ترکی و هندی را که با فرهنگ و و عنعنات مردم افغانستان همخوانی ندارد و محتوای آن ها، برای مردم به لحاظ پایین بودن سطح سواد قابل هضم نیست زیان های فراوانی برای جامعه افغانستان به دنبال داشته است (حبیبی، ۱۳۸۸: گزارش فعالان مدنی هرات).

به گفته بانو حبیبی، اکثر خشونت های خانواده گی در هرات برخاسته از پخش سریال های خشن خارجی از طریق رسانه ها می باشد. به همین ترتیب محبوبه جمشیدی رییس امور زنان هرات نیز قسمتی

از خشونت‌های خانواده‌گی در کشور را ناشی از تماشای سریال‌های خارجی خشونت آمیز می‌داند. با توجه به آنچه که از سوی رییس امور زنان هرات و بانو حبیبی مطرح می‌شود؛ آیا برآستی سریال پخش شده از طریق رسانه‌ها می‌تواند در افزایش خشونت‌ها اثر گذاراند یا خیر؟

یقیناً پاسخ این پرسش با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده از جانب جامعه شناسان پیرامون اثر گذاری پیام رسانه بر مخاطب مثبت است. اینکه چگونه این سریال‌ها می‌توانند در ترویج و گسترش خشونت تاثیر بگذارند به برخی از ساز و کارهای تاثیر گذاری آن به صورت مختصر اشاره می‌شود:

۱. هم‌ذات پنداری

یکی از اصول عمده، در ساخت سریال، همانند سازی بیننده با بازیگرهای مورد علاقه اش در آن‌ها است. منظور از همانند سازی پذیرش و درونی سازی رفتار و اعمال کرکترها و سپس رفتار کردن مثل آن کرکترها در دنیای واقعی است. در الگوی هم‌ذات پنداری فرض می‌شود که بیننده موجودی است که صرفاً به رفتارهای هنر پیشه یا قهرمانان پاسخ انفعالی می‌دهد. این موضوع البته با توجه به دیدگاه‌های تازه تر که آدمی را موجودی فعال در کسب و پردازش اطلاعات و داده‌ها می‌داند، جای تردید است، به خصوص در موارد مرتبط با مسایل اخلاقی. بنا بر آن صرف هم‌ذات پنداری نمی‌تواند توجیه مناسب برای اثر پذیری از محتوای اخلاقی یا غیر اخلاقی سریال‌های تلویزیونی باشد (هارتلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

۲. الگوپذیری

الگوپذیری از نظریه یادگیری اجتماعی یا یادگیری مشاهده‌یی سرچشمه می‌گیرد. طبق الگو پذیری، در رسانه‌ها رفتار یا عملی را مشاهده می‌کنیم و سپس با توجه به پیامدهایش همان رفتار یا رفتار شدیدتر را در همان زمینه انجام می‌دهیم. برای این کار، شرایط و لوازمی باید فراهم شود، یعنی الگو پذیری، طی مراحل انجام می‌گیرد. ابتدا باید به رفتار کسی که می‌خواهیم از او الگو بگیریم توجه کنیم. در مرحله دوم باید آن رفتار را در ذهن، رمزگذاری و در حافظه، ذخیره کنیم و سپس در مراحل بعد آن را انجام بدهیم.

البته این رفتار به عوامل زیادی بستگی دارد که از میان آن می توان به عوامل انگیزشی و محیطی اشاره کرد. بنا براین در نظریه مذکور، برای رفتاری که در سریال مشاهده شده تقلید شود باید محیط مساعدی وجود داشته باشد. یعنی عوامل محیطی در این باره نقش بارزی دارند (هارتلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

۳. مهار زدایی

یعنی کاهش مهارهای طبیعی که بیشتر افراد به کار می بندند تا از بروز رفتارهای مشاهده شد در سریال ها جلوگیری کنند. مهارهای طبیعی حاصل تربیت های خانوادگی، زمینه های ارزشی و اخلاقی و فرهنگی، آموزش های رسمی و غیر رسمی است. مهارزدایی از دو طریق، افراد را تحت تاثیر سریال های تلویزیونی و محتوای غیر اخلاقی آن ها قرار می دهد:

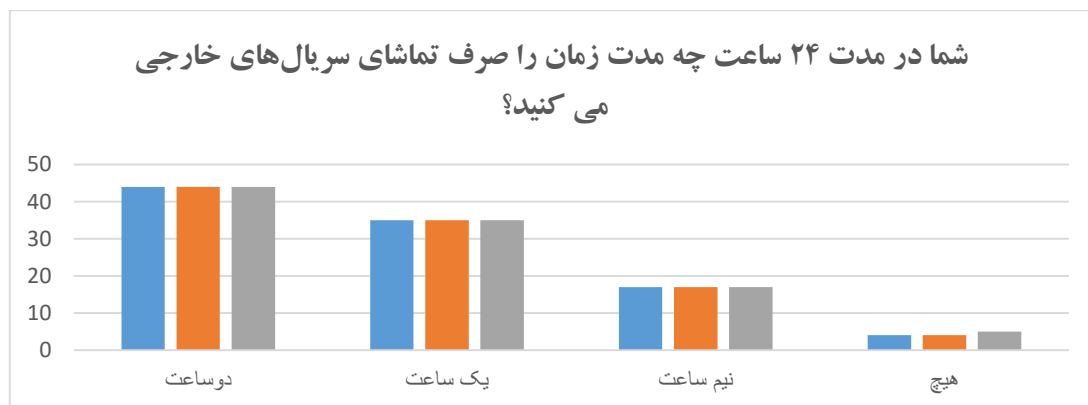
الف - آماده کردن بیننده از راه تضعیف دیدگاه های عادی او. اگر نگرش های بیننده ضعیف شود، راه را برای بروز رفتاری که در سریال یا فلم مورد توجه قرار گرفته هموار می شود (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۸۸).

ب - پذیرش رفتارهای مشاهده شده اگرچه اکثر مردم این باور کلی را دارند که رفتارهای موجود در سریال های تلویزیونی غیر اخلاقی است، تکرار آن ها در رسانه، سرانجام نگرش به آن ها را تغییر می دهد و افراد به تدریج، به این رفتارها نگرش مثبت تری پیدا می کنند و کم کم زمینه برای ارتکاب آن ها فراهم می شود. این مورد هم مثل خشونت در بازی های کامپیوتری است. محققان می گویند در بازی های خشن کامپیوتری جوانان و نوجوانان، اول شلیک می کنند و بعد سوال می پرسند. اینجا هم پس از آنکه نگرش مثبتی رفتارهای موجود در سریال های تلویزیونی ایجاد شده، بیننده -گان ابتدا مثل آن ها عمل می کنند و سپس در مورد کرده خود فکر می کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۸۹). از این سه نظریه به این نتیجه می رسیم که نبود بدیل های مناسب، برای سریال های خشن خارجی سبب می شود که جوانان و نوجوانان از سریال های پخش شده، از طریق تلویزیون های کشور به شدت متأثر شوند.

یافته‌های تحقیق

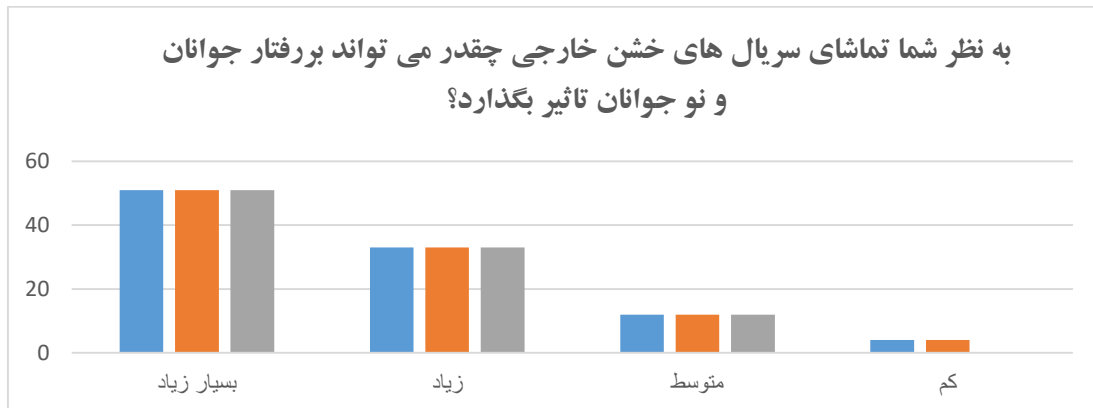
یافته‌های این پژوهش فشرده، شامل داده‌های بدست آمده از پرسش‌های کمی و پاسخ‌های مشروح برخی از اشتراک‌کننده‌گان از میان صد تن از اشتراک‌کننده‌ها به پرسش‌های باز می‌باشد. یافته‌های این پژوهش در گراف‌های ذیل، اینگونه، بازتاب یافته است:

مدت زمانی را که جوانان صرف تماشای سریال‌های خارجی می‌کنند.



طوری‌که در جدول بالایی مشاهده می‌شود از میان صد تن از اشتراک‌کننده گان ۴۴ درصد آنان می‌گویند، در یک شبانه روز دو ساعت وقت خویش را صرف تماشای سریال‌های خارجی می‌نمایند. ۳۵ درصد دیگر گفته‌اند که در طی ۲۴ ساعت یک ساعت وقت شان را به تماشای سریال‌های خارجی از طریق تلویزیون می‌نمایند. هفده درصد دیگر می‌گویند که صرفاً نیم ساعت زمان خویش را به تماشای سریال‌های بیرونی اختصاص می‌دهند. تنها ۴ درصد از اشتراک‌کننده گان می‌گویند که سریال‌های خارجی را تماشا نمی‌کنند. با توجه به نتایجی که در فوق به آن تذکر رفت، رقم بیشتر جوانان در کشور، یک بخشی از اوقات خویش را به دیدن سریال‌های بیرونی صرف می‌نمایند.

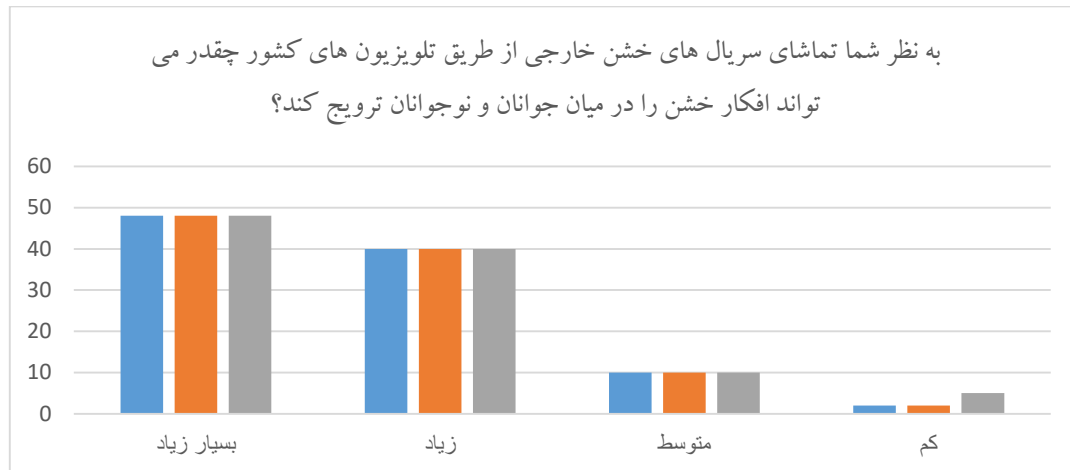
نقش سریال های خشن خارجی بر رفتار جوانان



برایند این تحقیق، نشان می دهد که سریال های خشن خارجی بر رفتار جوانان و نو جوانان تاثیر قابل ملاحظه یی دارند. چنانچه از مجموع صد تن از اشتراک کننده گان ۵۱ درصد آنان می گویند که تماشای سریال های خارجی بر رفتار جوانان بسیار زیاد تاثیر می گذارد. ۳۳ درصد دیگر گزینه زیاد را انتخاب نموده و ۱۲ درصد از این اشتراک کننده گان به این باوراند که سریال های خشن خارجی به گون متوسط بر رفتار جوانان، تاثیر گذار است.

تنها ۴ درصد از اشتراک کننده ها به این عقیده اند که سریال های خشن خارجی هیچ تاثیری بر عملکرد جوانان در جامعه ندارد. با توجه به یافته های بدست آمده در فوق می توان چنین اشاره کرد که سریال های خشن خارجی بر عملکرد و رفتار جوانان و نو جوانان اثر عمیق بجا می گذارد و رفتار خشونت آمیز را در آنان افزایش می دهد.

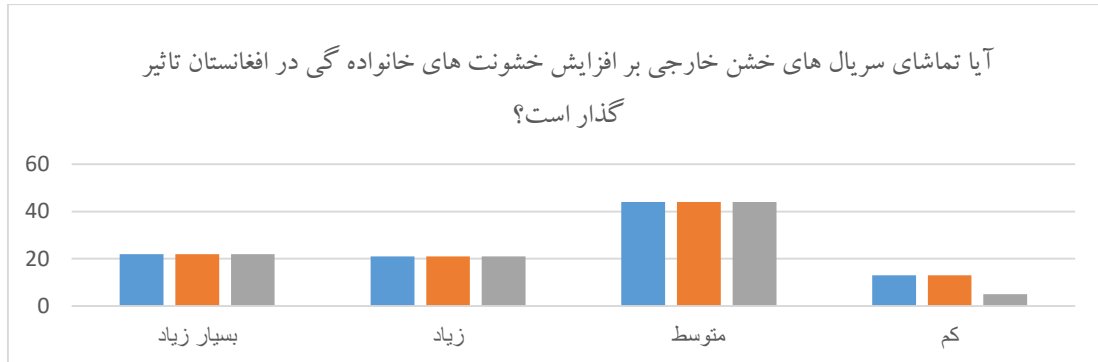
سریال‌های خشن خارجی، ترویج دهنده افکار خشونت آمیز در میان نسل جوان کشور



پاسخ‌های بدست آمده از پرسش بالایی ابهامات ذیل را پیرامون پرسش فوق تبیین می‌کند:

از میان صدتن از اشتراک‌کننده‌گان ۴۸ درصد آنان به این عقیده اند که پخش سریال‌های خارجی سبب ترویج خشونت به گونه بسیار زیاد در میان جوانان و نوجوانان در کشور می‌شود. هم‌چنان ۴۰ درصد دیگر نیز باورشان این است که تماشای سریال‌های خشن خارجی به گونه زیاد در ترویج افکار خشن در میان جوانان و نوجوانان تاثیر می‌گذارد. ۱۰ درصد دیگر از اشتراک‌کننده‌گان ابراز کرده اند که پخش سریال‌های خشن خارجی به گونه متوسط در ترویج افکار خشن در بین جوانان اثر گذار است. اما تنها دو درصد از اشتراک‌کننده‌گان باورشان این است که پخش این سریال‌های خشن خارجی در ترویج افکار جوانان تاثیر کم دارد.

تماشای سریال های خشن خارجی بر افزایش خشونت های خانواده ها در افغانستان

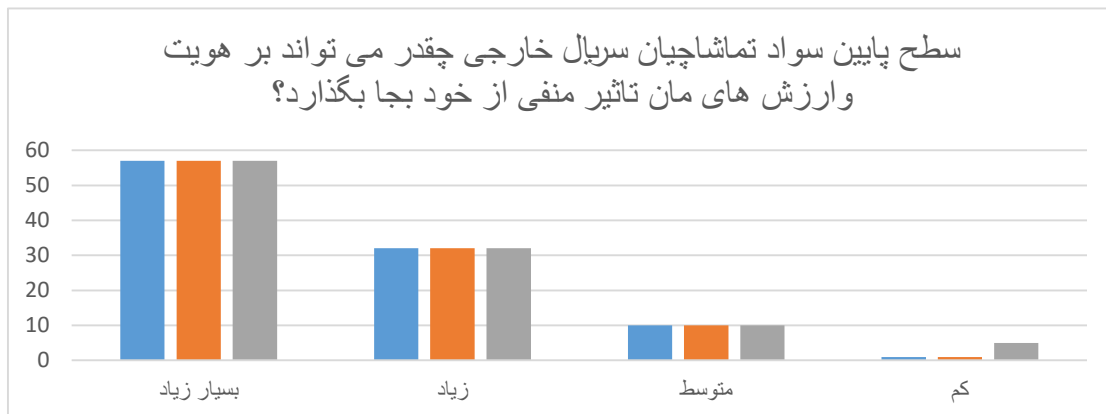


بحث اینکه سریال های خشن خارجی چه تاثیری بر خشونت گرایی خانواده ها دارد، پاسخ دهنده گان به این مسأله اینگونه نظریات شان را ابراز کرده اند:

از میان صد اشتراک کننده، ۲۲ تن آنان باورشان این است که سریال های خشن خارجی به گونه بسیار زیاد در افزایش خشونت های خانواده گی در کشور اثر گذار است. ۲۱ یک درصد یگر نیز نظر مشابه دارند که پخش سریال های خارجی در افزایش خشونت های خانواده گی زیاد تاثیر گذار است. اما ۴۴ درصد دیگر می گویند که پخش و تماشای سریال های خارجی به ویژه سریال های خشن بر خشونت های خانواده ها تاثیر متوسط دارد. ۱۳ درصد دیگر به این عقیده اند که پخش این سریال ها بر خشونت های خانواده ها تاثیر کم دارند. در کل می توان گفت که سریال هایی که محتوای آن ها را خشونت و منازعه تشکیل می دهد فضای آرام خانواده ها را تا حدی برهم می زند.

پایین بودن سطح سواد تماشاچیان سریال خارجی لطمه‌یی

بر هویت و ارزش‌های جامعه



در ارتباط به اینکه سطح پایین سواد گیرنده‌گان سریال‌های خارجی چقدر می‌تواند بر هویت و ارزش‌های جامعه افغانستان تاثیر منفی بجا می‌گذارد، اشتراک‌کننده‌های این تحقیق، دیدگاه‌های شان را اینگونه، بیان می‌کنند:

۵۷ درصد از اشتراک‌کننده‌گان می‌گویند که تماشا‌ی سریال‌های خارجی به دلیل پایین بودن سطح سواد گیرنده‌گان، هویت و ارزش‌های جامعه را به گونه‌ی بسیار زیاد آسیب می‌رساند. ۳۳ درصد دیگر نیز می‌گویند که پایین بودن سطح دانش تماشاچیان سریال‌ها به گونه‌ی زیاد به ارزش‌ها و هویت جامعه افغانستان تاثیر منفی دارد. اما ۱۰ درصد دیگر باورشان این است که پایین بودن سطح سواد بیننده‌گان سریال‌ها به گونه‌ی متوسط بر هویت و ارزش‌های جامعه ما اثر گذار است. اما فقط یک درصد از اشتراک‌کننده‌ها می‌گویند که پایین بودن سطح سواد تماشاچیان تاثیر کمی بر هویت و ارزش‌های جامعه آسیب می‌رساند. با توجه به براینده برآمده از دل این پرسش پایین بودن سطح سواد تماشاچیان سریال‌ها، هویت و ارزش‌های جامعه را متأثر می‌سازد. از دید جامعه‌شناختی نیز سطح سواد بر تاثیر پذیری مخاطب تاثیر مستقیم دارد.

مباحثه

با آنکه از دید جامعه‌شناختی در ارتباط به تاثیر گذاری پیام رسانه بر مخاطبان رسانه، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح می‌شود؛ اما به صورت کل برآیند نهایی این است که پیام رسانه، ذهنیت و افکار مخاطبان را متحول می‌سازد. عده‌یی از دانشمندان علوم ارتباطات باورشان این است که پیام رسانه در هر شرایط زمانی و مکانی افکار مخاطب را به صورت خود آگاه و یا به صورت نا خود آگاه به سمت خویش کشانده و اذهان آنان را سخت تحت تاثیر قرار می‌دهد. برعکس برخی از صاحب نظران ابزارهای ارتباطی باورشان این است که پیام رسانه بر افکار گیرنده گان تاثیر چندانی ندارد. به باور این گروه، انسان با توجه به اینکه یک موجود عقلانی است توانایی آن را دارند که هر پیامی ذهن آنان را منقلب ساخته و بر رفتار و عملکرد آنان تاثیر بگذارد (کازنو، ۱۳۷۲: ۳۱۰).

گروهی دیگری با توجه به این بحث مطروحه در حوزه ارتباطات می‌گویند پیام رسانه نه تاثیر خیلی جدی و عمیق بر ذهن انسان دارد که کاملاً افکار آن را به صورت آنی و فوری دگرگون و منقلب بسازد و نه هم آنچنان بی تاثیر است که هیچ تغییری را در افکار فرد بوجود نمی‌آورد. آنان می‌گویند که پیام رسانه به گونه نسبی و قسمی می‌تواند به شکل تدریجی بر افکار و رفتار مخاطب تاثیر بجا بگذارد (Hall, 1997:33).

با در نظر داشت دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه که در فوق به آن اشاره شد می‌توان نتیجه گرفت که پخش سریال‌های خارجی که با شرایط محیطی و جامعه‌شناختی کشور ما مطابقت نداشته باشد، می‌تواند بر رفتار و عملکرد شهروندان به ویژه جوانان و نوجوانان تاثیر عمیق می‌گذارد. چنانچه دیدگاه‌های اشتراک‌کننده گان این تحقیق به این مسأله مهم مهرتایید می‌گذارد. اینکه چرا تا حال رسانه‌های کشور در ارتباط به این مشکل مهم توجهی ندارند پرسشی است که نیازمند کاوش و پژوهش بیشتر در این زمینه را می‌طلبد.

اما به یقین صاحبان و سرمایه‌گذاران رسانه‌های کشور به خصوص رسانه‌های تصویری به جنبه‌های مادی قضیه، نگاه می‌کنند تا ارزش‌های حاکم در جامعه افغانستان. اما دولت افغانستان به عنوان

حافظ و پاسدار ارزش‌ها و هویت اصیل کشور، نسبت به این مسأله مسوولیت حقوقی و اخلاقی دارند که می‌باید وضعیت را از حالت موجود به سمت مطلوب آن تغییر دهد.

نتیجه‌گیری

برایند این پژوهش به وضاحت نشان می‌دهد که پخش سریال‌های خشن خارجی در ترویج و گسترش افکار خشونت‌آمیز در میان جوانان و نوجوانان کشور تاثیر قابل ملاحظه‌یی دارد. زیرا شهروندان کشور، از جمله نسل جوان به دلیل مشکلات موجود در جامعه ما هنوز هم در حد آگاهی لازم و خودشناسی نسبت به داشته‌های مادی و معنوی خویش نرسیده‌اند تا بتوانند در مورد پدیده‌های خوب از بد تفکیک درست داشته باشند. در کل تحقیق کنونی این مسأله را به درستی تبیین می‌کند که پخش سریال‌های خشن خارجی در ترویج خشونت و افکار جنگی در میان جوانان و نوجوانان اثر منفی از خود بجا گذاشته و در آینده اذهان جوانان را به این مسیر خواهد کشاند.

تماشای این سریال‌ها نه تنها اینکه بر رفتار باطنی تماشاچیان سریال‌های خشن سایه افکنده است؛ رفتارظاهری جوانان را سخت تحت تاثیر قرار داده است. چنانچه خیلی از جوانان رفتار و طرز لباس‌های شان متأثر از بازیگران سریال‌های خارجی ناشی می‌شود. از سویی هم آنچه که در این تحقیق آشکار می‌شود این است که اکثر جوانان بنا بر عوامل متعدد از جمله نبود مصورفیت‌های سالم یک بخشی از اوقات زنده‌گی شان را صرف سریال‌های خارجی از طریق تلویزیون‌های کشور می‌نمایند. از جانی هم نکته دیگری که در این تحقیق از تاثیر گذاری سریال‌های خارجی بر افکار جوانان و نوجوانان پرده بر میدارد، این است که پایین بودن سطح سواد تماشاچیان سریال‌های خارجی که بیشتر آنان را جوانان تشکیل می‌دهد بر رفتار و عملکرد آنان تاثیر قابل ملاحظه‌یی داشته است.

مسأله دیگری که در این تحقیق می‌تواند به عنوان یک مسأله مهم اجتماعی مطرح شود این است که پخش سریال‌های خشن خارجی فضای خانواده‌ها را در افغانستان به شدت متأثر ساخته است. چنانچه گزارش‌های نشر شده از سوی جامعه مدنی و فعالان حقوق بشری در هرات به ویژه ریاست امور زنان این ولایت یکی از عوامل افزایش خشونت‌های خانوده‌گی در هرات را بر خاسته از پخش سریال‌های خارجی در کشور می‌داند. هم‌چنان اشتراک‌کننده‌گان این تحقیق، نیز در پهلوی عوامل دیگر، یکی

از عوامل افزایش خشونت های خانواده گی به ویژه خشونت علیه زنان را پخش سریال های خشونت آمیز خارجی از جانب رسانه های تصویری کشور می دانند. در فرجام می توان گفت که پخش سریال های خارجی، ترویج افکار خشونت آمیز را در میان جوانان و نو جوانان افزایش داده است.

مأخذ

۱. قران کریم.
۲. ابراهیمی، م. ع. (۱۳۹۳). ترک جنگ و برقراری صلح. تهران: پژوهشکده باقرالعلوم.
۳. فرهنگ معین.
۴. فرهنگ عمید.
۵. کازنو، ژان. (۱۳۷۲). جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی (ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی)، تهران: انتشارات اطلاعات.
۶. کریمی، جلیل. (۱۳۸۸). گفتمان استعماری و مطالعات پسا استعماری: تحلیل گفتمان مطالعات کرد شناسی. پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۷. گریسی، کریستین. (۱۳۸۸). زیبایی شناسی و کیفیت در نمایش تلویزیونی عامه پسند (ترجمه ابوالفضل مسلمی). مجله زیبا شناخت، ش، ۲۱.
۸. گونتری، بری و مک آلر، جیک. (۱۳۸۰). کودک و تلویزیون (ترجمه نصرت فتی). تهران: انتشارات سروش.
۹. گیویان، عبدالله و احمدی، شهرام. (۱۳۸۹). تحلیل روایت در آگهی های داستانی تلویزیون. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۴، ۱-۲۱.
۱۰. هارتلی، جان و دیگران. (۱۳۸۵). مفاهیم کلیدی در ارتباطات (ترجمه میرحسن رییس زاده). تهران: انتشارات فصل نو.
۱۱. یورگنسن، ماریان و فیلیس، لوییز. (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان (ترجمه هادی جلیلی). تهران: انتشارات نشر نی.

۱. CaseY, B. Casey, N. Calvert, B. French, L. & Lewis, J. (2002). Television Studies: The key concepts. London: Rouledge.
۲. Hall, S. (1997). The work of representation, in cultural representation and signifying practice. London: Sage publication.

په کاپيسا کې د سولې په پياوړتيا کې د ځوانانو ونډه

پوهنمل فهيم بهير

د ژبو او ادبياتو پوهنځی، د البیرونی پوهنتون

لنډيز

دسولې راتگ او پياوړتيا په يوه ولايت (ټولنه) کې دېره اړيکه له ځوانانو سره لري. دوی کولای شي، چې د بېلابېلو لارو چارو څخه د سولې پروسه ځواکمنه کړي او ټاکلي هدف ته يې ورسوي. نو په دې څېړنه کې به راڅرگنده شي، چې د سولې په پياوړتيا کې د کاپيسا ځوانان څومره رول لوبولی شي او څومره ونډه لري؟ د دې څېړنې اساسي هدف په يوه ټولنه يا ولايت کې د سولې په پياوړتيا کې د ځوانانو د رول يا د ونډې په اړه دی، چې څومره ونډه درلودی شي، تر څو سولې ته ورسېږو. د دې څېړنې په تر سره کولو کې د څېړنې د کمې او کيفي اړخونو څخه گټه اخلو. په کمې اړخ کې پر يو شمېر ځوانانو باندې پوښتنلیکونه ویشو يا سروې کوو او په کيفی اړخ کې د ځينو فعاله ځوانانو او شخصیتونو سره چې په دې برخه کې يې کار کړی مرکې تر سره کوو. او پایله يې د څېړنې په اخر کې په يو جدول کې وړاندې کوو.

سريزه

اوس مهال د هېواد هره سيمه او هر ولايت د جگړې، د تاوتریخوالي، کرکې، د قومونو تر منځ نښتې او له نورو ورته پېښو سره مخ دی چې له امله يې د هرې سيمې يا ولايت د ولس امنيت، هوساينه له منځه تللي ده او ورځ تر بلې د جنايي پېښو گراف هم لوړېږي. په همدې اساس دا څېړنه مهمه ده، تر څو په کاپيسا ولايت کې د سولې په پياوړتيا کې د ځوانانو نقش څرگند کړي او له امله يې ځوانان د سولې په ټينگښت کې فعاله ونډه واخلي تر څو د جگړې، تاوتریخوالي او نورو پېښو پر ځای په نوموړي ولايت کې امن او سوله رامنځته شي.

د سولې د پروسې پياوړتيا د هرې ټولني له پاره مهمه ده، تر څو د کرکې، تاوتریخوالي او جگړو مخه ونیول شي. سوله د ټولني په ټولو وگړو باندې اغېزه لري او د ځوانانو له ژوند سره ډېره اړيکه لري. دوی کولای شي د بېلابېلو لارو چارو څخه کار واخلي، تر څو د سولې پروسه گړندی شي او په ټولنه کې سوله او ارامې راشي.

که په دې څېړنې سره ځوانان په ټولنه کې د سولې په برخه کې خپل نقش وپېژني، عملي گامونه واخلي او دا پروسه پياوړې کړي؛ نو په پايله کې به مو نه يوازې سيمه، ولايت بلکې په ټول هېواد کې سوله رامنځته شي او هېواد به مو په سياسي، اقتصادي او کلتوري لحاظ د سيمې له نورو هېوادونو سره هم جوگه شي.

دڅېړنې هدف

د دې څېړنې هدفونه يا موخه به په لاندې ډول ده:

په نوموړي ولايت (کاپيسا) کې د سولې په راوستو کې د ځوانانو ونډه او د دوی (د ځوانانو) هغه عواملو ته اشاره چې د دوي پورې اړه لري او د هغې په اساس په نوموړي ولايت کې د سولې پروسه پياوړتيا مومي.

د څېړنې اهميت: لومړی دا چې اوس مهال په ټول هېواد کې د سولې له پاره ستره اړتيا ليدل کېږي، د سولې په راتگ سره زموږ ټولنه په سياسي، اقتصادي او فرهنگي لحاظ پرمختگ کوي، نو په دې اساس د سولې د پياوړتيا له پاره د ځوانانو ونډه څرگنده شي او هغه عوامل چې د دوی پورې اړه لري معلوم شي، تر څو د جگړې، تاوتریخوالي مخه ونیول شي او په سيمه، ولايت او په بالاخره په ټول هېواد کې ثبات او امن رامنځته شي. دويم دا چې د دې ستر نعمت (سولې) د پراخوالي او پياوړتيا له پاره ځوانانو ته انگيزه ورکول او دوی ته د هغو مسوليتونو پېژندل چې دوی پورې اړه لري او په پايله کې د همدوي د هڅو او عملي فعاليتونو د لارې په سيمه ولايت او ټول هېواد کې سوله راځي او د هر ډول کرکو، بد بينيو مخه نيول کېږي.

دڅېړنې فرضیه

په کاپیسا کې د سولې او ثبات په پیاوړتیا کې ځوانان مهم نقش لوبولای شي، چې له امله یې د جگړو او تاوتریخوالي مخه نیول کېږي.

د څېړنې پوښتنې:

۱. سولې په رامنځته کېدو کې د کاپیسا د ځوانانو ونډه څومره مهمه ده؟
۲. په کاپیسا کې د سولې په پروسه کې ځوانان د کومو لارو (په فردي یا ټولنیزه) په بڼه توګه نقش لوبولی شي؟

دڅېړنې میتود

په دې څېړنه کې د کتابتوني او هم د تحقیق د کمې روش څخه زیاته استفاده کېږي. په کتابتوني برخه کې له ځینو مهمو ماخذونو څخه ګټه اخیستل کېږي تر څو د دې څېړنې منځپانګې لاقوي او غني کړي. او د څېړنې د کمې روش په برخه کې د څېړنې د سوالونو مطابق ځینې پوښتنې ترتیبېږي او د کاپیسا پر یو شمېر ځوانانو ویشل کېږي او د همدې لارې معلومات راجمع کېږي او وروسته د ارزونې تحلیل کېږي او پایله یې په یو جدول کې یا د ګراف په شکل وړاندې کېږي.

دڅېړنې تاریخي پس منظر

لومړی باید یادونه وکړم، چې د نړۍ د ډېرو هېوادونو په مهمو پرمختګونو او بدلونو کې ځوانانو ونډه مهمه وه او په دې اړه ځینې اثارو کې هم اشاره ورته شوې ده. بهرني لیکوال اریستوتلو (Aristotle) د سولې په نامه په خپل کتاب کې (the book of peace, page ۱۱۳) په دې اړه د ځوانانو ونډه ډېره مهمه بولي. په افغانستان کې په دې وروستی لسيزه کې د جګړې، تاوتریخوالي او جنایې پېښو ګراف لوړ شوی دی او په ۱۳۹۴ کې ملګرو ملتونو د وګړو صندوق (UNFPA) د افغان ځوانانو په اړه یو راپور خپور کړ. د راپور له مخې په داسې حال کې چې په سلو کې ۶۳ وګړي یې له ۲۵ کلونو څخه کم عمر لري، افغانستان دنړۍ په کچه تر ټولو ځوان نفوس لرونکی هیواد دی. دملګرو ملتونو دوګړو صندوق استازې، آغلي انیتي سانشي رابرتسن د راپور د خپرولو په مطبوعاتي کنفرانس کې دافغان ځوانانو په ټولنیز بڼکیلتوب ټینګار وکړ. همدول د حکومت د بېلابېلو ادارو او د ځوانانود بېلابیلو ټولنو او مدني فعالانو له خوا ډېروګرامونو د لارې تاکېد شوی چې ځوانان د سولې په ټینګښت او پیاوړتیا کې مهم رول لوبولای شي.

زموږ څېړنه « په کاپيسا کې د سولې په پياوړتيا کې د ځوانانو ونډه » د کاپيسا له ځوانانو سره تړاو لري، تر اوسه په دې ولايت کې په دې اړه کوم جلا اثر نه دی ليکل شوی چې په هغې کې د دې ولايت د جگړو، تاوتریخوالي د مخنيوي په هدف د ځوانانو نقش ته اشاره شوې وي. دا څېړنه نوې ده او په لومړي ځل په کاپيسا کې د سولې د بهير په پياوړتيا کې د ځوانانو د نقش په اړه تر سره کېږي. دا څېړنه به په راتلونکي کې د نورو څېړنکو له پاره بڼه مواد ولري او په دې اړه به ډېرې برخې روښانه کړي. له دې څېړنه څخه به هغه اداري هم د خپلو موادو په غنامندي کې گټه واخلي چې د سولې په اړه ورکشا پونه او سيمينارونه وړاندې کوي.

د مقالې اصلي متن

کاپيسا د افغانستان له مرکزي ولايتونو څخه دی چې د پنجشیر، پروان، کابل او لغمان تر منځ موقعيت لري، نوموړی ولايت اوسمهال شپږ ولسوالۍ (تگاب، اله ساي، کوهيند، نجراب، کوهستان اول او دويم کوهستان) لري. کاپيسا د بحر له سطحې نه ۱۵۰۰ متره لوړوالی لري او ۱۸۷۱ کيلو متره مساحت لري « بهير، ۱۳۹۶: ۱۶ ».

د نوموړي ولايت زياتره اوسيدونکي پښتانه، تاجک او پشه يان دی چې د کاپيسا په بېلابېلو ولسواليو کې مېشت دي. د دې ولايت اوسيدونکي په خپل منځونو کې ښې اړيکې لري او گډ ارزښتونه پالي، د دې ترڅنگ د دې ولايت په يو شمېر سيمو کې د ناامنی او د پخوانيو جگړو، زورواکۍ او ځينې نور عوامل هم شته دي، چې کله کله وسله والې نښتې، د اوبو، ځمکو او نورو مسايلو تر منځ د قومونو، کورنيو او وسله والو ډلو تر منځ نښتې رامنځته کېږي چې کلونه کلونه هم دوام کوي. د دوی په نښتو او جگړو کې گڼو کورنيو ته مالي او ځاني زيانونه اوږي د سيمو نورو خلکو د ژوند په ورځينو چارو هم منفي اغېزه شيندي. اوسمهال د کاپيسا د ورته ستونزو په ليدو سره هم د حکومت له خوا سولې شورا موجوده وه تر څو هغې ډلې چې د حکومت پر وړاندې جنگېږي تر څو د دې شورا د لارې وهڅول شي د سولې له پروسې سره يو ځای شي. د دې تر څنگ د کاپيسا په ولايت کې د قومونو او قبایلو رياست او د ولايت د ځينو قومي مشرانو تر منځ هم يوه گډه شورا رامنځته شوې ده تر څو د کاپيسا په گڼو برخو کې دوښمنۍ، جگړې، وړانۍ او تاوتریخوالي پر وړاندې مبارزه وکړي او د ځينو قومونو تر منځ يې روغې او جوړې هم رامنځته کړي دي. خو په کاپيسا کې د سولې په پياوړتيا کې د ځوانانو ونډه مهمه ده، کولای شي چې د ځوانانو فعاليتونه په نوموړي ولايت کې د جگړې، وړانيو، تاوتریخوالو مخنيوي وکړي او دا پروسه لا گړندی او ځواکمنه کړي.

د کاپيسا سر بېره په ټول هېواد کې د جگړو، وړانيو او تاوتریخوالي زياتره قربانيان ځوانان دي، کله کله د حکومت مخالفين او ځينې مافيايي کړۍ هم د ځوانانو په جذب باندې کار

کوي او د همدوی کاري انرژي د ځان په گټه کاروي. نو مور هم کولای شو چې د ځوانانو له دې انرژي څخه د ځان په گټه کار واخلو، نوي تکنیو ځوانانو ته عامه پوهاوي وړاندې شي، همدا ډول فعاله او تکرره ځوانانو انگیزه هم د سولې، پخلاینې او د یوې ارامې فضا په لور جلب شي. زموږ ټولنه اسلامي ټولنه ده، خپل اساسات لري د هغې په رڼا کې مور ژوند کوو همدا ډول د خپلو مشرانو له تجربو او جرگو څخه د تاوتریخوالي او جگړه ایزو مسایلو د حل له پار گټه پورته کولای شو.

په کاپیسا کې هم زیاتره جگړې، نښتې د فرد، کورنیو او قومونو تر منځ رامنځته کېږي، چې له ډېرو قربانیو او وینو تولیدو وروسته بیا هم د اسلامي ارشاداتو په رڼا کې او د قومونو د جرگو په اساس روغې تر سره کېږي. د یوې لانجې یا نښتې د مخنیوي په اړه باندې درېم کس هم مسول دی چې باید د دوه تنو یا کورنیو تر منځ روغه وکړي: «الله سبحانه و تعالی ته د دوو کسانو تر منځ شخړه دومره مهمه ده چې د هغې د له منځه وړلو لپاره د یوه مرتب مکانیزم هدایت کوي چې په لومړۍ مرحله کې یې، خپله په شخړه کې ښکېل کسان د سولې د راوستلو لپاره موظفوي. خو د دوی د پاتې راتلو په حال کې بیا په نورو غږ کوي چې خپل فرض په دغه ټولنیز کوچني خو ډېر مهم بنسټ کې د سولې د راوستلو په هکله ادا کړي.

دغه راز سوله د الهي سنتو په رڼا کې له ټولو نورو دنیوي امورو څخه مهمه گڼل کېږي او په دې هلکه د ابراهیم علیه السلام دعا د مکې د ښار په اړه یو قوي دلیل او بېلگه ده ځکه چې لومړی د امن او بیا د ښار د خلکو د اقتصادي سوکالی غوښتنه کوي» «د سولې فتوا، ۱۳۹۷: ۱۹». د جگړې او وړانیو اغېزې د ټولني به نورو وگړو هم تاثیر کوي، کله چې یوه فرد، بیا کورنی، سیمه او بل اخره دا بهیر یو نړیوال امن منځته راوړي. په دې اړه پوهان وايي: «د نړیوالې سولې د پایښت له پاره باید ملتونه یو بل ته نژدې شي، نه دولتونه» همدا ډول فرد ریش نیچه وايي: «جنگ د خاوریني ځمکې یو ابدی قانون دی او سوله د دوو جنگونو تر منځ د استراحت موده ده» همدا ډول گداز وايي: «سوله هغه لمر دی چې ټول کورونه یو شاتنه روښانه کوي» «وزیری، ۱۳۹۴: ۱۹۹».

په کاپیسا کې د سولې په پیاوړتیا کې د ځوانانو د ونډې د مهموالي په اړه لاندې څو برخو باندې رڼا اچوو:

۱. د کاپیسا د ځوانان نقش او سوله: ځوانان د ټولني مهمه برخه ده، کولای شي چې خپله ټولنه د نیکمرغۍ تر کچې ورسوي، ځکه دوی د انرژي له مخې د ټولني د نورو وگړو په پرتله ځواکمن دي، په خپلو فردي او گروپي هڅو او پروگرامونه کولای شي په خپله سیمه یا ولایت کې ښه رول ولوبوي. د دوی ځینې کړنې د خپلې سیمې په نورو وگړو هم اغېزه کوي، دا اغېز او مثبتې کړنې کولای شي د جگړو، وړانیو مخنیوی وکړي. ځکه زموږ ټولنه اسلامي ده او د اسلام په تاریخ کې د حضرت محمد(ص) سیرت د لمر په څېر ځلانده دی هر مسلمان ځوان کولای شي دا لاره تعقیب کړي: «محمد(ص)

په ځوانۍ کې صادق او امين په نامه پېژندل کېده او د عربو په مينځ کې په وفا، نیک معامله، بڼه نامه او پاک خوي باندې مشهور و «سباعي، ۱۳۸۱: ۴۲».

د کاپيسا د هرې سيمې، هرې ژبې ځوان کولای شي په خپله سيمه يا ولايت کې د خپلو بنو ځانگړنو او فعاليتونه په اساس د کاپيسا د هرې سيمې د خلکو او ځوانانو په زړونو کې ځای پيدا کړي. همدا ډول کولای شي د همدې جوړې شو اړيکو په اساس د کلي، سيمې او د ټول ولايت ستونزې حل کړي. ځوانان کولای شي د تعليمي پروگرامونو، ورکشاپونو، سيمينارونو او نورو فرهنگي پروگرامونو په اساس د ځوانانو تر منځ داسې ذهنيت رامنځته کړي چې د سولې ډاډمنتيا له پاره هڅې وشي. دوی کولای شي د خپلو فعاليتونو او پروگرامونو د لارې نورو ځوانانو او د سيمې خلک ته داسې انگيزه ورکړي چې نور د دې ولايت يا سيمې ځوانان بايد د اور به لوگيو کې ونه سوزيږي.

په افغانستان کې د څو ليززو راهيسې جگړې روانې دي، د سياسي نظامونو د بدلونو نو او نورو عواملو په اساس د کاپيسا خلک هم له گڼو ستونزو سره مخ دي، ځينې کسان د وخت به تېرېدو سره بيا هم د دوی د انتقام جذبه دومره تيزه وي چې بيا تاوتریخوالی او وړانيو ته مخه کوي، مگر د دې تداوم هم د بلې ناورې پېښې يا ناورين رامنځته کېدل دي د ځينو افرادو، کورنيو او سيمو له پاره. په دې اړه په کلتور او ټولنه کې ليکل شوي دي: «هر ځپل شوی انسان د انتقام جذبه لري، خو په کومه ټولنه کې چې کسات اخيستنه د کلتور برخه وگرځي، هلته يې لمبې لا زورورې شي مور ممکن هغه څوک بې غيرته وگڼو چې بدل نه اخلی.

په تېرو زمانو کې چې ټولنو د وگړي د حق د ساتنې لپاره لازمي لارې چارې نه لرلې، افرادو په خپلو حقونو باندې تېري کوونکو ته په خپل لاس جزا ورکول غوره گڼل. دغه شی د انتقام اخيستلو په کلتور بدل شو او وروسته بيا خلکو د انتقام او عدالت ته ترمنځ توپير ته اهميت ور نه کړ؛ حال دا چې بدل اخيستل او عدالت کولی بېخي بې مفهومه دي. د انتقام جذبه له نفسه سرچينه اخلی او عدالت د عقل تقاضا ده. انتقام د ځان د خوشحالولو لپاره وي خو عدالت د ټولني د ډاډه کولو لپاره. عدالت د نظم له ساتنې سره مرسته کوي او انتقام د انارشې له خپرولو سره. انتقام يوه رنده جذبه ده چې انتقام اخيستونکي ته د خپل مقصد د پوره کولو لپاره ممکن د هر وړاني کول را وگرځوي، خو عدالت يو سترگور احساس دی چې د عملي کولو په وخت يې صرف هغه څه کيدای شي چې قانون يې اجازه ورکوي» «غضنفر، ۱۳۹۳: ۴۰».

نو د کاپيسا هغه ځوانان چې په تعليمي، تحصيلي او نورو فرهنگي برخو کې فعاليت لري يا په نورو ادارو او برخو کې دخپل دي کولای شي د عامه پوهاوي او نورو گڼو فعاليتونو د لارې ټول هغه مسایل په فردي او گروپي ډول د ولايت نورو وگړو ته وړاندې کړي چې له امله جگړې او وړاني د قومونو او کورنيو تر منځ رامنځته کېږي. د ځينو ادارو او سياسي تحليل

گرانو په اند اوسمهال زموږ په هره ټولنه کې ځینې کړۍ او هغه څوک چې له ځینو بهرنیو استخباراتي کړیو څخه ملاتړ کېږي هڅه کوي چې د قومونو تر منځ د ژبې، د سمت او نورو برخو په اړه کړکې، لانجې او بد بینې رامنځته کړي. کاپیسا کې هم د بیلابیلو ژبو او قومونو اوسیدونکي ژوند کوي کله کله د ځینو طبیعي یا نورو عواملو په اساس له یوې سیمې څخه بلې سیمې تگ او راتگ کوي یا هلته میشت کېږي. ځینې کړۍ په قصدي توګه د دوی تر منځ نفاق ته لمن وهي او ځینې کسان په ناپوهي توګه د نورو قومونو او سمتونو پر وړاندې داسې کړنې کوي چې د خلکو په زړونو کې کړکه او خشونت رامنځته کوي نو د کاپیسا ځوانان کولای شي د دې بهیر مخنیوي هم د خپل ټولنیز نقش په اساس په داسې ډول تر سره کړي چې د قومونو تر منځ د یوالي او هوساینې فضا رامنځته کړي. دا فضا او ډاډمنتیا هلته رامنځته کېږي چې د هرې سیمې مشر او ځوان په خپل ځان کې د عدالت ځواک ولري او نور خلک د ده تر سیوري لاندې په امن کې ژوند وکړي.

استاد غضنفر په خپل اثر (کلتور او ټولنه) کې په دې اړه لیکلي دي: « د زغم مفهوم اوسنی نه دی خو په دې باره کې بحثونه په اوسنی زمانه کې زیات شوي دي، ځکه اوسني خلک د ټکنالوژي په برکت له یوبل سره ډېره رابطه لري او له بلې خوا خطرناکې وسلې خبر داری را کوي چې که انسانان یو بل و نه زغمي، ممکن ټول تباه شي. د هند په تاریخ کې لوی پاچا اشوکا د زغم یو اعلی مثال دی. اشوکا چې په درېیمه میلاد مخکې پېړۍ کې اوسېده، یو فرمان صادر کړ چې د ده په قلمرو کې د ټولو قومونو او عقیدو درناوی پکار دی. اشوکا ویلي وو چې د نورو عقیدو ته درناوی خپلې عقیدې ته د درناوي سبب ګرځي... د رنسانس په زمانه او ورپسې پېړیو کې ځینو اروپایي مفکرانو د زغم د خپرولو له پاره ډېر کار وکړ. د رنسانس د وخت هالنډي مفکر اراسموس له غیر کاتولیکو سره د بې زغمه چلند په پاره کې ویلي وو چې: د ناروغ علاج د ناروغ تر وژلو غوره عمل دی. د شپاړلسمې پېړۍ یو پروتسانت عالم سبستیان کاستیلو د کاتولیکي کلیسا د چلند په مخالفت کې ویلي دي: د یو چا وژل د یوې عقیدې خوندي کول نه بلکې د یو چا وژل دي.

انګریز فیلسوف جان لاک په ۱۶۸۸ م کې د زغم په باره کې یوه رساله وکبله ده استدلال وکړ چې ایمان له زړه سره تعلق لري او د یو چا په زړه کې د زور له لارې ځای پیدا کول ممکن نه دي. د ده په نظر زور له لارې ممکنه ده چې یو څوک په ایمان باندې تظاهر وکړي خو تظاهر ریا او منافقت ته لار پرانیزي چې ایمان پکې زیان ویني او بلکې له منځه ځي. تاریخ راته وایي چې په اسلامي ټولنه کې مذهبي زغم زیات و. کله چې حضرت رسول اکرم(ص) مدینې ته هجرت وکړ او مسلمانان د واک څښتنان شول نو د مسلمانانو د ادارې په سیوري کې یهود او نصارا په سوله او امن کې اوسېدل. په اوروسته پېړیو کې مسلمانانو له اسپانیا تر هنده پورې ډېرې سیمې فتحه کړې مګر نور قومو نه یې مجبور نه کړل چې خپل دین

پرېږدي. هند او اسپانيا د مسلمانانو د د غسې چلند دوه مثالونه دي. هغه بي زغمي چې نن سبا په ځينو اسلامي ټولنو کې ليدل کېږي، د مسلمانو پوهانو په نظر نه د اسلام له تاريخ سره تعلق لري او نه د اسلام له اساساتو سره» «غضنفر، ۱۳۹۳: ۲۸۶».

د کاپيسا د ځوانانو جذب او سوله: د ارواپوهنې له پلوه هر ماشوم يا ځوانان د ژوند د مختلفو بهيرونو سره مخ کېږي، د ده پر روان غورځيدلي اغېزې د ده د شخصيت په جوړونه کې ونډه لري. نوي ځوانان چې عموماً عمر ونه پورې رسېږي پر دې دوران کې د دوی شخصيت جوړونه تکامل مومي. زموږ په ټولنه يا په کاپيسا ولايت کې ځوانان هم گڼ شمېر مسوليتونه لري، چې بايد ورته پاملرنه وکړي او د ځينو هغه عواملو په بنياد کې هم دوی ونډه لري چې يا تاوتریخوالي ته يا سولې ته لاره پرانيږي. همدا اوسمهال د کاپيسا په يو شمېر ولسواليو کې د کاپيسا د امنيتي، دولتي چارواکو او مدفي فعالانو په وينا د حکومت وسله وال مخالفين فعاليت لري، په جگړو کې ډيرې دخيل ځوانان دي، د نويو ليکو د جذب له پاره هم ځينې کړۍ له ځوانانو څخه استفاده کوي. په کليو او سيمو کې چې هر ډول نښتې او لانجې رامنځته شوي دي ډيري قربانيان يې هم ځوانان دي او عامل يې هم دوی دی. د دې تر څنگ اوسمهال په هېواد کې همدا ډول په يو شمېر ولايتونو او سيمو کې د فرهنگي او نورو فعاله ځوانانو تر منځ گڼ شمېر ټولني رامنځته شوي دي، ځينې خيريې بنسټونه دي دوی په سيمو کې فعاليتونه لري، غونډې او پروگرامونه جوړه وي چې د سيمي نور خلک په کې هم گډون کوي. له داسې ځوانانو څخه بايد د سولې د پياوړتيا له پاره گټه واخيستل شي، د دوی پروگرامونه همداسې پيغام بايد وړاندې کړي، ځوانان بايد دا پيغام يو بل ته ورسوي او په همدې اساس بايد داسې جال د دوی تر منځ جوړ شي چې په کلي، سيمه او د ولايت په کچه هر ډول ستونزې چې رامنځته کېږي هغه حل شي.

کله کله زموږ سيمه ايزې او هېوادنۍ جگړې له نورو هېوادونو او بهرنيو کړيو د پلانونو په اساس رامنځته کېږي. د نړۍ په ډېر هېوادونو کې د ځينو سياستوالو او نړيوالو مافيايي کړيو له خوا جگړې روانې دي، چې سلگونه او زرگونه انسانان په کې قرباني کېږي. د وژنو تر څنگ معيوب، د کورنۍ غړي او دوستان له لاسه ورکوي يا له گڼو اقتصادي، امنيتي او نورو ستونزو سره مخ کېږي. موږ بايد په دې برخه کې شاعر، ليکوال، ژورنالست او نور کدري غړو څخه گټه واخلو تر څو هغه لارې چارې رامنځته کړي چې له امله يې د سولې پروسه د ځوانانو په اساس بډايه کېږي دوی بايد خلک د مينې، دوستۍ، همکارۍ او يووالي ته رابولي او څوک چې دا ځانگړنې ونه لري د هغوی په انسانيت دي هم شک وکړي لکه د دې شاعر پيغام:

د درد زري

چي د چا په زره کي نه وي د درد زري
په ژوند کي راته مه شمېره دا مري
چي د بل انسان په خوړو، خوړمن نه شول
هغه نه دي د ادم د توکــم غري
چي د نورو د خير نشول ژوند يې څه وي
داسي بـويه لکه بوس وي اوبو وري
(اکبر، ۱۳۷۹: ۱۱).

پورتنې کرښې داسې پیغام لري، چې گڼ شمېر ځوانان د سولې په لور مخه را واپروي او د کرکې او تاوتریخوالی څخه لاس واخلي او په خپلو علمي او فکري فعالیتونو د لارې سولې پروسه گړندی او فعاله کړي.

د پښتو ژبې نومیالی شاعر پیرمحمد کاروان هم په لاندې شعر کې د جگړې د بدبختیو انځور وړاندې کوي او د سولې ارزښت او اهمیت ته یې هم اشاره کړې ده:

له زره نه راشي لکه سور د وینو خال ځاڅي
له سوري لاس نه مي د سپینې سولې سوال ځاڅي
خدایه دا بیا یې ده، د کوم ستوري مری پری کړي
چي یو شفق ویني له توري د هلال ځاڅي
هاغلته لري د نښتر په تن کي غشی بنخ دی
ها غلته تودې ویني له غزال ځاڅي
(وفا، ۳۷: ۱۳۹۶).

د کاپیسا د ځوانانو اړیکې او سوله: ځوانان او علمي کدرونه د ټولني د نورو وگړو په پرتله ډیرې ټولنيزې اړیکې لري چې دا عامل هم کولای شي د سولې په تامین او د دې پروسې په پیاوړتیا کې فعاله ونډه ولري. اوسمهال د افغانستان یو شمېر رقیب هېوادونه او ډلې هڅه کوي چې په دې هېواد کې ستونزې رامنځته کړي. کله د حزب په نوم کله د مذهب کله بیا ژبنيو او سمتي مسایلو ته هم لمن وهي. هغه کسان چې په همدې مسایلو کې یې شخصی گټې نغښتي دي همدې نقطو ته اور پوه کوي تر څو د دوی گټې خوندي پاتې شي. د همدې عواملو د لارې په وروسته پاتې هېوادونو کې نا ارمی رامنځته کېږي، د ښه نظام پر ځای انارشیزم خپرېږي.

ددې ستونزو په کمولو کې ځوانان ځانگړی نقش لري، چې دوی د بېلابېلو سیمو له ځوانانو او اوسیدونکو یا مخورو سره ښې اړیکې لري او د دوی اړیکې زیاتره د صمیمیت او دوستۍ په فضا کې وي؛ نو ځوانان د همدې اړیکو په اساس کولای شي د بیلابیلو سیمو تر منځ ناندري، ناخوالي، بدۍ او گڼې نورې ټولنيزې ستونزې چې د کرکې، نفرت او تاوتریخوالي په لور حرکت کوي مخنیوی وکړي. د ځینو رسنیزو ادارو او علمي مرکزونو د لارې هم څرگنده

شوي ده چې د همدې ټولنيزو اړيکو په اساس د جگړې د بشکيلو خوا و تر منځ به ځينو سيمو کې ستونزې حل شوي دي؛ نو د سولې د رامنځته کېدو له پاره بايد د ځوانانو او علمي کدرونو دا ځانگړنه بايد بنه قوي شي، وپالل شي او په پايله کې يوي لويې او دايمي سولې ته لار پرانيستل شي. په همدې اړه مترلينگ د انساني سلوک تر سرليک لاندې وايي: « هغه مينه چې انسان يې له نورو سره کوي بايد د يو لور ځايه سر چينه ولري، يانې خلکو ته دې د عشق له نظره وگوري خپل شفقت او ترحم دې د مينې په اساس رامنځته کړي » «الف، ۱۳۸۴: ۵۱».

همدا ډول ځوانان او فرهنگي څېرې په ټولنه باندې هم يو ډول اغېز لري، نوي ځوانان يا زده کړيالان او د ټولني نور وگړي هم د دوی اندونه په اسانه سره خپلوي. د ارواپوهنې له مخې انسان د ټولنيزو او طبيعي پېښو او چاپيريال له مخې ځينې شيان او انگيرنې خپل لا شعور کې ځای پر ځای کوي يا د نوموړي په اروا او فکر کې نفوذ کوي» «بھير، ۱۳۹۷: ۳۲».

نو له فعاله او نومياليو ځوانانو څخه دې يو منظم بهير جوړ شي، تر څو نور ځوانان هم ور سره اړيکې ولري او د دې جوړې شوي کړۍ څخه د کورنيو، کليو او سيمو گڼ شمېر اختلافات حل کړي.

د کاپيسا يو شمېر ټولنيزي ستونزې: د څو لسيزو راهيسې د هېواد هره سيمه د ځينو پېښو له امله له گڼو ټولنيزو ستونزو سره مخ شوي ده. پر کاپيسا د تېرو څو لسيزو راهيسو جگړو، فقر، بې سوادې او يو شمېر نورو عواملو اغېز کړې ده، چې د سيمي خلکو ته يې په گڼو برخو کې مالي او ځاني زيانونه اړه ولي دي. هغه مهال چې کله شوري په افغانستان يرغل وکړ نو کاپيسا خلکو ته هم گڼ شمېر زيان اوښتی دی همدا ډول د کورنۍ جگړې پر مهال او په تېرو اتلسو کلونو کې يې يو شمېر سيمي هم خپل شوي دي، وچکالی او نورو پېښو هم خلکو ته په گڼو برخو کې ستونزې رامنځته کړي دي. اوسمهال د کاپيسا په تکاب، اله سای او د نجرا ب ولسوالۍ په ځينو سيمو کې جگړې روانې دي، چې ډير ځوانان په کې وژل کېږي د دې تر څنگ په امنو او ناامنو سيمو کې هم د کورنيو تاوتریخوالي او د پخوانيو دوښمنيو په اساس ځوانان وژل کېږي يا د ځينو جنایي پېښو عاملين گرځېږي.

د کاپيسا په اوسنيو ټولنيزو ستونزو کې ډيرې بشکيل ځوانان دي چې د هرې پېښې قرباني ورکوي، خو اوسمهال د کاپيسا د تحليل کونکو په اند ډيری ځوانانو بېلابيلو زده کړو ته مخه کړې ده، د نوي او بنه ژوند له پاره يې نوې لارې د خپل ژوند ارمان گرځولي دي. دوی اوسمهال د تاوتریخوالي، کرکې او جگړو پر ځای زياته پاملرنه د مينې، دوستۍ او هوساينې په لور کوي، نو په دې اساس د کاپيسا ځوانان د يو ځنځير په شکل سره اړيکې لري، چې دوی کولای شي د همدې لارې د کاپيسا په ټولو سيمو کې داسې رول ادا کړي تر څو خپله ټولنه د نيکمرغۍ تر ساحله ورسوي. کله چې ځوانان د جگړې او تاوتریخوالي څخه مخه وگرځوي

نو ډیری جنایي او نورو ټولنیزو ستونزو گراف هم ور سره کمبږي. د شنونکو په اند دولتي چارواکي باید هم د ځوانان رول ته پاملرنه وکړي او په سیمو کې دې له همدوي ځواک څخه هم کار واخلي. د کاپیسا فعاله ځوانان هم په دې باوري دي که چېرې دولتي او نوري ادارې د ځوانانو د پیاوړتیا او انسجام له پاره کار وکړي او د کاپیسا د ځوانانو څخه د یو منظم او فعاله سیستم په توګه کار واخیستل شي نو د کاپیسا د ډېرو سیمو وړې او لویې ستونزې د جګړو او تاوتریخوالي په اړه حل شي او حتی په ځینو سیمو کې به د حکومت او نظم هغه مخالفین چې ځوانان دي له جګړې او تاوتریخوالي لاس واخلي.

د څېړني پایله (نتایج)

د هېواد د هرې سیمې ټولنیز کرکېچ، تاوتریخوالی، جګړه او نفاق هغه څه دي، چې په سیمه کې د ګڼو بد مرغيو سبب کېږي او د ځوانانو د پرمختګ مخه ډېوي او حتی د مالي او ځاني زیان سر هم دوی مخ کېږي. ځوانان کولای شي، د کاپیسا په هره سیمه کې د خپلو فردي، ټولنیزو فعالیتونو او بنو انگیزو په اساس د تاوتریخوالي مخه ونیسي.

د کاپیسا ځوانان کولای شي د خپلو اړیکو، په اساس په کاپیسا کې د سولې او پخلاینې پروسه چټکه او ګړندی کړي. که چېرې ځوانان په جګړو او نور اختلافي مسایلو کې دخپل نه شي؛ نو د بد بختیو او جګړو گراف پخپله رابښکته کېږي. همدا ډول د کاپیسا فرهنګي او نور فعاله ځوانان او مدني فعالان باید نویو ځوانانو ته داسې انگیزه ورکړي چې د هر کور، کلي او سیمې جګړه، تاوتریخوالی او نوري ستونزې د دوی د پرمختګ مخه نیسي د دوی راتلونکی نه روښانه کوي بلکې ځوانان به یې قرباني هم ورکوي. د دې څېړني پایله په لاندې توګه په دوه برخو کې خلاصه کولای شو:

د څېړني کمي نتایج: د دې څېړني په هدف د کاپیسا له سل تنو ځوانانو (۷۵ او ۲۵ نجونو) څخه د څېړني پوښتنو ته ځوابونه ورکړل شوي چې پایله یې په لاندې جدول کې وړاندې کېږي.

۱. سولې په رامنځته کېدو کې د کاپیسا د ځوانانو ونډه څومره مهه ده؟

د دوی نظرونه د پورتنۍ پوښتنې په اړه په لاندې جدول کې راوړل شوي دي.

د کاپيسا ځوانان(سل تنه)	دېره زياته	زياته	متوسطه	کمه
۷۳ تنه	(۵۵ هلکان او ۱۸ نجونې)			
۹ تنه		(۶ هلکان او ۳ نجونې)		
۱۰ تنه			(۴ هلکان او ۶ نجونې)	
۸ تنه				(۳ هلکان او ۵ نجونې)

له همدې سل تنو ځوانانو څخه د څېړنې دويمه پوښتنه مطرح شوې:

۲. په کاپيسا کې د سولې په پروسه کې ځوانان د کومو لارو (فردې يا په ټولنيزه) توگه بڼه نقش لوبولی شي؟

د دوی د نظرونو نتايج په لاندې جدول کې وړاندې شوي دي:

د کاپيسا ځوانان (سل تنه)	په فردي بڼه	په ټولنيزه توگه
۶۱ تنه	(۴۹ هلکان او ۱۲ نجونې).	
۳۹ تنه		(۲۵ هلکان او ۱۴ نجونې).

د څېړنې کيفي اړخ: د دې څېړنې په کيفي اړخ کې د څېړنې د منځپانگې د غښتوب او پياوړتيا په هدف د کاپيسا د هغه ادارو او شخصيتونوسره د څېړنې د پوښتنو په اړه مرکې شوي دي چې دوی عملاً د سولې د پروسې په پياوړتيا کې ونډه او تجربه لري. د کاپيسا د قومونو او سرحدونو ادارې مشر او د کاپيسا د ولايتي شورا پخوانی استازی عبدالوهاب اسکين وال په وينا د کاپيسا په کورنيو او کليو کې گڼې ستونزې د ځينو ځوانانو څخه سهواً يا قصداً رامنځته کېږي يا ځينې ځوانان د عامه پوهاوي د نه شتون په اساس د ځينو ډلو له خوا هڅول کېږي تر څو په خپل کلي يا سيمه کې بې ثباتۍ رامنځته کړي چې قربانيان يې هم ځوانان دي. نوموړی زياتوي: «د کاپيسا په ډېرو سيمو کې خلک د اوبو، ځمکو او د کورنيو مسايلو په اساس اختلافات لري کله کله د دوی تر منځ نښتې او جگړې رامنځته کېږي، مور او سمهال يو څو کسيزه شورا لرو د کاپيسا په يو شمېر سيمو کې مو د خلکو تر منځ روغي جوړې کړې دي ځينې پخوانۍ دوښمني

مو په دوستي بدلي کړي دي ، دا شورا کوم معاش نه لري بلکې د قومي مشرانو د ملاتړ په اساس رامنځته شوي ده ځوانان مو هم ملاتړي دي. زه د سولې په پروسه کې د ځوانانو ونډه او فعالیت ډېر مهم وینم ځکه کله که یوه نښته یا جگړه رامنځته کېږي حتماً د هغې یو لوری ځوان دی نو مور په خپلو پروگرامونو کې د ځوانانو د ټولني څخه ملاتړ لرو او زموږ په شورا کې هم دوی گډون یا غړیتوب لري».

همدا ډول د کاپیسا د سولې شورا پخوانی رییس مولوی عبدالمومن مسلم په وینا په هر ډول جگړو کې ځوانان قرباني کېږي او ځیني کړی هم د ځوانانو له احساساتو څخه د ځان په گټه کار اخلي. نوموړی زیاتوي : « د څو کلونو راهیسي په کاپیسا د سولې دفتر موجود و هغه کسان چې له جگړې یی لاس اخیسته دلته به راتلل او د کاپیسا د بیلابیلو ادارو له خوا ورته گډ پروگرام جوړېده خو د دغو کسانو ډیری برخه ځوانان دي په جگړو او نښتو کې هم ډیری مهال قرباني خپله ځوانان دي. په هره ټولنه کې چې جگړه وي یا نورې نا امنی وي نو ځوانان له تعلیم او د راتلونکي پرمختگ څخه پاتې کېږي چې په راتلونکي کې په کلونه کلونه دا زیان نه شي جبرانولی. نو ځیني اړونده ادارې د سیمې مخورکسان او مشران باید د ځوانانو تر منځ یوالی، عامه پوهاوی او نورې هغه لارې ورته د تعلیمي او تحصیلي پروگرامونو د لارې برابرې کړي تر څو دوی د جگړو، تاوتریخوالي څخه لاس واخلي او په قوي انگیزې سره د مینې او ورورلی اړیکې وپالي».

په کاپیسا کې د سولې په پیاوړتیا کې د ځوانانو د ونډې په اساس د کاپیسا د مدني ټولني مشر او د کاپیسا د ځوانانو رییس حاجي حشمت الله اسحقزاده په وینا په کاپیسا کې د کلونو جگړو، کمزوری اقتصاد او بي سوادې دا هغه عوامل دي په ټولنه کې یې گڼې ستونزې رامنځته کړې دي. نوموړی وايي : « له پخوا څخه اوسمهال له کاپیسا سر بېره په ټول هېواد کې د ځوانانو وضعیت یو څه ښه شوی دی، گڼ شمېر تعلیمي مرکزونه جوړ شوي دي، ځوانانو زده کړې وکړي، ځوانانو خپل مسولیت درک کړی دی. اوسمهال په سیاسي او ټولنیزو فعالیتونه کې برخه اخلي تاسو د هلمند ځوانانو یو لوی حرکت ولیده همدا ډول د هېواد په نورو سیمو کې هره پېښه او کړنه د ځوانانو له خوا غندل شوي ده د مرستې پر مهال یی مرستې کړي دي، خو بیا هم ځینو ستونزو سره ځوانان مخ دی. په کاپیسا کې ځوانانو ونډه د سولې په پیاوړتیا کې ډېره مهمه ده، ځکه ځوانان د یوبل سره د ځنځیر د کړی په څېر اړیکې لري چې اړنده اداري او ټولنه کولای شي د ځوانانو له اړیکو، ځواک او فعالیتونو څخه د سولې په پیاوړتیا کې گټه واخلي. د ځوانانو له پاره د عامه پوهاوی داسې پروگرام هم جوړ شي تر څو دوی په خپلو فردي او ټولنیزو فعالیتونو کې د تاوتریخوالي او جگړو رېښې له منځه یوسي او د خپلو فعالیتونو په ځمکه د هوساینې کروندې وکړي».

مأخذونه

۱. اکبر، محمد اکبر. (۱۳۷۹). گوتو خاپي. پېښور: شينواري پرنټينگ پريس.
۲. الفت، گل پاچا. (۱۳۸۴). لور خيالونه او ژور فکرونه. پېښور: دانش خپرندويه ټولنه.
۳. بهير، فهم. (۱۳۹۶). د غازي محمد عثمان خان ساپي ژوند ته يوه کتنه. کابل: قمر خصوصي ښونځي فرهنگي کميټه.
۴. بهير، فهم. (۱۳۹۷). د ادبياتو نوې کرښې. جلال اباد: مومند خپرندويه ټولنه.
۵. د علما و سر تاسري شورا. (۱۳۹۷). د سولې فتوا. کابل: لويه جرگه.
۶. سباعي، مصطفی (ژباړن: سلطان محمو صلاح). (۱۳۸۱). درسونه او عبرتونه. پېښور: د الهدا نشراتي اداره.
۷. غضنفر، اسدالله. (۱۳۹۳). کلتور او ټولنه. جلال اباد: مومند خپرندويه ټولنه.
۸. وزيری، دولت. (۱۳۹۴). کره خبرې. پېښور: ميهن خپرندويه ټولنه.
۹. وفا، محمد داود. (۱۳۹۶). پښتو معاصر ادب تاريخ څلورم پړاو. مومند خپرندويه ټوله: جلال اباد.

بررسی تاثیر درامه‌های خشونت بار تلویزیونی بر رفتار و عملکرد جوانان

پوهیالی فردین عیار

دانشکده ژورنالیزم، دانشگاه البیرونی

چکیده

درامه‌ها نام آشنا در تولید رسانه‌های جمعی از جمله در رادیو - تلویزیون هستند که در ردیف ژانرهای ادبی و هنری مطرح می‌شوند. درامه‌ها بیشتر تفکر انتقادی دارند و روی سوژه‌های اجتماعی، تربیتی، فرهنگی و سیاسی می‌چرخند. در درامه‌ها اجرا و بازیگری در حضور تماشاگر از عناصر اصلی پنداشته می‌شوند که با کاربرد صدا، تصویر، حرکت و بیان معنی پیدا می‌کنند. درامه‌ها با توجه به هدف و ماهیتی که دارند؛ زوتر با مخاطبین ارتباط برقرار می‌کنند. یعنی این محتوای درامه‌ها است که با بیننده ارتباط برقرار می‌کند نه شکل آنها. درامه‌های شاد آورنده لبخند هستند اما برعکس درامه‌های غمگین گیرنده را می‌آزارند و مانع شادی آنها می‌شوند. در این میان درامه‌های خشونت بار که در محیط‌های پرهیجان تولید می‌شوند اکثراً بر رفتار گیرنده به ویژه جوانان تاثیر منفی می‌گذارد. بررسی ریشه‌ها و عوامل درامه‌های خشونت آمیز بر رفتار جوانان و نیز تاثیر سوی درامه‌ها بر زندگی کاری و آموزشی جوانان اهداف این تحقیق را تشکیل می‌دهد. تلاش می‌شود این تحقیق به روش کتابخانه‌یی و نیز بهره‌گیری از روش میدانی با مطالعه عمیق درامه‌های تلویزیونی انجام شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که درامه‌های خشونت بار عمیقن روی باورهای جوانان به ویژه اطفال زیر سن تاثیر گذار است و در بسیاری موارد آنها را خشن تربیت می‌کند. انتظار می‌رود نتایج این تحقیق نسخه مفید برای جامعه علمی و آئده از جوانانی باشد که از تاثیر سوی سریال‌های پر تنش یا درامه‌های خشونت آمیز رنج می‌کشند.

کلید واژه‌ها: درامه‌های تلویزیونی؛ خشونت؛ جوانان؛ سریال‌های پر تنش؛ فلم‌های هیجان انگیز

مقدمه

درامه یکی از قالب‌های ادبی - هنری برنامه سازی در وسایل ارتباط جمعی به ویژه رسانه‌های دیداری و شنیداری است که با محتوای سنگین اما روحیه ساده و با زیبایی‌های شگرف آمیز هنری تهیه و به مخاطب عرضه می‌شوند. درامه‌ها سوژه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی را با تمثیل و نمایش به رخ مخاطب می‌کشند و می‌کشند اوقات آنها را با جذبه‌های گفتاری و تمثیل پر کنند. کارگزاران رسانه‌های دیداری با درک اینکه مخاطبان تلویزیون در کنار برنامه‌های خبری، سیاسی و اجتماعی علاقه دارند برنامه‌های سرگرم کننده از جمله درامه‌های تلویزیونی را نیز تماشا کنند، توجه خاصی به این چنین برنامه‌ها دارند.

این مقاله که از نوع پژوهش‌های علمی و کاملاً تخصصی است، ابعاد درامه‌های خشونت بار رسانه‌های دیداری را مورد بحث قرار می‌دهد و همچنان به حد تاثیر گذاری درامه‌های خشونت بار بر رفتار جوانان در جامعه می‌پردازد. خشونت یک مشکل اجتماعی است که هر انسان می‌تواند از آن متاثر شود. خشونت می‌تواند در هر شکلی بر بخشی از رفتارهای اجتماعی، گفتاری و حرکتی فرد تاثیر بگذارد. تنها درامه‌های خشونت بار نیستند که باعث تغییر رفتار یا برخورد اجتماعی انسان‌ها می‌شوند؛ عوامل مختلف دیگر هم وجود دارند که شدیدن بر رفتار ما تاثیر گذار هستند.

کج روی و ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله عوامل درشت تاثیر سو بر رفتار جوانان در جامعه هستند، ولی در این میان درامه‌های خشونت بار تاثیر درشت تر از سایر عوامل دارند، زیرا جوانان بیشترین وقت شانرا در تماشای درامه‌های خشونت بار و فلم‌های پرخاش گرایانه سپری می‌نمایند. در حال حاضر نگاه به صحنه‌های غیر متعارف و آزار دهنده درامه‌های تلویزیونی و فلم‌های سینمایی چنان در ذهن جوانان نفوذ کرده است که صحنه سازی‌های متعارف با میزان هیجان پایین در درامه‌ها یا مارکیت فروش مناسب ندارد و یا هم مورد توجه گیرنده گان واقع نمی‌شود.

تاثیر پذیری جوانان از برنامه‌های تلویزیونی به ویژه درامه‌های خشونت آمیز متفاوت است. به گونه مثال: شماری از جوانان زوتر در خطر تهدید صحنه‌های زننده قرار می‌گیرند در حالی که برخی دیگر از این صحنه‌ها متاثر نمی‌شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که دیدن صحنه‌های خودکشی و خشونت‌های اجتماعی موجب بلند رفتن میزان خودکشی و باز آفرینی صحنه‌های خشونت بار در میان جوانان کم درآمد می‌شود، در حالی که جوانان صاحب شغل در تناسب با جوانان کم درآمد کمتر در معرض درامه‌های خشونت آمیز یا فلم‌های وحشت ناک سینمایی قرار می‌گیرند.

شاید بسیاری‌ها فکر کنند صدای انفجار، سقوط هواپیما، درگیری‌های فیزیکی، ظاهر شدن حیوانات بزرگ اندام، برهم خوردن شهرها و استفاده از سلاح‌های گرم در صحنه سازی درامه‌های خشونت آمیز و فلم‌های هالیوود - بالیوودی تاثیر بر مخاطب ندارد و جزی از ضرورت‌های صحنه است یا اینکه میزان جذبه‌های دیداری فلم و حد تاثیر گذاری آن را در بیننده می‌افزاید، این اشتباه مطلق است.

تحقیقات نشان می‌دهد این چنین صحنه‌ها پیامدهای ناگواری را متوجه سلامت روانی جوانان می‌سازند و در آینده جوانان را خشن و پرخاشگر می‌سازد. به همان اندازه که موجودیت چنین صحنه‌ها در جذب مخاطب و فروش فلم یا درامه نقش دارد با مقدار مشابه روی باورهای ذهنی جوانان تاثیر منفی برجا می‌گذارد، که در درازمدت ممکن است بارو و اندیشه یک نسل را به بیراهه یا تنش بکشاند.

بی تردید، میزان تاثیر صحنه‌های خشونت آمیز بسته به تجربه‌ی قبلی مخاطب، تربیت خانوادگی، ترویج فرهنگ خشونت در جامعه و حتی جنسیت از یک فرد تا فرد دیگر متفاوت است. براساس فرضیه‌ی خوگیری برخی رفتارها از جمله خشونت‌های کلامی به مرور زمان در میان کاربران و ضمیر ناخود آگاه آنها نهادینه می‌شوند، این مشاهدات مستمر در نهایت به رفتارهای نا متعارف و خشونت باری منجر می‌شود که دانش امروزی آنرا تاثیرات انباشتی نام‌گذاری می‌کند.

با این همه، بیشتر از ۶۰ درصد کل جمعیت افغانستان را جوانان تشکیل می دهند و از آنها به مثابه قلب جامعه و گرداننده موتور توسعه کشور مان یاد آوری می شود. بخش عمده‌ی از جوانان درگیر درامه‌های خشونت بار و فلم‌های با هیجان بیشتر هستند؛ اما به آسیب‌های روانی و اجتماعی که متوجه سلامت آنها است هیچ کس توجه ندارد. وزارت اطلاعات و فرهنگ به عنوان اداره مسئول و سایر نهادهای فرهنگی این معضل را نادیده گرفته اند، این ادارات حتی قادر نیستند جلو ورود فلم‌های خشونت بار و درامه‌های پر تنش را در کشور بگیرند.

با توجه به آنچه گفته شد، این تحقیق جوانان را کمک می کند تا از درامه‌های تلویزیونی خشونت بار تلویزیونی فاصله گیرند یا اینکه نگذارند حد تاثیر پذیری از درامه‌های خشونت بار به اندازه‌ی باشد که مانع فعالیت‌های اجتماعی روزانه آنها شود. چنانچه از مطالعات و مشاهدات ابتدایی این تحقیق استنباط می شود، سواد رسانه‌ی اندک جوانان و کم باوری آنها نسبت به زندگی اجتماعی در بهره‌مندی و استفاده کم ضرر از درامه‌های خشونت بار در رسانه‌های دیداری اثر گذار است. با این همه، اگر نیروی جوان در دراز مدت همچنان در گرو برنامه‌های خشونت بار و درامه‌های غرض آلود قرار گیرند؛ ممکن است شاهد از دست دادن پوتنسیل قوی در کشور باشیم.

بیان مسئله

درامه‌های خشونت آمیز تلویزیونی در کنار خلق جذبه و هیجان برای مخاطب؛ یکی از معضلات تولید دیداری در فعالیت رسانه‌ی جهان در یک دهه اخیر گفته شده اند. هرچند پوشش فعالیت‌های رسانه‌ی تابع وضع مقررات حقوقی و اخلاقی است که از جانب برخی کشورها با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی همان جامعه بالای رسانه‌ها اعمال می شود. اما در این میان محدودیت‌های حقوقی یا وضع مقررات اخلاقی در پوشش رسانه‌های دیداری افغانستان نتوانسته مانع از نشر صحنه‌های خشونت بار و تاثیر آوری باشد که همه روزه روح و روان مردم به ویژه جوانان را متاثر می سازد. افغانستان یک کشور متاثر از جنگ و نا امنی است. رسانه‌های دیداری شدیداً با صحنه‌های جنگ و خشونت آمیز سروکار دارند. این رسانه‌ها هرچند مکلف به سانسور صحنه‌های خشونت آمیز

در اخبار جنگ و درامه‌های خشونت بار هستند اما در پوشش رسانه‌یی شان واقعات جنگی و صحنه‌های خشونت آمیز را بدون سانسور و حتی بی رعایت موازین اخلاقی و حقوقی نشر می‌کنند. ازینرو ایجاب می‌کند پژوهشگران با تألیف کتب و نشر مقالات علمی مزایا و معایب این چنین درامه‌ها را برجسته سازند و از خطرات سوی واقعات غیر متعارف صحنه‌های خشونت بار در رسانه‌های دیداری مردم را آگاه سازند.

این تحقیق ضمن تعریف و توضیح ساختارمند درامه‌های خشونت بار تلویزیونی از تاثیر پذیری جوانان نسبت به صحنه‌های آزاردهنده تلویزیونی پرده برمی‌دارد و جوانان را متوجه اضرار آن خواهد ساخت. با توجه به پوشش خشونت آمیز رسانه‌های دیداری در جامعه و نیز تاثیر سوی درامه‌های خشونت بار بر رفتار جوانان و نیز تماشای گسترده صحنه‌های وحشت ناک از سوی جوانان، ضرورت این تحقیق را نه تنها به عنوان یک مسئله بل به مثابه یکی از نیازهای جدی جامعه علمی و حوزه تخصصی کل کشور می‌دانم.

اهداف تحقیق

هدف از راه اندازی این تحقیق؛ بیان روشن تاثیر درامه‌های خشونت بار تلویزیونی بر رفتار جوانان در جامعه است. همانگونه که فلم‌های جنایی و خشن، زمینه را برای بلند بردن گراف جرم‌های جنایی مساعد می‌سازد، صحنه‌های خشونت آمیز فلم‌ها و درامه‌های خشونت بار نیز باعث ایجاد تفکر تهاجمی در بزرگ سالان و تقویت روحیه پر خاشاگری در میان نوجوانان می‌شود.

در این تحقیق تلاش می‌شود اطلاعاتی گردآوری شود که در بلند بردن آگاهی جوانان و رشد سواد رسانه‌یی آنها نقش کلیدی بازی کند. تمرکز این پژوهش روی استفاده از تمامی زمینه‌های ممکن که منجر به افزایش فهم جوانان از عواقب ناگوار درامه‌های خشونت بار و میزان تاثیر گذاری آن بر سلامت روانی آنها می‌باشد، همچنان این تحقیق روی بهره‌مند شدن جوانان از صحنه‌های متعارف و بدون آزار از سوی جوانان به مثابه گزینه بدیل برای جلوگیری از پوشش بیشتر درامه‌های خشونت بار و فلم‌های وحشت ناک در رسانه‌های دیداری افغانستان تمرکز خواهد داشت.

اینکه جوانان روحیه خشن و لج باز دارند، کودکان بر اساس بهره های دیداری شان می اندیشند یا شماری از جوانان با دیدن صحنه های پر خاش گرایانه حس شانرا تسکین می کنند؛ حق بجانب اند چون فضای خانه ی شان با تلویزیون، تلفون های همراه و سایر تکنالوژی های مدرن نظیر IPAD و LAPTOP آراسته است. اینجا است که نقش این چنین تحقیقات در جامعه بیشتر از هر زمان دیگر برجسته می شود و ضرورت انجام آن به عنوان یک نیاز علمی؛ حتمی دانسته می شود.

در این میان، نکته برجسته این است که درامه های تلویزیونی بر مبنای اصول حرفوی برای زایش انگیزه منفی و خلق نفرت در ذهن گیرنده تولید نمی شوند، در برخی موارد موارد این ما هستیم که برای درآمد و ایجاد هیجان بیشتر در بیننده غیر حرفوی عمل می کنیم و دست به تولید درامه های می زنیم که با اصول حرفوی روزنامه نگاری سازگار نیستند، در غیر صورت درامه ها مهمترین ژانر رسانه های جمعی محسوب می شوند که رابطه معنی داری با مخاطب تحت هر شرایطی ممکن است ایجاد کنند.

این تحقیق در چارچوب زمانی معین با ابزار و کارشیوه های درست علمی انجام خواهد شد. در روند تحقیق تلاش می گردد تا واضح شود که آیا کارشیوه های امروزی تولید درامه های تلویزیونی موثر است یا خیر، این روند چقدر بر سلامت روانی و آینده هوش جوانان تاثیر گذار است. چرا جوانان علاقه مند درامه های خشونت آمیز هستند و کمتر مایل اند درامه های اجتماعی و درامه های نرم را تماشا کنند.

این مطالعه، واضح خواهد ساخت که آیا تماشای درامه های خشونت بار موجب تخلیه هیجان در میان جوانان در جوامع متاثر از جنگ خواهد شد، آیا درامه ها موجب زایش خوشی در میان جوان می شود یا بر عکس آنها را متاثر و منزوی به بار می آورد، سر انجام نشر درامه های خشونت آمیز و فلم های با هیجان بیشتر بدون هشدار رده سنی تاثیری در پر خاشگری و سوی برداشت جوانان از صحنه های متعارف تلویزیونی دارد یا خیر؟

اهداف ضمنی تحقیق

۱. بررسی رابطه‌های ممکن میان درامه‌های خشونت آمیز و مناسبت‌های اجتماعی.
۲. مقایسه حد تاثیر گذاری درامه‌های خشونت آمیز و بازی‌های با هیجان بلند روی رفتار جوانان.
۳. مطالعه عوامل افزایش دهنده در تولید درامه‌های خشونت بار و نقش نهادهای مسئول در جلوگیری از ورود آنها به کشور.
۴. بررسی سواد رسانه‌ی جوانان و بی توجه‌ی به هشدارهای رده سنی در تماشای درامه‌های تلویزیونی.

پرسش‌های تحقیق

ارزشمندی هر تحقیق وابسته به طرح پرسش‌های است که توسط پژوهشگر مطرح می‌شود. محقق با ارایه پاسخ و استدلال همه جانبه در جریان مطالعه می‌کوشد خودش را به هدف نزدیک سازد. این تحقیق که قرار است با روش کتابخانه‌ی و میدانی انجام شود به این پرسش‌ها پاسخ خواهد داد:

۱. درامه‌های تلویزیونی چیست و چگونه بر جوانان اثر می‌گذارند؟
۲. درامه‌های خشونت بار تلویزیونی چه تاثیری بر سوی برداشت جوانان از درامه‌های متعارف تلویزیونی خواهد گذاشت؟
۳. چرا جوانان به درامه‌های خشونت آمیز نسبت به درامه‌های با پوشش نرم بیشتر علاقه مند هستند؟
۴. چگونه ممکن است فضای خانه و اجتماع خود را از درامه‌های خشونت بار؛ پاک کنیم؟
۵. تماشای فلم‌های وحشت ناک و درامه‌های نفرت انگیز چقدر در زایش دیدگاه‌های خشونت بار جوانان نقش دارد؟
۶. رسانه‌های دیداری در نشر درامه‌های خشونت بار تابع چه مقررات اخلاقی و حقوقی اند؟

فرضیه‌ها

هرچند طرح فرضیه ویژه تحقیقات کمی هست که ایجاب می‌کند در یک محیط کمی؛ طوری مطرح شوند که نمونه‌های آن قابل دسترس و اندازه گیری باشد، ولی در اینجا بد نیست در ادامه‌ی

پرسش های تحقیق سه تا فرضیه برای این تحقیق طرح شود. یاد آور می شوم که فرضیه ها با پرسش های این تحقیق رابطه سنجیده شده دارند:

۱. رابطه میان درامه های خشونت بار تلویزیونی و تاثیر پذیری جوانان از این درامه ها وابسته به

دوری جوانان از مطالعه و شغل مناسب نیست؟

۲. آیا سطح پایین بودن سواد رسانه یی والدین و جوانان دلیل اصلی دلچسپی بیشتر آنها به درامه های

خشونت آمیز تلویزیونی نیست؟

۳. عبور رسانه های دیداری از موازین حقوقی و عدم رعایت قواعد اخلاقی در نشر درامه های

خشونت آمیز و نیز لزوم انعکاس روایت های جنگی در اوقات مزدهم باعث ترویج خشونت

در میان جوانان نمی شود؟

اهمیت تحقیق

بسیاری از جوانان به دلیل سطح پایین آگاهی و دوری از زمینه های شغلی مناسب بیشترین وقت خود را صرف تماشای برنامه های تلویزیونی از جمله درامه های خشونت آمیز یا فلم های وحشت ناک می کنند. این جوانان در کنار هم اندیشی با صحنه های خشونت بار می کوشند میزان خود ارضایی ذهنی شان را با تکیه بر درامه های با هیجان بیشتر بالا ببرند. بازی های سرگرم کننده خشونت آمیز با میزان هیجان بیشتر در تیلفون های همراه نوع دیگری از سرگرمی های روزمره جوانان است که شدیدن روی باورهای درونی آنها تاثیر می گذارد.

تحقیقات نشان می دهد، جوانانی که علاقه مندی بیشتر به برنامه های خشونت آمیز و هیجان آور دارند می کوشند صحنه های مشابه را با حرکات نمایشی در خانه، محیط های آموزشی و حتی در اجتماع باز از خود تبارز دهند. این نوع حرکات در میان جوانان بیانگر آن است که جوانان به گونه ی سرسام آور از درامه های خشونت بار و فلم های با هیجان بیشتر متاثر هستند و هر از گاهی تحت تاثیر این نوع برنامه ها قرار می گیرند.

استدلال و بحث تحقیق این خواهد بود، که چرا درامه‌های خشونت بار بر رفتار جوانان تاثیر گذار است که حتی سبب تضعیف روحیه و تقویت هیجان در وجود آنها می‌شود. تحقیق مورد نظر به این سبب بیشتر حایز اهمیت می‌باشد که جوانان به دلایل مختلف متأثر از محیط خشونت بار جنگی هستند و حتی می‌شود گفت که نسلی که در دو دهه اخیر روی صحنه آمده اند؛ زاده جنگ و پروریده آتش سلاح‌های سبک و سنگین روستاهای شان هستند، ازینرو علاقه دارند درامه‌های خشونت بار را بیشتر تماشا کنند.

بنابراین این تحقیق نه تنها چپتر کمک کننده برای دانش علمی در حوزه‌ی روزنامه نگاری و ارتباطات خواهد بود؛ بل نسخه ارزشمند برای جوانانی است که متأثر از درامه‌های خشونت بار، سریال‌های نفرت انگیز، فلم‌های وحشت ناک و بازی‌های سرگرم کننده با هیجان بیشتر هستند و لی نمی‌دانند چگونه ازین خطر خود را نجات دهند.

ادبیات تحقیق

در سال‌های اخیر تماشای خشونت در برنامه‌های تلویزیونی به مثابه آسیب و ناهنجاری فردی و اجتماعی مورد توجه جدی پژوهشگران ملی و منطقه‌یی بوده است. متخصصان علوم انسانی از جمله علوم ارتباطات و روانشناسی پس از سال‌ها آزمایش و پژوهش به این نتیجه رسیده اند که برنامه‌های خشونت بار از جمله درامه‌های خشونت آمیز پیامد زیانباری را متوجه رفتار کودکان و نوجوانان کرده است (Reissler, 2006).

در سال‌های اخیر، تماشای درامه‌های خشونت بار، به یک پدیده جهان‌شمول مبدل گردیده است (منیژه، ۱۳۸۲). اینگونه درامه‌ها، تأثیرات زیادی را بر شکل‌گیری نابسامانی‌های اجتماعی در نقاط مختلف جهان بمیان آورده است (Comstock. G. & Paik, 2018). در افغانستان اما درامه‌های خشونت آمیز به شکل سرسام آور روی رفتار جوانان اثر گذاشته و آنها را خشن تربیت کرده است (همکاران، ۱۳۸۸).

تاثیر گذاری محرک های خشونت بار بر رفتار جوانان تابع شرایط و عوامل مختلف است. پژوهشگران به عواملی چون ویژگی های گوناگون فردی، خانوادگی و محیطی به مثابه عوامل مداخله گر در تاثیر پذیری جوانان از درامه های خشونت بار اشاره کرده اند (انجدانی، ۱۳۸۷). این در حالیست که خود خانواده ها در فراهم کردن محیط سالم یا غیر سالم برای اعضای خانواده به ویژه جوانان نقش کلیدی ایفا می کنند، آنها اگر بخواهند به سادگی می توانند محیط خانواده را خیلی مصئون سازند.

بررسی های که در باره تحلیل محتوای برنامه های تلویزیونی صورت گرفته نشان می دهد که در کنار درامه های خشونت بار فیلم های سینمایی با هیجانات بلند و کارتون های متحرک از جمله برنامه های به شمار می روند که به طور قابل ملاحظه دارای عناصر خشونت آمیز هستند (Wang, 2007). درک نوجوانان از خشونت برنامه های تلویزیونی عاملی مهم در تاثیر پذیری آنان از رفتارهای خشونت آمیز موجود در درامه ها و کارتون های خشونت بار می باشد (انجدانی، ۱۳۸۷).

با این همه بد نیست بدانیم خشونت چیست و در چه اشکالی بر رفتار انسان ها به ویژه جوانان تاثیر می گذارد. خشونت به استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت، تهدید و یا تمایل به استفاده از آن علیه خود، دیگری یا جامعه اطلاق می شود که موجب بروز آسیب های روانی، ضعف رشد، مرگ یا انواع محرومیت ها در فرد شود. عواقب خشونت ممکن است بطور آنی ظاهر شود یا سال ها پنهان باقی بماند (مجید، ۱۳۹۱).

بحث خشونت در رسانه ها دستخوش نوسان ها و تحولات قابل ملاحظه یی بوده است که از سوی سیاست گزاران و مدیران رسانه ها بالای محتوای رسانه ها به اشکال مختلف اعمال می شود. در هر دوره انواع متعدد از رسانه های جمعی بر رفتار جوانان تاثیر گذار گفته شده است (Pearl, 2016). همانگونه که در گذشته رسانه های دیداری، شنیداری و چاپی بر رفتار جوانان تاثیر گذار گفته شده است، در قرن بیست و یک رسانه های دیجیتال با راه اندازی بازی های سرگرم کننده الکترونیک در فضای مجازی نوجوانان را بی رحم تربیت کرده اند (مک آلر، ۱۳۸۰).

مخاطبان تلویزیون خشونت تلویزیون را به خشونت‌های جسمانی، خشونت کلامی، خشونت رمزی و خشونت آشیایی دریافت می‌کنند (فاضل، ۱۳۸۵). خشونت جسمانی شامل ضربه زدن، چنگ زدن، لگد زدن، چنگ تن به تن، شلاق زدن و غیره تقسیم کرده اند. خشونت کلامی شامل تهدید کردن، متلک گفتن، ناسزاگویی، تحقیر و غیره. به همین قسم سایر خشونت‌ها حد تاثیر گذاری شانرا روی رفتار و عملکرد جوانان در دراز مدت می‌گذارند که اگر از سوی خانواده کنترل نشود ممکن است پیامدهای شکننده‌یی را برای جوانان به همراه داشته باشد (مجید، ۱۳۹۱).

درامه‌های خشونت بار در کنار تاسیر سو بر رفتار جوانان ممکن است انانرا منزوی بسازد و مانع فعالیت‌های اجتماعی شان در جامعه شود (ابراهیم، ۱۳۸۰). بنابر آن، بهتر است مواظب برنامه‌های خشونت باری که از طریق رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون‌ها نشر می‌شود باشیم و از اضرار بد چنین برنامه‌ها اعضای فامیل به ویژه جوانان را آگاه سازیم تا در آینده سلامت فکری آنها با خطر نابودی مواجه نباشد.

روش تحقیق

این تحقیق با در نظر داشت حد ارزشمندی آن در حوزه روزنامه نگاری و میزان اثر پذیری آن روی رفتار جوانان در جامعه با تلفیق از دو روش کتابخانه‌یی و میدانی انجام شده است. روش کتابخانه‌یی و میدانی به این دلیل بیشتر مورد نظر است که از یک طرف تمامی ابعاد موضوع مورد مطالعه؛ تخصصی در حوزه روزنامه‌نگاری است که بدون مراجعه به کتابخانه استخراج نتایج مورد نظر ممکن نیست، از جانب دیگر در جریان پژوهش نیاز است تا پژوهشگر به بیرون از جمله جامعه‌ی انسانی یا سازمانی برود و با مراجعه به محیط و برقراری ارتباط مستقیم با انسان‌ها، مؤسسات، پایگاه‌های اطلاعاتی و غیره اطلاعات مورد نظر خود را گرد آوری کند و بداند که برنامه‌های تلویزیونی از جمله درامه‌های خشونت بار چگونه تولید می‌شوند یا اینکه مؤسسات تولیدی با چه انگیزه‌یی دست به تولید این چنین برنامه‌ها می‌زنند.

از نظر پژوهشگر بکارگیری غیر این دو روش؛ ممکن روی نتایج مورد نظر تاثیر بگذارد و حد ارزشمندی آنرا کمتر سازد. باید گفت که این تحقیق در چارچوب زمانی معین با در نظر داشت ابزار و

نیازهای تحقیق تکمیل خواهد شد. تلاش می شود یافته های پژوهش به صورت واضح تحریر شود تا گیرنده در درک مفاهیم دچار سرافکندگی نشود.

باید گفت که، اطلاعات مورد نظر از لابلائی کتابخانه ها، مقالات علمی، مجلات تخصصی و مشاهدات برنامه های منتشر شده در این زمینه جمع آوری می شود. مطالب گرد آوری شده با دقت بررسی و سپس به رویت مشاهدات انجام شده ادبیات تحقیق تحریر خواهد شد. نتایج مطالعات این تحقیق با توسل به ابزارهای چون فیش های موضوعی و مأخذ، جدول و فرم، یادداشت ها و مشاهدات از انسان ها، موسسات تولیدی درامه های تلویزیونی و پایگاه های نشراتی نوشته خواهد شد.

امید است با بکارگیری روش کتابخانه یی و میدانی که از جمله روش های مهم و قبول شده در حوزه تحقیق علوم اجتماعی و علوم انسانی هستند نتایج این تحقیق مورد نظر خواننده گان گرامی قرار گیرد و بخشی از چالش های موجود در این زمینه را برطرف سازد.

نتایج تحقیق

تلویزیون با جذبه و قدرتی که دارد می تواند عامل موثری در رشد و تحول رفتار جوانان باشد؛ ولی با تاسف رسانه های خصوصی به ویژه تلویزیون ها برنامه خشونت بار، درامه های مبتذل و خشونت زا را تولید و به نمایش می گذارند. نتایج این مطالعه نشان میدهد که وجود خشونت در پرده تلویزیون امری عادی است؛ اما خشونت برخواسته از محتوای درامه های تلویزیونی برای بینندگان قابل توجه می باشد.

برخی از مخاطبین رسانه های دیداری که از سواد رسانه یی بهره مند هستند قادر اند نمایش خشونت های تلویزیونی را مدیریت کنند. از آنجایی که در کشور ما بیشترین مخاطبان رسانه های دیداری را افرادی با سواد کم تشکیل می دهد، این نگرش که ممکن محتوای خشونت بار در رسانه های دیداری از سوی مخاطب مدیریت شود خیلی از واقعیت دور است، زیرا مدیریت این چنین برنامه ها وابسته به

نحوه پوشش خشونت در درامه‌های تلویزیونی و برخورد مخاطب با چنین برنامه‌ها است که در شرایط عادی از یک رسانه تا رسانه دیگر فرق می‌کند.

برنامه‌های خشونت بار تلویزیونی می‌توانند احساس گیرندگان را برانگیزند و آنها را در معرض هیجان قرار دهند. افراد برحسب نوع موضوعی که برای تماشا در اختیار شان قرار می‌گیرد آنها را تعریف می‌کنند، بنابراین اگر بینندگان در حال تماشای یک کمیدی بسیار سرگرم کننده باشند، این احتمال وجود دارد که برانگیختگی خود را سرگرمی تعبیر کنند، اما اگر در حال تماشای برنامه‌ی باشند که دارای خشونت باشد؛ ممکن است برانگیختگی خود را خشم تعبیر نمایند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تماشای خشونت از تلویزیون می‌تواند استفاده از خشونت در زندگی واقعی را برای بینندگان مشروع تعریف کند. وقتی مردم عوامل خشونت را از طریق یک رسانه به وضوح می‌بینند، ایده‌های شان در مورد خشونت و نفرت دوباره از نو جان می‌گیرد. بر اساس نتایج این مطالعه مفکوره‌های زننده و خشونت بار؛ با تماشای برنامه‌های هیجان انگیز بیشتر فعال می‌شوند، در چنین شرایط جوانانی که در محیط خشن تربیت شده و با تغییر موقعیت در برابر محیط و مردم واکنش نشان می‌دهند؛ شدیدن تحت تاثیر درامه‌های تلویزیونی قرار می‌گیرند و با عین واکنش در برابر دیگران ظاهر می‌شوند.

با توجه به نتایج این تحقیق جوانان با تماشای برنامه‌های خشونت بار ممکن است دچار تقلید و شکندگی ذهنی در انتخاب شان نیز شوند، چون تجربه نشان داده است که درامه‌های خشونت بار گیرندگان کم سن و سال را در گیر کرکترها و طرز حرکات شخصیت‌های شامل درامه‌ها، سریال‌ها و فلم‌ها می‌سازد و به مرور زمان بجای تمثیل رفتارهای متعارف خود شان، کرکترهای غیر متعارف شخصیت‌ها را از برنامه‌های تلویزیونی تقلید می‌کنند و در بسیاری موارد شبیه آن عمل می‌کنند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری مخاطبان رسانه‌های دیداری از دیدن صحنه‌های خشونت آمیز تلویزیون لذت نمی‌برند، ولی ناخواسته به تماشای آنها می‌نشینند و ساعت‌ها چشم به تلویزیون می‌بنددند، واقعیت این است که درامه‌های جنگی و فیلم‌های خشونت بار جذابیت خاص برای

نسل جوان به ارمغان آورده اند. بر مبنای نتایج این مطالعه، تعریف صحنه های خشونت بار در میان نسل جوان پای بسیاری از کودکان و افرادی را با میانگین سن ۳۵ تا ۴۵ سال نیز به تماشای این چنین صحنه ها کشانیده است. در برخی موارد کودکان با درآمد اندک مالی بیشترین هزینه را برای خرید درامه های خشونت بار و فلم های با هیجان بیشتر هزینه می کنند.

مطابق نتایج این تحقیق، روایت برخی درامه های تلویزیونی و فلم های سینمایی از مرگ، قتل، انفجار، ترور، سرقت های مسلحانه، گروگان گیری و چپاول گری خیلی ساده و غیر حرفوی است تا جایی که در بسیاری از صحنه ها شکنجه و گروگان گیری کار روزمره و عرف بی اهمیت پنداشته می شود. در حالی که این چنین صحنه ها خیلی نگران کننده است و نبض جامعه و پیشرفت را خنثی می سازد. به این ترتیب در جامعه یی که اکثریت جوانان آن کم سواد و از مطالعه دور باشند با تماشای چنین صحنه ها چه بار خواهند آمد.

برخی از یافته های این تحقیق دلالت بر بی اعتمادی شماری از مخاطبان درامه های خشونت بار و فلم های با هیجان بیشتر دارد. مخاطبان درامه های خشونت بار با تداوم تماشای صحن های غیر متعارف و آزار دهنده اعتماد شانرا نسبت به دوستان و حتی اعضای خانواده از دست می دهند و همیشه در ترس و وحشت به سر می برند.

در نهایت، تماشای درامه های خشونت بار در دراز مدت گذشته از تاثیراتی اجتماعی و روانی ممکن است تاثیرات بد امنیتی را متوجه جوامع بسازد. افغانستان که یک کشور سنتی و جنگ دیده است و در هر کوچه و پس کوچه آن جوانان به سلاحی سبک دسترسی دارند؛ بیم آن میرود که تماشای درامه های خشونت بار و فلم های با هیجان بیشتر هنجارهای کلان امنیتی را در آینده برای کشور خلق کند.

مباحثه

این مطالعه تاثیر درامه‌های خشونت آمیز تلویزیونی بر رفتار جوانان را با هدف تعیین رابطه و حد تاثیر گذاری درامه‌های خشونت بار تلویزیونی بالای رفتار جوانان مورد بحث قرار می‌دهد. نتایج حاصل از این مطالعه به تاثیر عمیق درامه‌های تلویزیونی بالای گیرندگان می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش بر تاثیر گذار بودن درامه‌های خشونت بار بالای رفتار و عملکرد جوانان تاکید دارد. از سویی دیگر نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که درامه‌های خشونت بار تلویزیونی در هر ساختاری که تولید شوند بالای ذهن مخاطب به ویژه نوع کنش جوانان تاثیر گذار هستند. با توجه به نتایج این مطالعه، جوانانی که بنابر دلایل جنگ و ویرانی چهار دهه اخیر از تعلیم و آموزش دور مانده اند و شغل خاصی برای تداوم حیات مبتنی بر هدف ندارند و نیز می‌کوشند بیشترین اوقات زندگی شانرا با تماشای درامه‌های خشونت بار و صحنه‌های غیر متعارف تلویزیونی پر نمایند؛ از قربانیان اصلی این گونه برنامه‌ها به شمار می‌روند.

بر مبنای نتایج و یافته‌های این مطالعه، خلق صحنه‌های جنگی، ایجاد فضای نفرت، صحنه سازی انواع خشونت در فضای مجازی، برخوردهای غیر متعارف و آزار دهنده و توجه به تولید حاشیه‌های خشن در درامه‌ها و فلم‌های سینمایی بالای رفتار و عملکرد جوانان تاثیر گذار است و بی‌اعتمادی عمیقی را در میان مخاطبین رسانه‌های دیداری ایجاد کرده است. این بی‌اعتمادی حتی صنعت سینما را که از جمله صنعت‌های پر درآمد قرن بیست و یکم محسوب می‌شوند؛ با پرسش و نگرانی‌های به همراه ساخته است.

یافته‌های این تحقیق در برخی موارد با تحقیقات مشابه در گذشته رابطه نزدیک دارد، اما شواهد این استدلال را حمایت نمی‌کند که کل یافته‌ها با تحقیقات گذشته مشابه باشند، زیرا نتایج این تحقیق از منظر روش و محتوای در بسیاری موارد با تحقیقات گذشته تفاوت معنی داری دارد.

ازینرو، با توجه به یافته‌های این پژوهش من استدلال می‌کنم که درامه‌های خشونت بار و فلم‌های با هیجان بلند در رفتار و عملکرد جوانان عمیقن تاثیر گذار است. بنابراین، می‌شود گفت:

یافته‌های این پژوهش که تاثیر درامه‌های خشونت بار تلویزیونی را بالای رفتار جوانان مورد بحث قرار می‌دهد تازه، مفید و قابل استفاده برای سایر پژوهش‌گران است و می‌تواند در تولید دانش علمی و کمک به پیشرفت‌های علمی تازه موثر باشد.

پیشنهادات

این مطالعه با جذبه و چالش‌های که داشت، پس از یک دوره کامل پژوهشی سرانجام به پایان رسید. مطالعه حاضر بینش‌های خوبی را برای خوانندگان فراهم کرد و در یک چشم انداز جدید تاثیر درامه‌های خشونت آمیز تلویزیونی را بر چگونگی رفتار جوانان تعریف کرد. توصیه‌های مربوط به کار تحقیقات بعدی این تحقیق سوالات بسیاری را ایجاد کرده است که نیاز به تحقیقات بیشتر دارد. فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی مشمول این تحقیق که تا کنون انجام شده قابل تحسین است، اما تحقیقات بیشتر در این زمینه می‌تواند راه را برای گفتمان‌های علمی گسترده در یک چشم انداز وسیع‌تر در زمینه تاثیر پذیری جوان از درامه‌های خشونت بار باز نماید.

آنچه اکنون مورد نیاز است یک مطالعه جامع و همه شمول در مورد نشر خشونت‌های جنگی طرف‌های درگیر در جنگ افغانستان است که از طریق تلویزیون‌های ملی و محلی نشر می‌شود و شدیدن بالای عملکرد و رفتار جوانان تاثیر گذار است. به طور گسترده تر نیاز است تا تحقیقات بیشتر در مورد عملکرد گروه‌های جرمی که اغلب در درامه‌های تلویزیونی به عنوان مطالعه موردی مورد بحث قرار می‌گیرد پرداخته شود. زیرا ارزیابی اثرات مثبت و منفی خشونت‌های که در فلم‌ها و سریال‌های بازتاب پیدا می‌کند برای نسل جوان جالب خواهد بود.

تحقیقات بیشتر ممکن است اکتشافات تازیبی را با ابعاد فرهنگی و اجتماعی جدید در شکل‌گیری خشونت‌های اجتماعی ناشی از تماشای برنامه‌های خشونت بار در تلویزیون‌های افغانستان به دست دهد. بنابراین، تحقیقات آینده باید بر تحقیقات کیفی یا کمی بیشتر متمرکز شود تا از یک طرف خلاهای علمی رفع شود و از جانب دیگر خوانندگان به نتایج تحقیقات علمی جدید با ظریب اطمینان بیشتر دست پیدا کنند.

بنابراین، با توجه به نتایج و یافته‌های این مطالعه پیشنهاد می‌گردد که رسانه‌های دیداری افغانستان به ویژه تلویزیون‌های خصوصی که در کابل و ولایات نشرات دارند به موارد خشونت زا در تولید محتوای برنامه‌های تلویزیونی به ویژه درامه‌های خشونت بار توجه داشته باشند و از کارگزاران برنامه‌های تلویزیونی بخواهند که در خلق هیجان به مخاطبان این چنین برنامه‌ها و سوی رفتارهای که قرار است از اثر تماشای آنها توسط گیرندگان در آینده به میان بیاید توجه داشته باشند.

در اخیر هم، بد نیست که وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ نیز از تولید تلویزیون‌های داخلی و ورود درامه‌های خشونت زا و فلم‌های با هیجان بیشتر از خارج کشور که منتج به خشونت و سوی رفتار در میان جوانان می‌شود نظارت داشته باشد و در زمینه لوایح و طرزالعمل‌های مشخصی را روی دست گیرد.

نتیجه گیری

پس از بحث‌های طولانی و تلاش‌های گسترده روی این مطالعه به این نتیجه می‌رسیم، که درامه‌های تلویزیونی به عنوان بخش عمده‌یی از محتوای تلویزیون‌ها تاثیر اجتماعی و فرهنگی فوق العاده‌یی روی باورها، رفتار و انگیزه جوانان دارد. درامه‌ها همانگونه که آورنده شادی در میان انبوهی از مخاطبان هستند؛ قادر اند نگرانی‌های جدی را در ذهن مخاطب ایجاد کنند.

نتایج حاصل از مطالعه نشان می‌دهد، بسیاری از جوانان پس از تماشای درامه‌های خشونت بار یا فلم‌های با هیجان بیشتر به شدت هیجان زده می‌شوند و عین حرکات را در خانه و محیط کاری شان تمثیل می‌کنند. بر مبنای یافته‌های این پژوهش، جوانانی که مشغول تماشای درامه‌های خشونت بار هستند احساس کمتری نسبت دوستان شان دارند، این شمار از جوانان حتی در بسیاری موارد گمان شانرا نسبت به خانواده و اطرافیان شان از دست می‌دهند و در تلاش اند همه چیز را خشن مدیریت کنند.

بر مبنای نتایج این مطالعه، اصحاب رسانه‌ها و اساس گزاران درامه‌های تلویزیونی بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی و اوضاع اجتماعی کشور بجای مخاطب به درامد می‌اندیشند. با توجه به نتایج این مطالعه می‌توان گفت که درامه‌های تلویزیونی در رفتار و عملکرد جوانان به شدت تاثیر گذار است و برنامه سازان تلویزیونی با درک ماهیت این موضوع در تلاش اند میزان خشونت و هیجان را در درامه‌های تلویزیونی و فلم‌های سینمایی بیشتر سازند.

همانگونه که در یافته‌های این مطالعه ذکر شد، برنامه‌های خشونت بار تلویزیونی می‌توانند احساس گیرندگان را برانگیزند و آنها را در معرض خطر زننده قرار دهند. افراد بر حسب نوع سوژه‌ی که در اختیار شان قرار می‌گیرد آنها را تعریف می‌کنند. اگر بینندگان در حال تماشای یک برنامه سرگرم کننده باشند، این احتمال وجود دارد که احساس سرگرمی و نشاط کنند، با عین شرایط اگر گیرندگان در حال تماشای برنامه‌های خشونت بار باشد ممکن است احساس اندوه و خشم برای شان خلق شود.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که وقتی گیرندگان عوامل خشونت را از تلویزیون تماشا کنند، مفکوره‌شان در مورد نفرت و هیجان از نو جان می‌گیرد، چون مفکوره‌های زننده و خشونت بار با تماشای برنامه‌های هیجان انگیز بیشتر فعال می‌شوند.

بنابراین، جوانان با تماشای برنامه‌های خشونت بار ممکن است دچار تقلید و شکنندگی ذهنی در انتخاب‌شان نیز شوند، چون تجربه نشان داده است که درامه‌های خشونت بار گیرندگان کم سن و سال را درگیر کرکترها و طرز حرکات شخصیت‌های شامل درامه‌ها، سریال‌ها و فلم‌ها می‌سازد و به مرور زمان بجای تمثیل رفتارهای متعارف خودشان، کرکترهای غیر متعارف شخصیت‌ها را از برنامه‌های تلویزیونی تقلید می‌کنند و شبیه آن عمل می‌کنند.

مأخذ

۱. پور نوروز، منیژه. (۱۳۸۲). تحلیل محتوای کارتون دیجیمون از منظر خشونت. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ی صدا و سیما.
۲. رشید پور، ابراهیم. (۱۳۸۰). درامه‌های تلویزیون و اطفال. ایران: رادیو تلویزیون ملی ایران.
۳. رضا، محمد فاضل. (۱۳۸۵). نگرش رفتار والدین و تماشای خشونت تلویزیونی بر نوجوانان. کابل: مرکز تحقیق و مطالعات اجتماعی اندیشه نو.
۴. صفاری‌نیا، مجیدی، صابری، مسعود. (۱۳۸۷). مبانی روانشناسی کودک. تهران: انتشارات آگه‌ساز.
۵. قدمی، مجید. (۱۳۹۱). نقش برنامه‌های تلویزیون و خشونت والدین بر رفتار خشونت آمیز دانش آموزان. تهران: فصل نامه خانواده و پژوهش.
۶. گونتر، مک آلر. (۱۳۸۰). کودک و تلویزیون، ترجمه نصرت فتی. تهران: انتشارات سروش.

۷. مریم حسینی، انجدانی. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر تماشای کارتون های خشونت آمیز بر میزان پرخاشگرایی نوجوانان. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۸. منیر، محمد داود، بادغیسی، وسیمه و همکاران. (۱۳۸۸). خشونت خانوادگی، عوامل و راهکارهای مبارزه با آن. کابل: شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، مطبعه محمد یوسف عطا.
۱. Television in society, violence in tv. Ed. Arthur. AsA Berger, (۲۰۱۶) D Pearl. by Trans action, Inc.
۲. The Effect of Television Violence on (۲۰۱۸) Comstock. G Paik. &H. Communication Research. Antisocial Behavior: A Meta-analysis.
۳. Media violence and its impact on society and teenagers. (۲۰۰۶) Irina Reissler. USA: California State University.
۴. A Study on Media culture's negative influence on (۲۰۰۷) Wang Da Wei. Apr. volume 4, NO4. Shanghai: children,.

اختلاف در بین دانشجویان دانشگاه البیرونی و چگونه گی راه حل آن

پوهنیار نورالرحمن ناصح

دانشکده‌ی ادبیات، دانشگاه البیرونی

چکیده

صلح یکی از نیازهای مبرم جامعه محسوب می‌شود. که بدون آن روند انکشاف جامعه غیر ممکن است. این موضوع از نایب ترین پدیده‌ها در افغانستان می‌باشد. از اینکه جامعه متشکل از افراد و گروه‌ها با داشتن فرهنگ‌ها و هویت‌های متفاوت است، بناً ظهور منازعه در عرصه‌های مختلف در یک جامعه یکی از حتمی ترین جریان‌ها محسوب می‌شود. در کل در افغانستان صلح نیاز اساسی است، زیرا مردم این کشور آنچه که سال‌ها در آرزو آن هستند، صلح است. در این میان دانشگاه به عنوان نهاد آموزشی در یک جامعه از اهمیت خاص برخوردار است. باید در عرصه بستر سازی صلح در آن، به صورت مستمر کار صورت گیرد. در این امر وزارت تحصیلات عالی کشور نیز برنامه‌های آموزشی را بخاطر جلوگیری از افراطیت در نهادهای آموزشی روی دست گرفته است. زیرا اگر دانشگاه به عنوان کانون فرهنگی در جامعه؛ در معرض منازعات قرار گیرد. آن وقت است که شیرازه‌ی جامعه از آسیب آن از هم خواهد پاشید. بناً در قدم نخست باید با روی دست گرفتن تصامیم مناسب و عمل کرد مثبت مراکز آموزشی را از بروز منازعات در امان قرار داد. در مقاله کنونی اختلاف میان دانشجویان دانشگاه البیرونی و چگونه گی راه حل آن با راه کارهای مناسب مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: دانشگاه؛ منازعه؛ دانشجو؛ عوامل منازعه؛ مدیریت منازعه.

صلح به عنوان مهم ترین عنصر تاثیر گذار در جامعه، نقش بارزی را در انکشاف و تحول آن دارا است. در جو صلح می توان هرکنشی را به خاطر بهبود جامعه انجام داد، تمام زیر ساخت و روساخت ها را احیا نمود. جوامع که آنها صلح و آرامش حاکم است، امروز به مدارج عالی اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی رسیده اند. بر عکس در جوامع که جنگ و منازعات دامن گیر آنها است، به سختی می توان سراغ کرد، که آن جوامع به ترقی و پیشرفت دست یافته باشند، در چنین وضعیتی باید صلح محراق توجه همه افراد جامعه به ویژه نهادهای آموزشی قرار گیرد.

در نظام تحصیلی و آموزشی کشور ما متاسفانه هیچ برنامه ی موثر در مورد صلح شامل نظام آموزشی نیست که به دانش آموزان فهمانده شود که در هنگام مواجه با مشکل چگونه باید فکر کنند تا این مشکل به صورت منطقی حل شود. زیرا مراکز آموزشی مکانی اند که در آن افراد با داشتن فرهنگ و هویت متفاوت وجود دارند. دانشگاه معمولن گذشته از منازعات که بر مبنای دیدگاه قومی، لسانی و مذهبی اتفاق می افتد. منازعات علمی را نیز در پی دارد. همین موضوع بستر سازی صلح را در مراکز آموزشی - تاکید می کند. موضوع جدیت کار در همین است. این جریان با همکاری موسسه مطالعات صلح ایالات متحده امریکا در افغانستان تنها در تعداد از نهادهای تحصیلی فعال است ولی جوابگوی ضرورت صلح در جامعه نیست. در حالی که در جوامع دیگر صلح در نظام آموزشی آنها گنجانیده شده و به صورت مستمر به گونه های متفاوت تدریس می گردد.

این مقاله چگونه گی ایجاد منازعات در دانشگاه و مدیریت آنرا که به خشونت تبدیل نشود مورد بررسی قرار داده است که به صورت میدانی و کتابخانه یی کار شده است.

ارایه مسیله (پرابلم)

از اینکه صلح آب حیات یک جامعه است و بدون آن جوامع بشری به گودال بدبختی سقوط می کند. باید به آن توجه صورت گیرد. جوامع بشری متشکل از گروه ها و مقاطع خاص می باشند که هر بخش

به نوبه خود به خاطر رسیدن به اهداف فردی و اجتماعی در تلاش اند، صلح در هر جریان نظر به موقعیت خود تاثیرات خود را بر جامعه می گذارد. یکی از این مکان ها دانشگاه است. که متشکل از افراد و گروه های خاص می باشد. تاثیرات دانشگاه در جوامع بشری خیلی مهم و اساسی پنداشته می شود. روی همین اصل تمام جریان های دانشگاهی باید به صورت عاقلانه مدیریت شوند. یکی آن مسایل ایجاد صلح و آرامش است، زیرا اگر دانشگاه ها در معرض منازعات قرار گیرند زیر بنای یک کشور آسیب می بیند. جدیت این موضوع برایم خیلی مهم و حیاتی پنداشته شده و ضرورت دانستم تا روی آن کار شود.

روی همین اصل مقاله کنونی را تحت عنوان اختلاف میان دانشجویان دانشگاه البیرونی و چگونه گی راه حل آن مطرح به آن پرداخته شد است. این تحقیق مشکلاتی را نیز به همراه خواهد داشت، زیرا نظر به موضوع باید به گونه کتابخانه ای و میدانی کار می شود. در هر دو صورت جمع آوری مواد چالش های را به همراه دارد.

هدف تحقیق

ازاینکه صلح موثر ترین پدیده در یک جامعه است و بدون آن جوامع بشری به نابسامانی ها کشانیده می شود. باید به آن توجه صورت گیرد، دانشگاه به عنوان اثر گذارترین مکان اجتماعی باید به صورت مداوم مورد توجه دولت باشد. زیرا همین دانشگاه ها اند که در تمام تحولات سیاسی، اقتصادی و علمی سهم ارزنده را ایفا می نمایند.

درچنین وضعیت اگر این مکان مورد توجه نباشد ممکن است شیرازه جامعه از هم پاشد. با توجه به همین اصل؛ ایجاب می کند تمام جریان های دانشگاهی به صورت عاقلانه مدیریت شوند. یکی از آن مسایل ایجاد صلح و آرامش است. افغانستان از جمله کشورهای است که بستر خوبی می تواند برای افراطیت در چنین شرایط باشد. در چنین حالت به صورت جدی باید در مراکز آموزشی منازعات مدیریت شوند تا به خشونت تبدیل نشوند زیرا تاثیرات منفی و ناگواری را بر جامعه می گذارند. که با چنین وضع صلح نا پیدا خواهد ماند.

صلح در این کشور به خصوص در نهادهای آموزشی باید بستر سازی گردد. بناً با در نظر داشت بحث فوق، نخستین هدف این رساله بخشی از فرایند بستر سازی صلح در دانشگاه الیرونی است. یعنی اینکه بتوانیم در امر کاهش دهی منازعات در دانشگاه الیرونی سهمی را ادا نماییم.

سوالات تحقیق

- ۱- منازعه چیست و چگونه اتفاق می افتد؟
- ۲- عوامل منازعه در دانشگاه الیرونی را چگونه می توان تشخیص کرد؟
- ۳- کدام راه کارها به خاطر زدودن منازعه در دانشگاه الیرونی موثر خواهند بود؟

فرضیه ها

بحث های حاضر در مقاله کنونی مبتنی بر فرضیه های است که برای نگارنده در موارد زیر مورد تایید و ارزیابی قرار می گیرد. صلح موثر ترین جریان های است که برای بهبود فضای اجتماعی انسان ها موثر بوده و اهمیت بیشتری را در روند انکشاف انسانی جامعه دارا می باشد. این امر در دانشگاه باید نهادینه شود. ممکن است دانشگاه الیرونی گاه گاهی دچار منازعات شده باشد. در چنین وضعیت فراگیری دانش که رسالت اساسی دانشگاه ها است دچار مشکل می شود. نه تنها محیط آموزشی بلکه، انسان ها در طول زمان سعی به خرج خواهند داد، تا جو اجتماعی را برای همدیگر پذیری هموار سازند. بنابراین، ممکن است در طول زندگی بشر راه کارهای مناسبی برای ایجاد فضای صلح در یک جامعه به ویژه در نهادهای آموزشی پیکش گردد. دانشگاه الیرونی گاه گاهی شاهد منازعات و کشمکش های قومی، محیطی و غیره بوده است و حتا در شرایطی به معضل بزرگ هم تبدیل شده است. ممکن است با تحقیق این موضوع گزینه های، کارگر افزیده منازعات تشخیص شده و در امحای آن توجه صورت گیرد. در حالی که، اگر نگاهی به جریان تاریخی بشر داشته باشیم، انسان ها از گذشته به این سو پله به پله در تمام سطوح موانع را برداشته و راه را به ایجاد صلح هموار نموده اند.

اهمیت تحقیق

ازاینکه مراکز آموزشی بخش عمده از نهادهای اجتماعی محسوب می‌شوند، در تحول و انکشاف جامعه نقش دارند. باید از انواع منازعات و جنجال‌ها مبرا باشند. صلح که مهمترین عنصر جامعه است؛ باید در دانشگاه‌ها بستر سازی شود. و چنانکه می‌دانیم دانشگاه مکانی است که در آن افراد با داشتن مذهب، هویت، زبان، نژاد، جنسیت و فرهنگ متفاوت مشغول درس خواندن اند. بناً احتمال بروز منازعات بیشتر است. این مقاله عوامل ظهور منازعات را در سطح دانشگاه البیرونی و چگونه گی راه حل آن را مورد بررسی، تحقیق و ارزیابی قرار می‌دهد. با دریافت چنین عوامل می‌شود منازعات را در دانشگاه مدیریت کرد. موارد فوق اهمیت این تحقیق را در بر می‌گیرند.

مرور بر آثار

در مورد صلح و وسعت آموزش آن به مراکز تحصیلی کارهای صورت گرفته است. اما در مورد موضوع این تحقیق (اختلاف در بین دانشجویان دانشگاه البیرونی و چگونه گی راه حل آن)، کدام تحقیق صورت نگرفته است.

روش تحقیق

چنانکه از موضوع و عنوان مقاله مشرح است. روش تحقیق در این نوشته دو گونه است یک کتابخانه‌ی، که در آن از مراجع معتبر و نزدیک به زمان استفاده شده و به صورت ضمنی نظریات بنده نیز در مورد ارایه شده است. در قدم دوم کار میدانی یا ساحوی نیز دارد، که در آن از خود دانشجویان در مورد، معلومات خواسته شده است. از اینکه دانشجویان عملاً در دانشگاه مصروف درس و تحصیل اند و اکثر منازعاتی که در دانشگاه بروز نموده دانشجویان شاهد صحنه‌ی آن بوده اند؛ بناً با توزیع پرسشنامه‌ها عوامل منازعه را در دانشگاه به صورت دقیق شناسایی نموده مورد شرح و ارزیابی قرار داده شده است. در روش تحقیق کتابخانه‌یی، فقط تیوری‌های صلح ارایه شده است اما بخش اساسی کار ما میدانی - ساحوی است که در آن پرسشنامه‌ها معمولن به دانش آموزان صنوف بالا که تجارب داشتن زمان زیاد را در دانشگاه دارند توزیع شده است. ممکن برحسب ضرورت از اساتید و کارمندان اداری

نیز کمک گرفته شده است. قابل تذکر است که بنده نیز یک دوره مسوول کمیته نظم دسپلین بوده ام که عملاً در بعضی موارد خودم شاهد چگونگی بروز و حل منازعات بوده ام.

موانع و محدودیت‌های تحقیق

از اینکه روش تحقیق در این مقاله به دو صورت کتابخانه‌یی و میدانی است. ممکن هر دو صورت میدانی و کتابخانه‌یی، مشکلاتی را در پی داشته باشند. در بخش کتابخانه‌یی: از اینکه مضمون صلح در این اواخر در افغانستان در بعضی از دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و به یک مواد آموزشی جوان مبدل شده. بناً مواد درسی در کل منابع در این مورد به صورت کتبی کم است و کار میدانی و ساحوی نیز مشکلاتش را دارد، زیرا جمع آوری معلومات به شکل دقیق و همه جانبه در مورد چنین کار، بی چالشی نیست.

یافته‌های تحقیق

چنانچه که در روش تحقیق نیز مطرح شد، تحقیق این موضوع بیشتر میدانی است. زیرا موضوع مقاله (اختلاف میان دانشجویان دانشگاه البیرونی و چگونگی راه حل آن) نیازمند تحقیق میدانی است. این تحقیق با توزیع پرسنامه برای دانشجویان تهیه شده است. در توزیع پرسنامه سعی شده است تمام معیار یک پرسنامه در نظر گرفته شود. پرسنامه‌ها برای طبقه اناث و ذکور در دانشگاه توزیع گردید. برای صد محصل، در هر دانشکده حدود ده دانشجو در این نظر سنجی شرکت کرده اند. در متن پرسنامه سوال به گونه‌ی خیلی فشرده عام فهم مطرح شده است. فقط از آنها خواسته شده است، عوامل اصلی منازعه در بین دانشجویان چه بوده و چگونه می‌شود منازعات در دانشگاه را محو کرد.

پاسخ پرسش شوندگان در مورد متفاوت بوده است. اما اینجا سعی شده است تا نظریه دانشجویان در چند بخش مشخص شده، بعداً پیرامون هر کدام آنها مفصل بحث می‌شود، اما باید خاطر نشان ساخت که در کل نظر دانشجویان در چند محور اساسی تمرکز داشته و بحث آنان به صورت واحد روی موارد چون اختلاف قومی، نژادی، لسانی، جغرافیایی، مذهبی و بحث‌های سیاسی مورد ارزیابی و سنجش بوده است. اما اغلب دانشجویان طبقه اناث عوامل منازعه را بیشتر ناشی از مراعات

نکردن اخلاق و ادب اسلامی به ندرت از طرف دختران و به صورت کثرت از جانب دانشجویان طبقه ذکور دانسته اند.

بصورت خلاصه مواردی در ذیل ذکر شده، که اشتراک کننده گان از آنها به عنوان عوامل منازعه در بین دانشجویان دانشگاه البیرونی نام برده اند.

۱ - اختلاف قومی و لسانی

حدود چهل درصد از دانشجویان در جواب پرسشنامه عوامل منازعه در دانشگاه را اختلاف قومی دانسته اند. جای شکی نیست که دانشگاه البیرونی یک دانشگاه افغانستان شمول بوده از تمام ولایات کشور دانشجو در دانشگاه البیرونی مصروف تحصیل اند. اما این را باید پذیرفت که بشتر دانشجویان دانشگاه البیرونی از خود ولایت کاپیسا می باشند. کاپیسا یکی از ولایت های کشور است که در آن به صورت گسترده مردم به چهار زبان صحبت می نمایند. فارسی، پشتو، پشه یی و پراچی این خود باعث شده است دانشجویان با داشتن زبان و فرهنگ متفاوت، وارد دانشگاه شوند. عدم آگاهی از پدیده فرهنگی، نبود همدیگر پذیری باعث منازعات در دانشگاه می شود.

۲ - عدم آگاهی از موازین و معایب دینی و مذهبی

حدود بیست درصد از پرسش شونده گان عوامل منازعات در دانشگاه را، نبود آگاهی دانشجویان از موازین دینی و اخلاقی دانسته اند. این دسته از دانشجویان به این باور اند، دانشجویانی که از موازین اسلامی و دینی معلومات نداشته باشند. اصول اسلامی و اخلاقی را در دانشگاه مراعت ننموده این کار باعث بروز تشنج و کشمکش در دانشگاه می گردد. آنها دلیل آورده اند که همین دسته از دانشجویان با گشت گزار بی مورد، عدم احترام متقابل، باعث برانگیختن احساسات دانشجویان دیگر شده و نهایت زمینه منازعه در دانشگاه هموار می گردد.

۳ - آزار و اذیت جنسی

حدود ده درصد از پرسش شونده گان به سوال ما جواب داده اند که منازعات از آزار و اذیت جنسی در دانشگاه شکل می گیرد. آنها به این باور بوده اند، افغانستان یک کشور به شدت مرد سالار و

مذهبی بوده که زنان در اکثر امورات زنده گی حق مداخله را ندارند. بناً در اکثر نقاط کشور زنان حتا بدون نیاز جدی نمی توانند از خانه بیرون شوند. با در نظر داشت دلایل فوق زمانی که دانشجویان تازه ورود، به دانشگاه می آیند، با یک محیط نا آشنا و تقریباً آزاد روبرو می شوند. این حالت باعث می شود نمی توانند اصول فرهنگی و اخلاقی محیط دانشگاه را مراعت نمایند و در نتیجه باعث تشنج و منازعات می شوند.

۴- وابسته گی دانشجویان به احزاب مختلف

هر چند نباید دانشگاه ها در معرض کشاکش احزاب و جریان های سیاسی قرار گیرد. اما در افغانستان این موضوع خیلی حاد است که احزاب افراطی و غیر افراطی به دانشگاه رخنه نموده باعث بروز جنجال ها می شوند. حدود پنج در صد از دانشجویان به این نظر اند که مداخله احزاب و جریان های سیاسی در دانشگاه باعث بروز مشکلات و جنجال ها شده است. دانشجویان که وابسته به گروه و احزاب باشند داخل دانشگاه دست به تبلیغ و جذب افراد می زنند. باید یاد آور شد حتا اتفاق افتاده که گروه های مخالف دولت نیز در دانشگاه البیرونی گاهی وقت دست به جذب افراد زده اند. خلاصه چنین فضای نهایت جنجال های را در بین دانشجویان به میان آورده است.

۵- تسامع و عدم برخورد جدی مقامات دانشگاه.

حدود پنج درصد از دانشجویان به پرسش ما چنین جواب داده اند، در اکثر موارد دانشگاه با افراد زورگو و فرصت طلب برخورد قانی نمی کند به گفته آنها کمیته نظم دسپلین چندین بار روی قضایای مختلف در دانشگاه تدویر جلسه داد اما در هیچ موارد نتوانست مجرم اصلی را شناسایی کند یا اگر هم شناسایی کرد جزای دسپلینی برایش بدهد. این تسامع و از خود گذری مقامات دانشگاه باعث شده است که افراد شرور بیشتر از گذشته دست به ماجرا جویی و تشنج بزنند. این موضوع باعث می شود که دانشجویان در مقابل مقامات دانشگاه بی پروا شده و دست به خودسری و تشنج بزنند.

۶- عدم حضور استادان در ساعت های درس

تعدادی از اشتراک کنندگان در تحقیق؛ عوامل منازعات را عدم حضور اساتید در ساعت های درسی وانمود کرده اند. آنها به این باوراند، اگر اساتید به طور منظم در درس های خود حاضر باشند. دیگر به دانشجویان وقت آن باقی نمی ماند تا گشت و گذار بی مورد بکنند. در صورتی که دانشجویان در داخل دانشگاه مصروف درس نگردند آنها در بعضی مواقع به دانشکده های دیگر رفته و ایجاد مشکل می نمایند. ضمناً باید یاد آور شد که تعداد اندکی از دانشجویان پاسخ داده اند که استادان گاهی وقت مساوات و برابری را در صنف درسی در نظر نگرفته و نهایت باعث مشکلات و جنجال ها می گردد.

۷- ورود افراد غیر مسئول به دانشگاه

تعداد از دانشجویان به پرسش ما پاسخ داده اند که بیشتر منازعات از طرف افراد و اشخاصی در دانشگاه شکل می گیرد که؛ نه در دانشگاه دانشجوی هستند نه کدام مسئولیت اداری دارند. اشتراک کنندگان به این باور اند که افراد نظامی دروازه عمومی دانشگاه، عدم دیوار محافظتی منظم در دانشگاه و بی توجهی مقامات باعث شده است که افراد بی بندبار و غیر مسئول وارد دانشگاه شوند و ایجاد منازعه نمایند. آنها به این باور اند که مقامات دانشگاه باید در شناسایی و محار این افراد از هر وسیله ای ممکن استفاده نموده و کوشا باشند تا از ورود افراد غیر مسوول به داخل دانشگاه جلوگیری نمایند. با چنین برنامه ممکن منازعات در سطح دانشگاه تقلیل یابد.

۸- گزینش نماینده ها در بین محصلان به بهانه های مختلف

شماری از دانشجویان در پاسخ به یکی از پرسش ها توضیح داده اند که گزینش نماینده ها تحت عناوین گوناگون ، به طور مثال؛ نماینده لیلیه، بلاک اول، تحت عناوین زبان، جغرافیا، مذهب و غیره چالش برانگیز اند. اغلب در گزینش آنها روحیه تفرقه جویی در ذهن دانشجویان بیشتر شده و در نهایت باعث گسسته گی روابط، و در نهایت منتج به ایجاد منازعه در بین دانشجویان می گردد.

بستر سازی صلح در دانشگاه

بستر سازی صلح یکی از گزینه مثبت و با ارزش کنش‌های انسانی است که در تمام ابعاد زنده‌گی باید عملی شود، از اینکه انسان یک موجود اجتماعی است و همیشه با مسایل مختلف اجتماعی مواجه می‌باشد. بناً ذهنیت صلح در تمام عرصه‌های زنده‌گی برایش حتمن، تزریق گردد. مواردی که به شرح زیر می‌آیند می‌توانند در بسترسازی صلح در دانشگاه‌ها کمک نمایند. زیرا تعلیمات صلح، معلومات، باورها، ارزش‌ها و قابلیت‌های سلوکی را تدریس می‌کند که برای حل و فصل منازعات بدون خشونت، ضرورت می‌باشد و ایجاد روابط مفید متقابل دوجانبه و هماهنگ را اعمار می‌کند (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

احترام به فرهنگ‌های متفاوت یکی از برجسته‌ترین کار در سطح دانشگاه است. زیرا اعضای جامعه تحت تاثیر فرهنگ و روابط اجتماعی، نگرش‌ها و باورها متفاوت نسبت به دیگران دارند. که در این میان باید بتوانند با تحمل دیگران در محیط شغلی احساس امنیت نموده و هویت صلح با خویشتن را به دست آورند (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۷).

احترام کردن به موارد اخلاقی در تباین اختلاف جنسیتی نیز در مکان‌های آموزشی ضروری است، زیرا این کار از یک طرف از بروز منازعات جلوگیری می‌کند و از طرف دیگر به یک بخش عظیم از کتله بشری که همانا زن است تحقق عدالت صورت می‌بخشد (فیشر، ۱۳۹۱: ۴۴).

همدیگر پذیری بخشی دیگر از کار است که در نهادهای آموزشی به یک فرهنگ باید مبدل گردد. زیرا صنف بندی کردن مردم و داوری در مورد شان خشونت را ترویج می‌کند. چنانکه قبلاً در مورد تعیین نماینده دانشجویان تحت عناوین مختلف اشاره شد؛ چون خشونت به طور چشم گیر در فرهنگ‌های که مردم در آن‌ها بر حسب نیازها انسانی فکر کنند نسبت به فرهنگ‌های که در آن افراد یک دیگر را به حیث خوب و بد لقب می‌زنند کمتر است (روزنبرگ، ۱۳۹۳: ۱۵). عفو و بخشش در تمام امورات زنده‌گی برای انسان‌ها مهم است، اما در محیط علمی و تحصیلی مهمتر جلوه می‌کند. (یودر، ۱۳۹۱: ۷)

به صورت مداوم باید تلاش صورت گیرد تا فرهنگ سازی صلح در راس تمام فعالیت ها در دانشگاه ها در نظر گرفته شود. زیرا برای صلح پایدار به همچو یک فرهنگ، یعنی بستر سازی صلح در دانشگاه ها نیاز اساسی است. قابل تذکر است که همه آشوب و منازعه را باید در ساختارهای اجتماعی پیش بین باشیم چون منازعه پیش می آید و تغییرات در زنده گی رخ می دهد. آنچه لازم اس مدیریت حل منازعه است که به خشونت تبدیل نشود (داچرتی، ۱۳۹۱: ۳).

نتیجه گیری

در جریان این مقاله آنچه را که یافتیم این است که منازعات ویژه ی جوامع کلاسیک نیست بل که منازعه بخش لاینفک زنده گی بشر است که به صورت خود آگاه و نا خود آگاه اتفاق می افتد. از این که انسان ها در یک جامعه ارتباط تنگاتنگی دارند؛ ناگزیر هستند که روی مسایل زنده گی شان فکر کنند. اینکه چگونه زنده گی کنند حتا چطور می شود که زنده گی دیگران را علی الرغم آن که آسیب نزنند خوب بسازند.

با در نظر داشت بحث فوق روی مسایل زنده گی خود باید فکر کنند راه کارهای را برای سازنده گی آن در پیش گیرند بایستی در چنین حالت بدون شک گاهی وقت با هم نوع خود یعنی انسان دیگر روبرو می شوند که این باعث بروز منازعه می گردد که در چنین حالت منازعه باید به گونه عاقلانه و آگاهانه از بین برود. که نتایج آن مثبت گردد که چنین چیزی ممکن است. یعنی در حقیقت منازعات آگاهانه به خاطر جستن حقیقت خبر است، نه خشونت جاهلانه.

در سطح دانشگاه نیز منازعات اتفاق می افتد آنچه که مهم است مدیریت منازعه است که به خشونت تبدیل نشود به طور مثال یک صنف درسی از درس یک استاد راضی نیست. ممکن دانشجویان رغبت به همان ساعت درسی نداشته باشند و یا از استاد شکایتی را به مسوولان داشته باشند در چنین وضعیت منازعه شکل می گیرد. اینجا است که مدیریت لازم دارد تا این منازعه به خشونت تبدیل نشود.

در چنین وضعیت باید به صورت همه جانبه روی منازعات فکر شود تا از آن در دانشگاه‌ها جلوگیری گردد. به موارد که در این مقاله به عنوان اساسی ترین علل‌های منازعه اشاره شده است را باید در سطح دانشگاه زیر نظر داشت و هم‌چنان به گزینه‌های که به عنوان بستر سازی صلح پیشنهاد شده است را هم در نظر گرفت و در عملی ساختن آن باید کوشید. آنگاه است که دانشگاه بدون خشونت خواهیم داشت.

پیشنهادات

این واقعیت را نمی‌توان انکار نمود که ماحصل انجام تحقیق در قسمت پیشنهادات ارائه می‌گردد. ازاینکه تحقیق فعلی به صورت میدانی انجام شده است و جغرافیای تحقیقی نیز ساحه اکادمیک و علمی بوده است. با در نظر داشت اینکه مسایل فوق، گر چند پرسش شونده‌گان در جواب پرسشنامه‌ها جواب مفید و مقنع ارائه کرده اند، ولی پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات بعدی در گزینش افراد به عنوان پرسش شونده‌گان دقت بیشتر صورت گیرد، زیرا در تحقیق فعلی بعضی از متغیرهای مزاحم دست اندرکار بودند که با دقت برگزینش افراد، ممکن است متغیرهای مزاحم کاهش یابند.

در گزینش افراد از لحاظ جنسیت و سطح تحصیلات نیز توجه صورت گیرد، زیرا ممکن چنین موارد در نظر گرفته نشود، نتایج تحقیق از لحاظ جنسیت همه شمول نخواهد بود. سطح تحصیلات افراد نیز از لحاظ رده‌های صنفی در نظر گرفته شود یعنی این که پرسش‌نامه‌های را برای دانشجویان توزیع نمود که حد اقل صنف سوم و چهارم باشند.

پیشنهاد‌های فوق که به اساس یافته‌های تحقیق مطرح شده است امید در تحقیق‌های بعدی پیرامون موضوع فوق موثر واقع شوند.

مأخذ

- ۱- احمدی، جعفر. (۱۳۹۳). نقش اشتغال در اعمار صلح ، چاپ اول، کابل: دیپارتمنت مطالعات صلح دانشگاه کابل
- ۲- بون ، ونیمکوف. (۱۳۴۴). زمینه جامعه شناسی ، مترجم ، حسین آرین پور ، تهران : انتشارات دی د آور.
- ۳- حسرت، محمد حسین. (۱۳۹۲). آموزش صلح ، چاپ نخست ، کابل: انتشارات دهکده.
- ۴- رورنبرگ، مارشال. (۱۳۹۳). مفاهمه بدون بدون خشونت ، مترجم نورالله نوایی ، چاپ نخست، کابل : انتشارات دهکده .
- ۵- فیشر، سیمون. (۱۳۹۱). کار با منازعه ، مترجم رحمان علی جاوید ، چاپ اول ، کابل: انتشارات صبو ر.
- ۶- مامون، سرور. (۱۳۸۴). اعمار صلح ، کابل : انتشارات ، سنایی.
- ۷- واچرتی، جن سمیر. (۱۳۹۱). مذاکره استراتژیک، مترجم نوالله نوایی، چاپ اول، کابل: انتشارات دهکده .
- ۸- یودر، کارولین. (۱۳۹۱). التیام روان زخم، مترجم نورالله نوایی، چاپ اول، کابل: انتشارات صبور.

جوانان و نقش آن‌ها در کاهش خشونت در جامعه

پوهنمل عبدالتمیم احدی

دانشکده‌ی تعلیم و تربیه، دانشگاه البیرونی

چکیده

خشونت عبارت از پلی است بین هر دو نوع پرخاشگری فزیک و کلامی، از اینرو اگر بخواهیم پرخاشگری و خصومت را کم کنیم، باید یاد بگیریم که چگونه خشم خود را کنترل کنیم. مطالب زیادی در باره‌ی نحوه‌ی کنار آمدن با اضطراب و افسردگی نوشته شده است. اما در باره‌ی کنار آمدن با خشم مطالب کمی نوشته شده است، زیرا ما غالباً خشم را چیزی می‌دانیم که قادر به کنترل آن نیستیم یا نباید آن را کنترل کنیم. به نقل از هایپرکلابز، وقتی در یک جامعه، میزان خشونت افزایش می‌یابد و وقتی این خشونت در شکل‌های مختلف در سطح جامعه به صورت یک عرف پذیرفته شده در می‌آید، بدون شک باید دلایل بروز آن را در لایه‌های بنیادی تر فردی یا اجتماعی آن جامعه مورد بررسی قرار داد. خشونت وجه منفی ذهن و روان انسان است که عوامل متعددی در شکل‌گیری آن نقش دارند. عصبانیت، تهدید، تخریب شخصیت و تهاجم به آنچه که در جامعه طبیعی تلقی می‌شود، اشکال متفاوت خشونت است که گاه می‌تواند جسم و روان فرد را تحت تاثیر قرار دهد و به آن آسیب برساند. بنابر این می‌توان گفت، خشونت علیه زن نه زاده‌ی دین مقدس اسلام است، بلکه ناشی از فرهنگ عقب مانده و زاده‌ی جاهلیت می‌باشد. افغانستان کشوری است که رقم درشت از نفوس آن را جوانان تشکیل می‌دهند. همه می‌دانیم جوانان تحصیل کرده و متخصص ظرفیت و توانایی ایجاد تغییر و دگرگونی در سطح ملی و بین‌المللی را دارند و منبع مهمی از خلاقیت و محرک دگرگونی‌های اجتماعی به شمار می‌روند؛ اما متأسفانه امروز جوانان از تلاش‌هایی که در سطح ملی و بین‌المللی به خاطر تامین کاهش خشونت و حل و فصل منازعات صورت می‌گیرد به حاشیه رانده شده‌اند. داشتن جوامع کاهش خشونت آمیز، به هم پیوسته و متحرک مستلزم حضور و اشتراک هدفمند جوانان می‌باشد. اشتراک فعالانه جوانان در روند کاهش خشونت یک امر حتمی است.

کلیدواژه‌ها: خشونت؛ کاهش خشونت؛ خشونت خانگی؛ خشونت در مکاتب؛ خشونت اجتماعی

مقدمه

خشونت یکی از مسائل بسیار قدیمی و همزاد بشر است که مطابق گزارش قرآن کریم اولین خشونت فزیکتی در قالب یک قتل از درگیری هابیل و قابیل از فرزندان آدم شروع گردید. خشونت در افغانستان هم دارای سابقه طولانی است و هم ابعاد مختلف و متفاوت دارد. کشوری که امروز افغانستان نامیده می‌شود، در سال ۷۵۱ میلادی همراه با درگیری و خشونت بدست مسلمانان افتاد. در طول قرن هفتم، ارتش عرب راه خود را به منطقه افغانستان از راه خراسان با مذهبی جدید، اسلام، شروع کردند. در این مرحله از زمان منطقه‌ای که در حال حاضر افغانستان است، دارای جمعیتی چند مذهبی متشکل از بودایی، زرتشتی، هندویسم، یهودی و دیگر مذاهب بود.

از لحاظ سیاسی و اجتماعی افغانستان بعد از اسلام نیز همواره کانون دگرگونی و بروز خشونت و جنگ‌های داخلی و غیر داخلی به حساب می‌آمده است. افغانستان در اوایل قرن هفتم هجری، با حمله چنگیزخان مغول مورد تهاجم قرار گرفت و بصورت گسترده ویران شد. جانشینان مغول‌ها با نام ایلخانیان در حدود ۲۰۰ سال بر افغانستان حکومت راندند. در اواسط قرن هشتم هجری شمسی تیمور لنگ با حمله به متصرفات مغول‌ها، امپراتوری آنها را در هم ریخت که این کار همراه با خشونت بود. سلسله تیموریان تا اواخر قرن نهم هجری دوام یافت و از آن تاریخ تا اوایل قرن دوازدهم هجری وضع آشفته‌ای همراه با خشونت داشت.

در اوایل قرن دوازدهم هجری محمود افغان قیام کرد که قیام وی نیز همراه با خشونت بود و با تصرف قسمتهای وسیعی از ایران و افغانستان حکومتی تاسیس کرد که همواره در حال جنگ باصفویان بود. بعد از محمود افغان، اشرف افغان حکومت را با جنگ و خشونت به دست گرفت، و بعد نادرشاه ایرانی در طی یک درگیری و جنگ شدید اشرف افغانی را کشته و متصرفاتش را تسخیر کردند.

تقریباً حدود یک قرن بعد، انگلیس راه نفوذ خود را به این کشور باز کرده و در سیاست آن شروع به مداخله نمود. در قرن نوزدهم، افغانستان به سوی سیاست‌های اروپایی کشیده شد. به طوری که بریتانیا و روسیه به ترتیب هندوستان و آسیای مرکزی را متصرف شدند و این منطقه به صورت یک مرز حایل بین این دو امپراتوری و محل وقوع سیاست بازی‌ها و گاهی جنگ‌های شدید گردید.

انگلیس در سال ۱۸۳۹ قسمت‌هایی از افغانستان را به اشغال نظامی خود در آورد که این امر منجر به اولین جنگ افغانستان و انگلیس (۱۸۴۲-۱۸۳۹) گردید، که در این جنگ سرانجام نیروهای اشغالی تقریباً همه اش قتل عام گردیدند. در زمان شیرعلی خان جنگ دوم افغانستان و انگلیس (۱۸۸۰-۱۸۷۸) رخ داد که بازهم همراه با خشونت بود.

افغانستان با جغرافیایی فعلی از زمان عبدالرحمن شکل گرفت، که امیر عبدالرحمان، تمام توان خود را به کار گرفت تا به بهانه گسترش قدرت مرکزی هزاران شهروند خود را نابود کرده و دست به نسل‌کشی زد و با قتل و کشتار وسیع مردم خشونت، کینه و انتقام را به مردم یاد داد. غصب سرزمین، آواره ساختن و وادار به ترک وطن و ساختن کله منارها بخش از خشونت بود که صفحات تاریخ پر است از جنایت و خشونت در این دوره.

در سال ۱۹۷۹ که اتحاد جماهیر شوروی سابق نیروهای نظامی خود را برای نجات و حمایت رژیم کمونیستی ضد مردمی به سراسر مرزها روانه کرد، افغانستان در دام یک جنگ خشن طولانی افتاد. موضوعاتی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است عبارت‌اند از عوامل خشونت در یک جامعه، عواقب منفی خشونت بالای کودکان، نقش جوانان در کاهش خشونت می‌باشند.

بیان مسأله

یکی از عوامل عمده و اساسی که باعث ایجاد خشونت در جامعه می‌گردد این است که نقش و حضور جوانان برای کاهش خشونت در پروسه کاهش و از بین بردن خشونت‌ها کم‌رنگ و حتی نادیده گرفته می‌شود، در حالی که جوانان افراد مستعد، نیرومند و دارای توانای فزینگی و ذهنی بالا و از

حاصله‌مندی کامل برخوردار و متحمل با هر نوع فشارها بوده، از این رو می‌توانند در ابعاد مختلف در کاهش و از بین بردن خشونت موثر باشند.

سوالات تحقیق

۱. نقش جوانان در کاهش خشونت چیست؟
۲. خشونت بر زنان بالای کودکان چه تاثیر دارد؟
۳. عوامل خشونت در جامعه چیست؟
۴. کدام عوامل باعث خشونت در جامعه می‌شود؟

روش تحقیق

تحقیقی را که روی دست دارید به روش کیفی انجام شده است که در پیش‌برد و تکمیل آن از کتب، مجلات علمی، مقالات علمی و سایت‌های اینترنتی استفاده صورت گرفت و بر علاوه در این تحقیق ۷ تن از صاحب نظران پیرامون خشونت با مصاحبه عمیق صورت گرفته است. در این تحقیق سه پرسش با فرمت تحقیق کیفی (پرسش‌های باز و بسته) از مصاحبه‌شونده‌ها به صورت جداگانه پرسیده شده و دیدگاه‌های هر یک در زمینه نقش جوانان در کاهش خشونت چیست، خشونت بر زنان بالای کودکان چه تاثیر دارد، عوامل خشونت در جامعه چیست و کدام عوامل باعث خشونت در جامعه می‌شود به بحث گرفته شده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

این تحقیق در شرایطی فعلی در آن که همه‌ی خشونت‌ها متأسفانه در افغانستان از سوی گروه‌ها و افرادی متعددی توجیه دینی دارد، که بدبختانه عدی از مردم نیز آن توجیه‌های نامعقول و غیر دینی را عیناً دینی می‌دانند. روشن ساختن این مسأله که در اصل در دین اسلام خشونت و جنگ جایگاه ندارد و دین اسلام، دین صلح و آیین زیست باهمی است، در شرایطی کنونی شاید کلیدی باشد برای فهم درست دین و راهی باشد برای جامعه‌عاری از هر نوع خشونت و فراهم ساختن زیست باهمی در جامعه

افغانستان. آنچه که ضرورت این دست از تحقیقات علمی را برجسته می سازد عدم کاوش های فراگیر درون دینی و مستند با آیات و احادیث نبوی در حوزه خشونت و صلح است.

هدف تحقیق

این تحقیق در کل به هدف روشنگری اذهان عامه در قبال عدم خشونت و همزیستی مسالمت آمیز در جامعه به رشته تحریر درآمده است. در تحقیق حاضر نویسنده در پی این است که با توجه به شرایط و وضعیت بد سیاسی و امنیتی، اقتصادی، بیکاری و بالاخره می توان گفت فقر مادی و معنوی که دامن گیر مردم ما است و همچنان وضعیت آشفته سیاسی در کشور عزیز ما افغانستان، جایگاه و ارزش خشونت را از دید اسلام روشن ساخته تا در پرتو آیات و احادیث نبوی بتوانیم به مسالمت مثبت و رفاه اجتماعی و جامعه عاری از خشونت داشته باشیم.

عوامل خشونت در یک جامعه

به نقل از هایپر کلابز: وقتی در یک جامعه، میزان خشونت افزایش می یابد و وقتی این خشونت در شکل های مختلف در سطح جامعه به صورت یک عرف پذیرفته شده در می آید، بدون شک باید دلایل بروز آن را در لایه های بنیادی تر فردی یا اجتماعی آن جامعه مورد بررسی قرار داد. خشونت وجه منفی ذهن و روان انسان است که عوامل متعددی در شکل گیری آن نقش دارند. عصبانیت، تهدید، تخریب شخصیت و تهاجم به آنچه که در جامعه طبیعی تلقی می شود، اشکال متفاوت خشونت است که گاه می تواند جسم و روان فرد را تحت تاثیر قرار دهد و به آن آسیب برساند. حال این سوال مطرح است که خشونت از چه فردی سر می زند؟ اصولاً از فردی سالم، نمی توان انتظار رفتارهای خشونت آمیز یا پرخاشگرانه داشت در حالی که شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که گاهی در روابط اجتماعی تان از سوی آنها با رفتارهای خشونت آمیز روبرو شده باشید در حالی که چنین انتظاری از آنها ندارید. اغلب این افراد به ظاهر سالم، دچار اختلال های شخصیتی، اضطراب و آزدگی هستند که برای تخلیه خود از رفتارهای خشونت آمیز کلامی یا رفتاری استفاده می کنند. شایع ترین نوع اختلال های شخصیتی که منجر به بروز خشونت می شود، در افراد مبتلا به اختلالات سایکوپات که شخصیتی ضد

اجتماعی دارند، قابل مشاهده است. البته خشونت در بیماران روانی یا کسانی که از مشکل روان پزشکی عمده ای رنج می‌برند، نیز ممکن است دیده شود که معمولاً این نوع رفتار، تحت تاثیر خیال‌ها و هذیان‌های ناشی از بیماری است که گاهی با آسیب نیز همراه است.

۱- خشونت خانوادگی

به غیر از بحث تخصصی و بررسی شکل‌های متفاوت خشونت، رفتارهای خشونت‌آمیز دیگری هم وجود دارد که مشهود نیست و کمتر در جامعه با آن روبرو هستیم. خشونت خانگی یکی از مهم‌ترین انواع آن است که در اصطلاح به آن «خشونت عمومی» گفته می‌شود. خشونتی که در فضای خانه و ارتباط خصوصی به دلیل اختلاف نظر در خصوصیت‌های فردی و ذهنی شکل می‌گیرد.

این اختلاف‌ها متأثر از فرهنگی متفاوت میان زن و شوهر، خواهر و برادر یا والدین و فرزندان است. در مواردی که یکی از زوج‌ها دچار اختلال شخصیتی یا زمینه روانی معیوب است یا از نظر فکری و شخصیتی به هم نزدیک نیستند و یکدیگر را درک نمی‌کنند و به درستی نمی‌توانند با یکدیگر ارتباط کلامی، ذهنی و هیجانی مناسب برقرار کنند، خشونت کلامی یا رفتاری نمایان می‌شود. شایع‌ترین شکل خشونت خانگی از طرف جنس مذکر نسبت به مونث است و متأسفانه در برخی از مناطق با این مشکل روبرو هستیم که باعث بروز آسیب‌های جسمانی و روانی در فرد می‌شود و قابل جبران هم نیستند. خشونت خانگی گاهی با آسیب‌های فزیکیا حتی جرائمی مانند قتل و جنایت و تخریب شخصیتی و روانی طرف مقابل نیز همراه است.

۲- خشونت والدین

شکل دیگر خشونت، خشونت والدین نسبت به فرزندان است. به طوری که فرزند خانواده در معرض تهاجم‌های خشونت‌آمیز والدین قرار می‌گیرد. این تهاجم‌ها می‌تواند به صورت آسیب‌های جسمی یا روانی یعنی کتک زدن، پرتاب کردن وسیله، توهین و به کار بردن الفاظ زشت و رکیک باشد. در بسیاری از موارد مجموعه یا بدن نوزادان توسط پدر و مادر به وسیله اشیای تیز مانند سوزن مورد آسیب قرار می‌گیرد.

کودکانی که در اثر ضربه های فزیکیدچار زخم و کبودی می شوند یا در معرض خشونت های کلامی که با توهین همراه است، قرار می گیرند، در آینده صدمه های جبران ناپذیری بر جسم و روانشان وارد می شود. معمولاً این کودکان بعد از اینکه از فضای خانواده جدا و وارد جامعه می شوند، ممکن است با الگوبرداری از رفتار والدین شان که در دوران کودکی با آنها داشته اند، چنین رفتاری را با فرزند یا همسر خود داشته باشند.

۳- خشونت در مکاتب

در بسیاری از مواقع، خشونت، شکل روان شناختی به خود می گیرد. برخی از معلمان یا اولیای مدرسه به تصور اینکه می خواهند دانش آموز را متوجه اشتباهش کنند یا اینکه راه درست را به او نشان دهند، او را مورد تهاجم شخصیتی و روانی قرار می دهند. غافل از اینکه هر نصیحتی را نمی توان در هر شرایط و موقعیتی اجرا کرد و باید در شرایطی خاص از لحاظ فکری و روحی دانش آموزان را نصیحت یا به راه درست هدایت کرد. اگرچه در اغلب موارد خشونت در مدارس به صورت فزیکینیست اما پرتاب کردن شی به سمت آنها، توهین لفظی و... می تواند باعث بروز آسیب های روانی در آنها شود. چنین کودکانی اعتماد به نفس پایینی دارند و آثار منفی این نوع برخورد، در آنها نهادینه می شود و زمانی که به روابط اجتماعی قوی تری در دوره راهنمایی و دبیرستان نیازمندند و به مرحله رشد فکری یعنی نوجوانی می رسند، اغلب شاهد رفتارهای غیر احترام آمیز با آنها هستیم. متأسفانه این نوع رفتار اشتباه که به دلیل ندانم کاری و بی اطلاعی است، باعث دلزدگی و دوری نوجوانان از والدین یا مسوولان مدرسه می شود. در این شرایط ممکن است این دانش آموزان برای التیام زخم های روانی و دست یافتن به آرامش، جذب دوستان یا کسانی شوند که به اشتباه، آنها را دلداری و راهنمایی می کنند؛ مثلاً تشویق به سیگار کشیدن، استعمال موادمخدر یا رفتن به مهمانی ها و مجالس غیرمشروع.

در این موارد نه تنها مشکلی حل نمی شود بلکه بر شدت مشکلات نیز افزوده می شود، بنابراین باید به نوع رفتار و کلامی که نسبت به اطرافیان به خصوص کودکان و نوجوان به کار برده می شود، توجه شود و والدین و مربیان هم آموزش های لازم را در خصوص رفتار مناسب با دانش آموزان ببینند تا

در نهایت به نتیجه مطلوب از راهنمایی‌هایشان برسند. خشونت جنسی نوع دیگر خشونت که به مسایل شخصیتی و جنبه‌های بیمارگونه مربوط می‌شود، خشونت‌های جنسی است.

متأسفانه به دلیل اینکه خشونت جنسی در جامعه تابو تلقی می‌شود، اغلب اطلاع‌رسانی درستی در موردش انجام نمی‌شود. خشونت جنسی، اشکال متفاوتی دارد و نوعی از آن ممکن است در فضای خانواده توسط زن و شوهر نسبت به یکدیگر یا از سوی فرد بزرگ‌تر نسبت به کوچک‌تر در محیط خانه یا جامعه شکل بگیرد که به صورت نامشروع و آزاردهنده است. شکل دیگر خشونت جنسی، میان دختران و پسرانی است که با یکدیگر در ارتباط هستند. اگر چه داشتن روابط برای شناخت بیشتر از یکدیگر در چارچوب شرع و قانون باشد، اشکالی ندارد اما اگر این روابط، فراتر از چارچوب و خارج از عرف باشد، ممکن است باعث شکل‌گیری روابط عاطفی بین دختران و پسران شود که گاهی این رابطه باعث پدیداری ارتباطی خصوصی‌تر بین دو جنس مخالف می‌شود.

متأسفانه در بسیاری از موارد برخلاف میل، نظر و عقیده جنس مونث، رابطه‌ای نامشروع بین آنها برقرار می‌شود که این نوع رابطه، مصداق خشونت را به همراه دارد و صرفاً برای تخلیه هیجانی جنس مذکر است. بنابراین جوانان باید به این مساله توجه داشته باشند چراکه این اتفاق می‌تواند منجر به بروز ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر جسم و روان‌شان شود.

۴- خشونت اجتماعی

خشونت اجتماعی خشونتی است که بارها در جامعه شاهد آن بوده ایم؛ بی‌توجهی افراد نسبت به محیط، رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی، تجاوز به حقوق و حدود دیگران و ایجاد اضطراب و ترس در پی رانندگی یا تخریب منابع مادی و زیبایی‌هایی که طبیعت برایمان به ارمغان داشته است. شاید بروز چنین رفتارهایی به دلیل بی‌اطلاعی و آموزش ندیدن افراد در سنین پایین‌تر باشد که امروزه در جامعه هنوز شهروندان آموزش‌ندیده‌اند چگونه حق و حقوق خود را پیگیری کنند.

شاید اگر مطبوعات در این زمینه آموزش و اطلاعات کافی به مردم بدهند و جنبه‌های مختلف خشونت را بررسی کنند و به اصلاح روابط میان افراد با یکدیگر و جامعه پردازند، دیگر در جامعه و خانواده، شاهد چنین خشونت‌هایی نباشیم.

عواقب منفی خشونت بالای کودکان

خشونت بر زنان بیشتر از قدرت و نیروی نا برابر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که ساخته مردان است، ناشی می‌شود. به خصوص در اوقات جنگ، تهاجم و بحران‌های سیاسی، زنان بیشتر مورد تظلم و خشونت قرار می‌گیرند؛ زیرا قوای مهاجم ضربت شان را بنا بر باورهای فرهنگی به ننگ و ناموس مغلوبین وارد می‌کند، تا آخرین خشونت را تامین کرده باشند چون در جوامع سنتی تعرض به زنان آخرین و بلندترین صدمه است، این برخورد در تمام جنگ‌ها به خصوص در جنگ دوم جهانی علیه نازی‌های شکست خورده، در برلین به ملاحظه رسید، چنانچه بعداً موضوع تربیه اطفالی که به صورت غیر مشروع از زنان آلمان که بنا تعاملات جنسی خشن و متجاوزانه تولد شده بود، معضله مهم برای دولت آلمان بعد از جنگ گردید و از جانبی هم همین زنان با وجود تحمل خشونت تجاوز، از طرف مردان خودی مخصوصاً شوهران، برادران، پدران و بعضاً کاکا و ماما و سایر مردان به دلایل گوناگون مورد خشونت‌های دیگر نیز قرار گرفتند.

این خشونت‌ها با انگیزه‌ها و علل متفاوت به حد کافی توانسته است و یا متاسفانه می‌تواند، زن را مورد آزار و اذیت جسمی، روحی و جنسی قرار دهد. اما در طول تاریخ بعضاً خشونت از جانب افرادی که دارای هرم قدرت نظامی، فزیک اقتصادی و سیاسی بوده‌اند، نیز بیشتر سرزده است (آرنولد، ۱۹۷۰). با وجودی که، کشورهای متمدن و مترقی جهان، ملل متحد، سازمان‌های حقوق بشر و سازمان‌های بشردوست در جهت رفع، قطع و منع خشونت علیه زنان اقدامات مؤثری اتخاذ نموده‌اند و می‌نمایند، متاسفانه این خشونت دوام دارد، در شرق و غرب خشونت علیه زنان وجود دارد با یک تفاوتی که در کشورهای غربی به گونه‌ای و در کشورهای شرق و انکشاف نیافته بگونه‌ای دیگر دوام دارد.

خشونت علیه زن بیشتر از همه در فرهنگ‌های عقب مانده و کم رشد نسبت داده می‌شود. بعضی از ژورنالیستان در غرب، نا جوانمردانه، خشونت علیه زن را به دین مبین اسلام پیوند می‌دهند و عوام فریبانه ادعا می‌کنند که گویا دین مبین اسلام بانی خشونت علیه زنان می‌باشد، اما این‌ها غافل از این می‌باشند که اسلام یگانه دینی بود، که زنده به گور کردن دختران را منع کرده و آنرا قبیح‌ترین عمل دانست. حضرت عمر (رض) بعد از مشرف شدن به دین اسلام بار- بار گریه کرده می‌گفت: «وای از آن دوره جاهلیت، وقتی که من دختر صغیرم را می‌خواستم زنده زیر خاک نمایم و به این منظور برایش قبر حفر می‌کردم و خاک بر دامنم می‌ریخت و لباسم از خاک پر می‌شد و آنکه دخترک معصوم و بی‌خبر از همه چیز، خاک را از لباسم می‌افشاند و دامنم را از گرد پاک می‌کرد.» بنابراین می‌توان گفت، خشونت علیه زن نه زاده دین مقدس اسلام است، بلکه ناشی از فرهنگ عقب مانده و زاده جاهلیت می‌باشد.

خشونت به زن را سازمان ملل متحد در جلسه هشتاد و سوم مجمع عمومی ملل متحد به سال ۱۹۶۹ چنین تعریف کرده است: «خشونت علیه زنان به معنای اعمال هرگونه خشونت بر اساس جنسیت است که پیامد احتمالی

آن صدمه یا آزار فیزیکی، جنسی، روانی، مالی، آموزشی، سیاسی و اجتماعی باشد، صرف نظر از این که در محیط‌های عمومی و یا در زندگی خصوصی رخ دهد.» ملل متحد امروز خشونت علیه زنان را بزرگترین رسوایی بشریت دانسته و بر این عقیده است که این معضله فراگیر، شامل تمام فرهنگ‌ها و جوامع فقیر و غنی می‌شود. ملل متحد این مسئله را قابل توقف، درمان و حذف می‌داند و شرط عمده آن را همکاری دولت‌ها در رفع خشونت، اصلاح قوانین، ارتقای سطح آگاهی مردان و زنان و جلوگیری از جنگ‌ها می‌داند.

در سال ۱۹۹۳ میلادی برای اولین بار جامعه بین‌المللی حقوق بشر رسماً خشونت علیه زنان را، حتا در زندگی خصوصی خانواده‌ها به عنوان یکی از موارد نقض بنیادین حقوق بشر به رسمیت شناخت.

در همان سال در کنفرانس حقوق بشر در وین (مرکز اتریش) حقوق زنان و دختران به عنوان جزء لاینفک حقوق بشر اعلان شد. خشونت جنسی و همه اشکال آزار و بهره کشی جسمی، جنسی و روانی ناشی از تبعیض، تعصب فرهنگی و قاچاق بین‌المللی زنان مغایر با کرامت انسانی و حرمت آن‌ها شناخته شد.

در اولین جلسه بزرگ فمینیست‌های امریکای لاتین که در شهر بوگوتا (مرکز کولمبیا) برگزار شد روز ۲۵ نوامبر مصادف به سالروز قتل خواهران «میرابال» به دست رژیم نظامی مورد حمایت کشور ایالات متحده امریکا در دومینکن به عنوان روز جهانی مقابله با خشونت علیه زنان انتخاب و تعیین شد. خواهران میرابال در سال ۱۹۶۰ در راه مبارزه برای دموکراسی به طرز فجیعی توسط رژیم تروخیلو گشته شدند. «پاتریا، مینروا و ماریا ترزا» سه خواهر بودند که در جمهوری دومینکن زندگی می‌کردند و همراه با همسران شان در راه نهضت دموکراسی، در صدد سرنگون ساختن رژیم نظامی جنرال تروخیلو بودند - رژیم دیکتاتوری جنرال تروخیلو از دیدگاه سیاستمداران کشور ایالات متحده امریکا سدی در برابر نفوذ کمونیسم تلقی می‌شد - کشته شدند.

خشونت علیه زنان یک پدیده شخصی، خانوادگی، قومی و منطقی نیست بلکه یک مسئله خارج از محیط خانواده و سرحدات ملی است، لازم است زنان در سطح جهانی در مقابل خشونت حفاظت شوند، از آنجایی که زنان ندرتاً در برابر خشونت‌ها از خود عکس‌العمل و واکنش نشان می‌دهند این واکنش‌ها از طریق مراجعه به مقامات و مراجع قضایی، مقاومت شخصی در برابر خشونت، خودکشی، خودسوزی و غیره به مشاهده می‌رسد، بعضاً هم زنان به خاطر حفظ آبرو و حیثیت خود و فامیل خود آنرا پنهان نموده و خود را به امراض گوناگون روانی دچار می‌سازد.

خشونت نه تنها خاصه مشرق است بلکه در سرزمین‌های غربی نیز به گونه و شکل‌های دیگری وجود دارد، بنا به گزارشات سازمان مهاجرین منتشره کشور انگلستان، در طی سال ۲۰۰۵ از هر چهار

زن برتانیوی یک نفر آن کتک خورده است، و از هر ده زن انگلیسی، یک زن بر طبق احصائیه نظر سنجی‌های متعدد مورد خشونت همسر یا شریک زندگی خود قرار گرفته است. پولیس شهر لندن در گزارش سالیانه خود از ۷۶۵ مورد خشونت‌های خانوادگی علیه زنان را به نشر رسانیده است که شامل هتک حرمت، مضیقه مالی، منع معاشرت با دوستان و فامیل، تجاوز جنسی و کتک کاری می‌باشد.

مقایسه میان انواع خشونت علیه زنان در جوامع انکشاف یافته و روبه انکشاف نشان می‌دهد که برخی انواع خشونت‌ها مانند ضرب و جرح، تجاوز جنسی، دشنام در میان هر دو نوعی از کشورها مشترک است اما در موارد دیگر، نظیر ازدواج اجباری، ازدواج در ایام صغارت، بد دادن و میزان دسترسی به دستگاه عدالت و مراجع امنیتی و قضایی میان این دو جوامع تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. تفاوت دیگر این دو جامعه در میزان آگاهی زنان از حقوق قانونی شان، سطح سواد و دانش زنان می‌باشد که در کشورهای انکشاف یافته این مامول بیشتر و در کشورهای انکشاف نیافته متاسفانه کمتر می‌باشد.

دانشمندان علوم اجتماعی عقیده دارند که اکثراً خشونت علیه زنان در جوامع غربی پنهان می‌ماند، بسیاری از زنان از بیان آنچه بر آنها می‌گذرد، شرم دارند و سکوت اختیار می‌نمایند، تعدادی بسیار کم از آنها حاضر می‌شود در باره رفتار خشونت آمیزی که علیه آنها اعمال شده است اعتراض کنند. در فرانسه که مهد آزادی، لیبرالیزم و دموکراسی است خشونت علیه زنان هم‌چنان ادامه دارد، طبق نتایج پژوهشی که در باره خشونت علیه زنان در سال ۲۰۰۳ در فرانسه صورت گرفته، ۱۳ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که در طول سال گذشته مورد خشونت لفظی قرار گرفته اند.

سازمان عفو بین‌المللی در گزارش سال ۲۰۰۳ خویش، خشونت علیه زنان را فراگیرترین و جهانی‌ترین مصداق نقض حقوق بشر دانسته است. در گزارش سال ۲۰۰۴ این سازمان، این نگرانی بار دیگر تکرار گردید و تاکید شد که در عرصه رفع خشونت با دولت‌ها اهمال می‌نمایند و یا نسبت عوامل

گوناگون از اجرای اعمال جهت رفع خشونت عاجز اند. فعالان سیاسی حقوق زن در صدد مبارزه برای دفاع از حقوق زنان در حوزه حقوق بین‌المللی هستند و پیشنهاد کرده اند: یکی از کارها و اجراءات محکمه بین‌المللی جزایی باید رسیدگی به جرایم مربوط به خشونت علیه زنان باشد و علاوه کرده‌اند که این محکمه بدون حمایت سیاسی تمامی دولت‌ها قادر به دفاع از حقوق زنان نیست.

اما به عقیده من این کار نا ممکن است زیرا خشونت علیه زن در جهان به اندازه‌ای زیاد است که از توان اجراءات یک محکمه بین‌المللی کاملاً خارج می‌باشد، حتا محاکم محلی در محلات، شهرها و کشورها با وجودی که تعداد آنها در جهان به صدها هزار می‌رسد، در اجرای این نوع قضاوت‌ها وقت کافی ندارند و رسیدگی نمی‌توانند، چه رسد به این که همه خشونت‌ها علیه زنان به یک محکمه محول گردد. طبق گزارش سالانه سازمان عفو بین‌المللی هیچ کشوری در جهان موفق نشده است که روند خشونت علیه زن را در خانه، توسط اعضای خانواده وی متوقف و از زنان در مقابل این نوع خشونت‌ها حمایت و حفاظت نماید.

خشونت علیه زنان در افغانستان زنان افغانستان در حین جنگ و حتا پس از وقوع جنگ‌ها و درگیری‌ها بیشترین فشار خشونت را تحمل کرده اند، بر علاوه این که از طرف بعضی مردان مسلح مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند، مجبور شده اند با قحطی، قیمتی‌های دوره جنگ نیز بسازند، مسئولیت حفظ جان کودکان، بیماران و افراد مسن را نیز به دوش داشته اند. زنانی کشور ما در دوران سلطه طالبان رنج مضاعف خشونت دو چند را متحمل می‌شدند، از یک طرف از خشونت رژیم بر سر اقتدار که آنها را از حق گشت و گذار، حق درس و تعلیم، حق کار، حق اشتراک در دولت، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، حق تجارت، حق تشکیل و شمولیت در احزاب سیاسی و سازمان‌های اجتماعی، حق خرید و فروش و سایر حقوق اساسی محروم نموده بود، رنج می‌برد.

از طرف دیگر در منزل از طرف شوهر، برادر، پدر، ماما، کاکا و سایر اقارب ذکور شان مورد خشونت قرار می‌گرفتند، زنان از همه حقوق و آزادی‌های عصر و زمان محروم بودند صرف حق حیات شان به رسمیت شناخته شده بود. هیچ مرجع دادرسی برای شان وجود نداشت، سلاحی جز گریه و پناه گاهی جز چهار دیواری خانه نداشتند، در برابر این همه خشونت‌ها صرف با ریختن قطرات اشک تسکین خاطر می‌کردند. (علی‌اکبر، ۱۹۹۶)

دولت موقت و نو بنیاد افغانستان بنا به خاست و فشار جامعه بین‌المللی و بعضاً تحت تاثیر خاست نیمی از نفوس کشور، یک سلسله اقدامات سودمندی را در جهت رفع خشونت علیه زنان انجام داد، که از آن جمله تسجیل حقوق اساسی مردم افغانستان به خصوص زنان در قانون اساسی کشور، ایجاد کمیسیون مستقل حقوق بشر، ایجاد وزارت امور زنان به مثابه پالیسی ساز در جهت حل مشکلات زنان و ده‌ها نهاد حقوقی جهت دفاع از حقوق زنان را می‌توان نام برد.

مقصد این است که خشونت علیه زنان با ارتکاب جرایم ارتباط نزدیک و وسیع دارد، و منحیث عامل ارتکاب جرم شمرده می‌شود، این که خشونت خود معلول است و عامل آن در کشور ما فرهنگ عقب مانده سه دهه جنگ، مشکلات اقتصادی، سطح پائین تعلیم و تربیه، عدم توجه به حال زنان و سایر عوامل می‌باشد اما در این جا خشونت را به حیث معلول نه، بلکه خشونت را به حیث علت بررسی می‌نمائیم زیرا خشونت خود یکی از علل ارتکاب جرم در کشور ما محسوب می‌گردد.

خشونت و خانه محیط خانواده به مثابه محیط اصلی جایگاهی است که فرد در آنجا چشم به دنیا می‌گشاید، رشد جسمی و روانی خود را آغاز می‌کند، در مراحل اولیه زندگی، با وجود آن که کودک هنوز راه نمی‌رود و حرف نمی‌زند، لیکن تمام حرکات و کردار اطرافیان‌اش را تقلید می‌کند، رفتار و کردار آنها در ضمیر او حک می‌شود، و از همین جا است که شخصیت طفل پی ریزی می‌گردد. در او آخر قرن ۱۹ دانشمندان با پژوهش‌های اجتماعی، و بررسی واقعات جرمی، تاثیر وضع خانوادگی

را در بروز جرایم تأیید و روشن نمودند و این واقعیت را که وضع محیط خانواده، رابطه مستقیم با بروز حالات خطر ناک و ارتکاب جرم دارد، به اثبات رسانیدند.

به عقیده علمای روان شناسی، زیر بنای خانواده بایستی متکی به اصول ارضای خواهشات، رفع احتیاجات و نیازمندی های جسمی و روانی کودک باشد تا وی را به زندگی عادی اجتماعی سازگار تربیت نماید.

آرامش و امنیت، مهر و محبت در خانواده از عوامل بسیار ارزنده در رشد و انکشاف جسمی و روانی کودک و نو جوان محسوب می گردد. «مهر و محبت والدین را می توان ویتامین روانی کودک نامید.» محبت ورزی و احساس همدردی حس ذاتی بین النوع هر موجود است اما در نوع بشر به فوق العاد گیش می رسد و در تکوین شخصیت هر فرد اثر می گذارد بنا برین کمبود یا عدم محبت و همدردی شیرازه اجتماعی را به هم می زند و فرد را منزوی و خشن بار خواهد آورد.

احتیاج به محبت، تنها در محدوده آوان طفولیت فرد نمی باشد، طفل، جوان و کهن سال به نوعی نیازمند محبت و غم شریکی اند. بنا بر این حس بشر دوستی و نوع پروری در دوره طفولیت پایه گذاری

می شود، در دوره بلوغ نیز افراد نیاز به عاطفه، محبت و حمایت دارند، و در صورت کمبود و یا محرومیت از عواطف انسانی، عدم موجودیت حامی و هادی، شخص به نا گزیری های روانی و اختلاط رفتاری دچار می گردد.

خشونت علیه زن که به انواع گوناگون تحمیل می شود، معمولاً در محیط خانواده و در معرض دید اطفال و نوجوانان فامیل بر علیه زنی که مادر و یا خواهر شان هست صورت می گیرد؛ تاثیرات بس ناگوار و منفی را بر روان شان باقی می گذارد.

زن بارداری که مورد خشونت قرار می‌گیرد این خشونت به جنین نیز تاثیر می‌گذارد که سبب ضعف رشد و گاهی هم باعث سؤ شکل جنین می‌شود. خشونت سبب می‌گردد تا زن محیط امن، آرامش روح و روان خود را از دست بدهد، در نتیجه به بی‌خوابی، بی‌اشتهایی، کم‌زوری، کم‌خونی و ناتوانی مواجه گردد، این عمل در حینی که سبب عقب‌مانی در رشد جسمی و فکری کودک وی می‌گردد باعث بروز مشکلات در هنگام وضع حمل وی نیز شده می‌تواند.

کودک نحیفی که بدین گونه به دنیا می‌آید از اولین لحظات حیات خویش با پرابلم مواجه است، شیر مادر که منبع حیات برای وی به حساب می‌رود، در نتیجه خشونت وارده بر مادر وی که باعث افسردگی روح و روان‌اش گردیده است از نظر کمی و کیفی نا کافی بوده و نوزاد را تکافو نمی‌نماید و مادر تحت فشار هم نمی‌تواند با اعصاب راحت، مهر و محبت لازمه را برای کودک خویش اعطا نماید، در نتیجه کودک از عواطف مادری قسماً محروم می‌گردد و به عقیده عده‌ای از دانشمندان محرومیت کودک از عواطف مادری در چند ماه اول زندگی یکی از علل ابتدا به مرض (جنون جوانی) در دوره بلوغ می‌شود. طرز شیردادن کودک نیز در تشکیل شخصیت وی نقش مهم را ایفا می‌کند از شیر بازداشتن طفل اگر به طور ناگهانی و با اعمال خشن صورت گیرد و یا با طرد توأم باشد رشد عاطفی طفل را دچار وقفه می‌نماید.

از هشت ماهگی که به تدریج تکوین شخصیت کودک آغاز می‌شود و کودک با حفظ رابطه پیوند و همبستگی با مادر، و تفاوت خود را با اطرافیان درک می‌نماید. در همین دوره مادر، رابطه اجتماعی را با امر و نهی به او می‌آموزاند که این به مثابه اولین درس‌های آموزش خانوادگی پایدارترین آموزش در طول حیات یک فرد به حساب می‌رود. تماس دائمی مادر در تکوین شخصیت کودک بسیار مؤثر می‌باشد، خصوصیات اخلاقی در افکار کودک، تحت تاثیر عقاید و افکار مادر قرار دارد. طرد، تنبیه و خشونت علیه یک طفل، در سال‌های اولیه زندگی وی، منجر به نارضایتی و رفتار منفی او گشته و ممکن است در سنین جوانی سبب بروز حالات خطرناک در وی گردد.

اطفالی که از مراقبت و نوازش مادر محروم بوده و در پرورشگاه‌ها نگهداری می‌شوند با این که از نظر جسمی بر طبق اصول علمی از آنها مراقبت هم صورت گیرد، اما محرومیت از نوازش و محبت مادر منجر به عدم ارضای روان آنها گردیده و تکوین شخصیت آنها را اختلال می‌نماید. مراقبت مادر از فرزندان‌اش، قابل مقایسه با هیچگونه مراقبتی نمی‌باشد. اطفالی که در غیاب مادر به افرادی چون دایه و مستخدم و همسایه و غیره سپرده می‌شوند به اختلال عاطفی دچار گشته و در دوره‌های مختلف حیات، به آسانی تحت تاثیر و تلقین دیگران قرار می‌گیرند.

طرف دیگر مسئله، اثرات غیر قابل انکار اعمال و کردار و گفتار پدر بالای اخلاق و روحیه اطفال است، پدر من حیث دومین شخصیتی است که در تکوین شخصیت طفل نقش بسیار ارزنده را بازی می‌نماید، پدر با آمریت خود، طفل را برای اطاعت از مقررات و قوانین اجتماعی آماده می‌سازد. در حقیقت رابطه طفل با پدر، اولین تجربه انطباق حیات فرد با جامعه می‌باشد. حضور پدر در خانواده اثرات مهم و ارزنده را دارا می‌باشد، عواقب اثرات روانی آن در دوره بلوغ و بزرگسالی قابل ملاحظه بوده محسوس و ملموس می‌باشد.

همان گونه که زیاده روی پدر در محبت، اثر روانی آمریت وی را از بین می‌برد، طفل نازپرورده بارآمده خود خواه، زود رنج و ترسو بزرگ می‌شود، حتا در دوره بلوغ نیز جامعه را چون منزل و محیط خانواده خود انگاشته و انجام هر امری را برای خودش مجاز می‌داند، احساس انتقاد پذیری را کمتر در خود جست و جو می‌کند به قوانین و مقررات بی تفاوت بوده و بی اعتنا می‌باشد. ارتکاب اعمال مخالف نظم و آداب را امر عادی تلقی کرده، و عدم رعایت نظم و مقررات اجتماعی را برای ارضای خاطر خود خواه خود، عمل مجاز می‌داند و حتا بدان می‌نازد. به همین گونه نفاق، ناسازگاری و مشاجرات والدین و اعمال خشونت بار، آثار شومی در روان طفل باقی می‌گذارد، طفل به علت عدم آرامش روانی به تعلیم و تحصیل و کار بی‌علاقه بوده، دایماً مضطرب و پریشان می‌باشد، ثبات و استقرار نداشته و ناراحت می‌باشد و اثرات این ناراحتی‌ها بعداً در سنین بلوغ و بزرگ سالی به صورت عصیان، پرخاشگری، سرکشی از

مقررات و قوانین اجتماعی بی تفاوتی، انزوا و گوشه نشینی ظاهر گشته و منجر به ارتکاب جرایم مختلف می‌گردد.

طلاق و جدایی زن و مرد، که در بسیاری از موارد خشونت خانوادگی، منعیث یگانه راه حل تصور می‌شود، به ذات خودش خشونت جدیدی است که بر روح زن، مرد و اطفال شان چیره می‌گردد. جدایی بین پدر و مادر سبب اضطراب و نگرانی خاطر فرزندان آنها می‌گردد، به صورت دقیق نمی‌توان تعیین کرد که در موقع جدایی پدر و مادر، طفل به کدام یک از آنها بیشتر انس و علاقه داشته است، و از اثر محرومیت از دیدار پدر و یا مادر، طفل احساس فقدان محبت وی را کرده و ناراحتی روانی وی با نتیجه عکس عمل‌های چون بدخلقی، اعصاب خرابی، تمرد از اوامر، ناسازگاری و عدم انطباق اجتماعی بروز می‌کند.

از هم گسیختگی خانواده‌ها، دختران را به سوی فرار از منزل، گریز از مکتب و ولگردی می‌کشاند و در پسران بیشتر باعث کوچه گردی شده، کوچه و بازار بر محیط خانواده از هم پاشیده ترجیح می‌یابد، بیشتر این پسران از خود و دیگران نفرت پیدا کرده بی باک و بی پروا بار آمده و بیشتر در باندهای خطرناک راه یافته و با قبول عضویت چنین باندها به سوی ارتکاب جرایم مختلف کشانیده می‌شود. قطع خشونت و یا تضعیف آن بالای زنان به مثابه رفع یکی از عوامل ارتکاب جرم و عنصر باز دارنده، می‌تواند یکی از راه‌های مطلوب باشد که جامعه را به طرف وقایه جرایم و یا حداقل نزول گراف ارتکاب جرایم پیش ببرد.

مگر چگونه و چه وقت می‌توان به خشونت علیه زن خاتمه بخشید و این رسوایی را از نظام اجتماعی بشر برچید؟ آیا راه بیرون رفت از این رسوایی بشریت را می‌توان دریافت کرد؟ بازنگری قوانین کشور، یکی از راه کارها، برای رفع خشونت بر زن پنداشته شده می‌تواند. ارگان‌های حراست حقوق باید تشویق و ترغیب گردند تا در رابطه به قطع، رفع و محو خشونت بر زنان طرح‌های پیشنهادی خویش را

با آوردن تعدیلات و قوانین موجود و طرح قوانین خاص، ارائه بدارند تا باشد زمینه بهتر و خویر زندگی آبرومند برای زنان فراهم گردد.

دولت از طریق تعویض قوانین نامناسب، به قوانین مناسب، قابل رعایت و تطبیق می تواند نقاط ضعف قوانین را شناسایی و احکام به دردبخور را که گره گشای مشکل باشد وضع نماید. هم چنین دولت می تواند با کمک و حمایت از نهادها و سازمان های غیر دولتی، در قسمت رفع و محو خشونت اقدام نماید. با ایجاد زمینه های رشد فرهنگی و اجتماعی برای زنان، آگاهی بخشیدن مردم از حقوق و مکلفیت های دینی و اسلامی شان، زندگی ابتر و نابسامان زنان را رنگ و رونق بخشد، با همکاری این نهادها به زنان این فرصت مهیا شود تا از حقوق خود آگاه شوند و زمینه های بروز خشونت محدود گردد.

مردان و نظام مردسالاری از آغاز تا اکنون منبع خشونت بر زن است بناءً برای رفع خشونت بر زنان باید به مردان و نظام مردانه متوجه شد، زیرا خشونت مسئله ای است آفریده مرد، بهتر است مرد پاسخ مسئله خشونت را در خود بجوید تا بتواند تکلیف حقوقی بن آدمی و جنس مرد و زن را مساوی درک مشکل اساسی دیگر در کشور ما، عدم موجودیت سیستم قضایی واحد، قوی و سرتاسری است، در کنار سیستم قضایی پیش بینی شده قانون اساسی ما، قوانین قبیلوی و عرفی از قوت و باور محکم بر خوردار اند.

عرف و عادات ناپسند منعی بزرگ ترین عامل خشونت بر زنان بوده که در دهات و قصبات به وسیله محاکم قبیلوی و جرگه های بزرگان و موسفیدان، تحت نام قوانین شرعی، عمل می شود. حل و فصل اختلافات و منازعات بدون آن که به محاکم قانونی رجعت یابد به وسیله همین جرگه ها با تعیین مجازات غیر انسانی چون قتل، سوختاندن، سنگسار، بد دادن و غیره صورت می گیرد که بیشتر بر جان و حیات زنان بی گناه و بیچاره تعمیم می گردد و مناسبات اجتماعی ای که بر اساس فیصله های این محاکم

محلّی ترتیب می‌شود همواره با خشونت همراه بوده و فشار بیشتر این خشونت بر دوش زنان حمل می‌شود.

تأمین امنیت، تعمیم سواد همگانی و سر تاسری، مبارزه با عرف و عادات ناپسند و حذف آنها، تقویت سیستم قضایی پیش بینی شده قانون اساسی ما، نویدهای اند که می‌توانند دامنه خشونت بر زنان را بر چیند و این‌ها تنها از طریق تحکیم حاکمیت قانون میسر است و بس. (احرار، ۱۳۹۴)

نقش جوانان در کاهش خشونت



تصویر فوق مردود بودن خشونت را نشان می‌دهد.

کاهش خشونت و اجتماع‌عاری از آن به معنای زیستن در رفاه، آزادی و به دور از تجاوز و خصومت می‌باشد. کاهش خشونت از لحاظ اجتماعی به معنای زندگی کردن در فضای عاری از تشنج، تضاد، ترس و خشونت است. کاهش خشونت در معارف انسانی و اسلامی به عنوان یک امر مطلوب و پسندیده مطرح شده است. در برخی از آیات قرآن کریم حکمت کاهش خشونت و صلح در رفع تنازع تشریح شده است «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُكَافِيا خَشَوْنَتَا بَيْنَهُمَا كَاهَشَ خَشَوْنَتَا وَالْكَاهَشَ خَشَوْنَتَ خَيْرٌ».

بنابراین جامعه کاهش خشونت آمیز عبارت از جامعه‌ی است که شهروندان آن از امنیت فزاینده، روانی و اقتصادی برخوردار بوده و به دور از هر نوع تبعیض، دسترسی به عدالت، حقوق و خدمات داشته باشند.

افغانستان کشوری است که رقم درشت از نفوس آن را جوانان تشکیل می‌دهند. همه می‌دانیم جوانان تحصیل کرده و متخصص ظرفیت و توانایی ایجاد تغییر و دگرگونی در سطح ملی و بین‌المللی را دارند و منبع مهمی از خلاقیت و محرک دگرگونی‌های اجتماعی به شمار می‌روند؛ اما متأسفانه امروز جوانان از تلاش‌هایی که در سطح ملی و بین‌المللی به خاطر تامین کاهش خشونت و حل و فصل منازعات صورت می‌گیرد به حاشیه رانده شده‌اند. داشتن جوامع کاهش خشونت آمیز، به هم پیوسته و متحرک مستلزم حضور و اشتراک هدفمند جوانان می‌باشد. اشتراک فعالانه جوانان در روند کاهش خشونت یک امر حتمی است. اگر چه هموطنان عزیز ما از مدت‌ها به این سو در نتیجه مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مشقات زیادی را متحمل گردیده‌اند؛ اما قشر جوان با شور، شوق و علاقمندی فراوان تمام تلاش‌های خویش را بر روی ساختن یک آینده بهتر و عاری از خشونت آمیز متمرکز ساخته‌اند.

براساس آمارهای منتشر شده، دو بر سه حصه کل نفوس افغانستان را جوانان تشکیل می‌دهد و این جوانان محرک اصلی پیشرفت‌های نژده سال گذشته در افغانستان بوده‌اند. رسانه‌ها یکی از مثال‌های برجسته در این زمینه می‌باشد. همچنان جوانان در تامین وحدت ملی که مستقیماً بالای کاهش خشونت اثر مثبت می‌گذارد نقش خویش را به وجه احسن انجام داده‌اند. عدالت و کاهش خشونت زمانی تامین می‌گردد که ریشه تمام تعصبات و تبعیض‌ها خشکانیده شود. تا زمانی که متحد و یکدست نشویم کاری از پیش نخواهیم برد. جوانان افغانستان معتقدند که کشورمان به روزهای تاریک گذشته بر نخواهد گشت و آنان خواهند توانست با تلاش و پشتکار شباروزی خویش اساس افغانستان نوین و

مترقی را بگذارند. ترویج و نهادینه سازی روحیه ملی در میان جوانان می تواند در این زمینه کمک خوبی به شمار آید.

نسل جوان امروز جداً نگران سرنوشت شان به عنوان قربانیان واقعی جنگ تحمیلی هستند؛ آنها درک کرده اند که من حیث نسل تأثیرگذار مسوولیت تاریخی بس خطیری را نسبت به آیندگان بر دوش دارند. کاهش خشونت و گفت و گوها بر سر آینده کشور و آینده نسل جوان است و افغانستان آینده‌ای جز جوانان ندارد. بدین ترتیب بوجود آمدن جامعه عاری از خشونت پایدار در کشور مستلزم اشتراک و حضور جوانان در روند کاهش خشونت است. ما باید مواد قطعنامه شماره ۲۲۵۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد جایگاه جوانان در تامین صلح و کاهش خشونت و ثبات جهانی را جداً رعایت نموده و نقش جوانان افغان را در سطوح پالیسی سازی و تصمیم گیری‌های کلان در نهادهای دولتی و بین‌المللی نباید نادیده بگیریم. جوانان افغانستان نقش بسزای در آوردن کاهش خشونت و امنیت دارند.

بنابراین، در جریان پروسه کاهش خشونت باید به مطالبات نسل جوان به شکل جدی توجه صورت گرفته و خواسته‌های جوانان نباید نادیده گرفته شود. از طرف دیگر جوانان نیز باید در مسایل مهم ملی حساس بوده و آگاهانه و فعالانه نقش شان را در روندهای سیاسی و ملی ایفا کنند. توجه یکجانبه به جوانان و خواسته‌های آنان کارساز نیست؛ بلکه جوانان نیز باید نسبت به قضایا برخورد مثبت داشته باشند و عملکرد مؤثر خودشان را در فرایندهای ملی نشان بدهند. این کار ممکن نیست؛ مگر این که جوانان اولاً، دانش علمی خود را در مسایل مختلف بالا ببرند؛ ثانیاً، ظرفیت‌های مسلکی و توانایی‌های عملی خود را در پیشبرد پروسه‌های ملی و از جمله پروسه کاهش خشونت به اثبات برسانند. جوانان زمانی می‌توانند نقش و کارکرد مثبت خود را در فرایندهای ملی ایفا کنند که توانایی انجام مسوولیت‌های مهم را داشته باشند (روزنامه افغانستان، ۷ حوت ۱۳۹۷).

یافته‌های تحقیق

در این تحقیق ۷ تن پیرامون خشونت مصاحبه عمیق صورت گرفته است. در این تحقیق چهار پرسش با فارمت تحقیق کیفی (پرسش‌های باز و بسته) از مصاحبه شونده‌ها به صورت جداگانه پرسیده شده و دیدگاه‌های هر یک در زمینه نقش جوانان در کاهش خشونت چیست، خشونت بر زنان بالای کودکان چه تاثیر دارد، عوامل خشونت در جامعه چیست و کدام عوامل باعث خشونت در جامعه می‌شود به بحث گرفته شده است که در نتیجه از جریان مصاحبه و اخذ جوابات سوالات متذکره موارد زیر یافتیم:

چون جوانان افراد مستعد، نیرومند و دارای توانای فزیک و ذهنی بالا و از حوصله‌مندی کامل برخوردار و متحمل با هر نوع فشارها بوده، از این رو می‌توانند در ابعاد مختلف در کاهش و از بین بردن خشونت موثر باشند، همچنان برای کاهش خشونت در جامعه لازم است تا روی تغییر ذهنیت افراد تحصیل یافته‌گان نیز باید کار کرد زیرا تنها افراد بی‌سوادان نیستند که خشونت می‌کنند، بلکه در بعضی موارد دیده شده است که تحصیل یافته‌گان علوم و فنون نیز به خشونت دست می‌زنند.

جدول اشتراک کنندگان تحقیق

اسم	سن	جنس	شغل	محل وظیفه
محمد سالم	۴۲	مرد	داکتر	شفاخانه لایتی کاپیسا
عبدالصیر	۳۷	مرد	معلم	لیسه وحدت، شهر کابل
عبدالفرهاد	۴۳	مرد	ثانوال	معینت مواد مخدر، کابل
محمد هارون	۳۷	مرد	استاد ددانشگاه	دانشگاه البیرونی، کاپیسا
آرزو	۲۶	زن	معلم	لیسه پامیر، کابل
سعیدیه	۲۶	زن	استاد تربیه معلم	تربیه معلم ولایت کاپیسا
ملاحت	۲۹	زن	معلم	لیسه ذاکرین، کابل

نتیجه‌گیری

وقتی در یک جامعه، میزان خشونت افزایش می‌یابد، این خشونت در شکل‌های مختلف در سطح جامعه به صورت یک عرف پذیرفته شده در می‌آید، بدون شک باید دلایل بروز آن را در لایه‌های بنیادی تر فردی یا اجتماعی آن جامعه مورد بررسی قرار داد. خشونت وجه منفی ذهن و روان انسان است که عوامل متعددی در شکل‌گیری آن نقش دارند. عصبانیت، تهدید، تخریب شخصیت و تهاجم به آنچه که در جامعه طبیعی تلقی می‌شود، اشکال متفاوت خشونت است که گاه می‌تواند جسم و روان فرد را تحت تاثیر قرار دهد و به آن آسیب برساند.

اصولاً از فردی سالم، نمی‌توان انتظار رفتارهای خشونت آمیز یا پرخاشگرانه داشت درحالی که شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که گاهی در روابط اجتماعی تان از سوی آنها با رفتارهای خشونت آمیز روبرو شده باشید در حالی که چنین انتظاری از آنها ندارید. اغلب این افراد به ظاهر سالم، دچار اختلالات شخصیتی، اضطراب و آزدگی هستند که برای تخلیه خود از رفتارهای خشونت آمیز کلامی یا رفتاری استفاده می‌کنند.

شایع ترین نوع اختلالات شخصیتی که منجر به بروز خشونت می‌شود، در افراد مبتلا به اختلالات سایکوپات که شخصیتی ضد اجتماعی دارند، قابل مشاهده است. البته خشونت در بیماران روانی یا کسانی که از مشکل روان پزشکی عمده ای رنج می‌برند، نیز ممکن است دیده شود که معمولاً این نوع رفتار، تحت تاثیر توهمات و هذیان‌های ناشی از بیماری است که گاهی با آسیب نیز همراه است. خشونت علیه زنان به معنای اعمال هر گونه خشونت بر اساس جنسیت است که پیامد احتمالی آن صدمه یا آزار فیزیکی، جنسی، روانی، مالی، آموزشی، سیاسی و اجتماعی باشد، صرف نظر از این که در محیط‌های عمومی و یا در زندگی خصوصی رخ دهد.

داشتن جوامع کاهش خشونت آمیز، به هم پیوسته و متحرک مستلزم حضور و اشتراک هدفمند جوانان می‌باشد. اشتراک فعالانه جوانان در روند کاهش خشونت یک امر حتمی است. جوانان در تامین وحدت ملی که مستقیماً بالای کاهش خشونت اثر مثبت می‌گذارد نقش خویش را به وجه احسن انجام

داده اند. عدالت و کاهش خشونت زمانی تامین می گردد که ریشه تمام تعصبات و تبعیض ها خشکانیده شود. تا زمانی که متحد و یکدست نشویم کاری از پیش نخواهیم برد.

جوانان افغانستان معتقدند که کشورمان به روزهای تاریک گذشته بر نخواهد گشت و آنان خواهند توانست با تلاش و پشتکار شباروزی خویش اساس افغانستان نوین و مترقی را بگذارند. ترویج و نهادینه سازی روحیه ملی در میان جوانان می تواند در این زمینه کمک خوبی به شمار آید. بوجود آمدن جامعه عاری از خشونت پایدار در کشور مستلزم اشتراک و حضور جوانان در روند کاهش خشونت است. ما باید مواد قطعنامه شماره ۲۲۵۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد جایگاه جوانان در تامین صلح و کاهش خشونت و ثبات جهانی را جداً رعایت نموده و نقش جوانان افغان را در سطوح پالیسی سازی و تصمیم گیری های کلان در نهاد های دولتی و بین المللی نباید نادیده بگیریم.

جوانان افغانستان نقش بسزای در آوردن کاهش خشونت و امنیت دارند. بنابراین در جریان پروسه کاهش خشونت باید به مطالبات نسل جوان به شکل جدی توجه صورت گرفته و خواسته های جوانان نباید نادیده گرفته شود. از طرف دیگر جوانان نیز باید در مسایل مهم ملی حساس بوده و فعالانه نقش شان را در روندهای سیاسی و ملی ایفا کنند.

مأخذ

۱. قرآنکریم
۲. آرلولد، سیر توماس. (۱۹۷۰). الدعوه الی الاسلام. ترجمه ابراهیم حسن و شرکاه، التهضه المصریه و القاہر.
۳. احرار، انیسه. (۱۳۹۴). مؤسسه فرهنگی، تهرانو ایران
۴. ارغوان صلح. (سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۷). فصل نامه علمی - تحقیقی، مرکز صلح دانشگاه البیرونی. کاپیسا، افغانستان.
۵. حسنی، علی آقا. (۱۳۸۹). همزیستی مسالمت آمیز از دیدگاه اسلام.

۶. دهخدا، علی اکبر: لغت نامه دهخدا. دانشگاه تهران.
 ۷. روزنامه. (۲۰ حمل ۱۳۹۸). کابل افغانستان.
 ۸. روزنامه. (۷ حوت ۱۳۹۷). کابل افغانستان.
- قابل دسترس در <http://www.yaserziaee.blogfa.com/post/1769>
۹. مجددی، نجیب الله. (۱۳۹۷). جایگاه صلح و همزیستی مسالمت آمیز از دیدگاه اسلام. مرکز صلح دانشگاه البیرونی، کاپیسا، افغانستان.
 ۱۰. فرهنگ معین

نقش دختران دانش آموز دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه البیرونی در تقویت فرهنگ صلح

پوهنیار محمد وسیم آرین

دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه البیرونی

چکیده

هدف این مقاله تعیین میزان تأثیر نقش دختران دانشجو، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه البیرونی در ترویج فرهنگ صلح اجتماعی است که با استفاده از روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی در جامعه آماری شامل ۵۰۰ نفر و نمونه آماری ۷۰ تن انجام شده است. ابزارهای گردآوری اطلاعات پرسشنامه است که محقق ساخته است. اهمیت این تحقیق در آن است که محیط آکادمیک دانشگاه البیرونی به چه میزان در کاهش مشکلات و ناهنجاری‌های جامعه اثرگذار بوده و نقش دانشجویان دختر در تقویت فرهنگ صلح چگونه می‌باشد. بر این مبنا محقق در پی چگونگی جایگاه دانشگاه البیرونی در ترویج و تقویت فرهنگ صلح در میان دانشجویان می‌باشد. فرض بر این است که بین نقش دانشجویان دختر در ترویج، تقویت فرهنگ صلح و کاهش خشونت‌ها در محیط دانشگاه البیرونی رابطه‌ای مستقیم وجود داشته و میزان تأثیرگذاری دانش‌آموخته‌گان در راستای پذیرش و احترام گذاشتن به سبک‌های دیگران در سطح مطمئن قرار دارد. نتایج حاصله از این تحقیق بیانگر این است که اکثر دانشجویان دختر علی‌رغم میزان پابندی و احترام به مؤلفه‌های هویت فرهنگی، ملی، مذهبی و قومی در روابط و مناسبات خویش روش‌های خشونت‌آمیز را مردود دانسته و در همزیستی مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند.

واژگان کلیدی: هویت؛ صلح؛ فرهنگ؛ همدیگرپذیری؛ خشونت

تحصیلات عالی به عنوان مهمترین مرجع تحصیلی بیشترین موثریت را در راستای تقویت و ترویج فرهنگ صلح در ابعاد سیاسی، ساختاری و اجتماعی دارا می‌باشد که ابعاد سیاسی و ساختاری صلح در حیطه بحث پژوهش قرار نداشته و تنها محور بحث درین پژوهش علمی ترویج فرهنگ صلح اجتماعی است. از آنجائیکه دانشجویان دختر کمتر از نصف پیکر هر نظام تحصیلی بویژه دانشگاه بیرونی را تشکیل می‌دهند، نقش آن‌ها در تقویت و ترویج فرهنگ صلح بدون تاثیر نخواهد بود. نظام آموزشی مجموعاً در زمینه حل منازعات و ترویج همدیگرپذیری در دوره‌های ابتدائیه، متوسطه، ثانوی و عالی تلاش‌های پیگیر، مستمر و همه جانبه را انجام می‌دهد. دانشکده‌های تحصیلی بویژه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه بیرونی در کاهش خشونت و تقویت صلح اثرگذار می‌باشد. بناً صلح چیزی نیست که رسیدن بدان ناممکن باشد، همه اختلافات و تشنجات میان دانشجویان دختر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه بیرونی راه‌هایی داشته و در نهایت می‌تواند منجر به صلح پایدار شود. تأمین نیروی انسانی کارآمد و بهره‌وری افراد با فراگیری موضوعات صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در سطوح بالای تخصص از یک‌طرف و از جانب دیگر گسترش مرزهای ترویج فرهنگ صلح از مرز دانشکده بدوش دانشجویان این دانشکده است. بنابراین می‌توان گفت که دانشجویان دختر در دانشکده و دانشگاه نقش اساسی را در مولفه کلیدی توسعه و تقویت صلح خواهند داشت.

برقراری عدالت و عدم تبعیض از راه تعلیم و ترویج مفاهیم صلح‌آمیز می‌تواند نوید بخش استفاده از این آموزه‌ها در زندگی آینده افراد باشد. آموزش صلح می‌تواند به نقش دانشجویان (دختر) جهت ترویج و تحکیم صلح کمک کند تا دانش و مهارت‌های لازم را برای یک زندگی صلح‌آمیز بیاموزند و این دانش و مهارت را در خوابگاه (لیلیه)، صنف، محیط دانشگاه، خانواده، تعاملات اجتماعی و در سطوح ملی به کار گیرند. این‌براین لازم است که برای

آموزش ترویج و تقویت صلح نه تنها به عنوان یک مفهوم وسیع، بلکه به عنوان یک واقعیت ملموس، از همه منابع و امکانات استفاده شود.

پیچیدگی و تنیدگی روابط افراد و اقوام مختلف که هرکدام دارای فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای متفاوتی هستند، تدوین و ترویج مبانی صلح‌آمیز برای جلوگیری از بروز خشونت و تعارض در همه سطوح فردی، گروهی و ملی یک چالش محسوب می‌شود. اگر نظام‌های تعلیم و تربیت از مسئولیت‌های خود در حوزه تقویت صلح و تربیت شهروندان صلح‌جو اجتناب ورزند، هیچ‌گاه شاهد توقف خشونت و جنگ‌ها نخواهیم بود. در این میان دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی، دانشجویان بویژه (دانشجویان دختر) نیز از نقش بی‌بدیلی در توسعه فرهنگ صلح و همزیستی برخوردارند. دانشگاه‌ها فرصت‌هایی استثنائی برای توسعه، تقویت و ترویج فرهنگ صلح برای دانشجویان در اختیار می‌دهند که می‌توانند رسیدن به صلح پایدار را تحقق بخشد.^۲

پس جایگاه و اهمیت نقش دانشجویان دختر در دانشگاه البیرونی دفاع از حقیقت، کمک به یادگیری انواع صلاحیت‌های زیستی، توانایی‌ها و مهارت‌های مطلوب زندگی، بهبود کیفیت زندگی، توسعه مهارت شهروندی، تقویت مهارت زندگی با دیگران، رشد تساهل و مدارا، آموزش صلح دوستی و چگونگی زندگی با مخالفان، رشد احساس مسئولیت اجتماعی، چگونگی رعایت حقوق دیگران و مواردی از این دست نیز از جمله ایجاد نگرش و باورهای مثبت در زمینه احترام به خود و دیگران و تلاش برای برقراری عدالت و عدم تبعیض از طریق آموزش و پرورش مبانی و مفاهیم و مناسبات صلح‌آمیز در دوره آموزش عالی می‌تواند نوید بخش استفاده از این آموزه‌ها در زندگی آینده افراد باشد.

افزایش خشونت در جامعه و محیط دانشگاه رفتارهایی مانند بد اخلاقی، مدارا نکردن، گرایش‌های خشونت‌بار، تلاش برای گشودن گره‌ها با بهره‌گیری از روش‌های خشونت‌آمیز میان

2. Lin J. *Love and Wisdom in Education: Transforming Education for Peace*. Peace Academic Research Library. Harvard Education Review; 2007, pp. 362-365.

دانشجویان در داخل و خارج دانشگاه؛ بیانگر آن است که افراد نمی‌توانند به اندازه کافی رفتارهای مثبت قابل انتظاری در پیش بگیرند و این موضوع نیاز به ایجاد و توسعه فرهنگ صلح مبتنی بر برابری، عدالت، مردم‌سالاری، حقوق بشر، مدارا و همبستگی در دانشگاه دارد.

Mishra بر این باور است که توسعه تفکر و نگرش مثبت در دانش‌آموزان نسبت به صلح و تقویت صلح موجب دستیابی به اهداف نهایی بهتر و جامعه‌های صلح‌آمیز در آینده خواهد شد و رفتارهای صلح‌آمیز و مثبت استادان و در تعامل با یکدیگر به موفقیت برنامه‌های آموزشی مرتبط با مقوله صلح در دانشگاه کمک می‌کند (Frasatkah, 2005: 17). واضح است که معنای گسترده صلح وجوه مشترکی دارد که از جمله این وجوه نبود جنگ است. از نظر یونسکو، صلح بر چارچوب مشترکی از ارزش‌های از جمله احترام به شأن و منزلت و حقوق انسانی، نبود خشونت، مدارا و بردباری استوار است و فرآیند مشارکت پویا و مثبتی است که در آن همگان به گفتگو کردن تشویق می‌شوند. تا تضادها و برخوردها با روح همکاری و درک متقابل حل شوند (Mishra, 47: 2015).

فرهنگ صلح زمانی برای دانشجویان اهمیت می‌یابد که آنرا به گونه یک مسأله واقعی درک کنند و مهارت‌هایی را برای حل کشمکش‌های ناشی از وجود نداشتن آن بدست آرند و بتوانند مطابق با شرایط برابر زندگی کنند. تنوع فرهنگی را درک کرده و به سایر افراد و ملیت‌ها احترام بگذارند. هدف اصلی تقویت و ترویج فرهنگ صلح، برقراری صلح میان دانشجویان روابط بین فردی، جوامع و فرهنگ‌ها است. از منظری دیگر، هدف ترویج صلح به تربیت افرادی صلحجو و مهربان بینجامد تا روابط صلح‌آمیزی با دیگران برقرار کنند، رفاه آنان را ارتقا بخشند و از بروز خشونت در محیط خود و دیگران جلوگیری نمایند. مؤلفه‌های تقویت صلح از قبیل حس همبستگی، فرهنگ گذشت و بخشش، احساس مسئولیت در برابر دیگران، شناخت تنوع و تفاوت‌های فردی، نفی تمایزات قومی، نژادی و مذهبی، و دوست داشتن دیگران بوده است. این امر در نزد دانشجویان تحصیل یافته قابل درک است.

بیان مسئله

تاریخ زیست اجتماعی بشر همواره بیانگر آن است که آدمی به واسطه تعارض در منافع، تنافر در سلايق یا به دلیل تضاد در عقاید و باورها، در شرایط تنازع و تخاصم فردی یا گروهی قرار گرفته است. با این وصف در برهه‌هایی از زمان که ماهیت و فلسفه تنازع و خشونت عقاید و باورها بوده است؛ اما در عصر حاضر، مفهوم همانند چند فرهنگی بودن در حقیقت تسهیل و تسریع فرایند تعاملات انسانی مطرح شده است. دانشگاه‌ها و نهادهای تحصیلی نیز از یکطرف مجتمع پذیرش و احترام گذاشتن به سبک‌های دیگران بوده و از جانب دیگر، اختلافات و تنش‌ها، این مراکز علمی را نیز متأثر ساخته است.

دانشگاه‌ها از مهمترین ابزارهای فرهنگی هستند که به مثابه یک نهاد نهایتاً مهم در امر تغییر در اذهان و افکار دانش‌آموزان در جهت نادیده گرفتن مسائل قومی، سمتی، قبیله‌ای نقش تأثیرگذار دارند و از جانب دیگر، نهاد های تحصیلی در راستای تقویت، تحکیم و ترویج فرهنگ صلح و همدیگرپذیری میان دانشجویان نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. نحوه تعاملات در جوامع ضعیف‌تر باعث تنش و اختلاف شده و مبنای خشونت را تشکیل می‌دهد. مقاله حاضر در صدد تبیین ابعاد ماهیت، ابعاد تأثیرگذاری جایگاه دانشگاه البیرونی در راستای تقویت و ترویج فرهنگ صلح در بین دانش‌آموزان دختر و کاهش خشونت‌ها در روابط و مناسبات زیست محیطی و اجتماعی شان می‌باشد.

هدف این تحقیق بررسی میزان تأثیرگذاری نقش دانشجویان دختر در تقویت فرهنگ صلح در دانشگاه البیرونی به عنوان اساسی‌ترین مؤلفه در راستای تقویت ارزش‌های صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌باشد، به نحوی که بتوان با شناخت دقیق ابعاد مسئله، نقش مؤثری در خنثی‌سازی تهدیدات برخاسته از رفتار دانشجویان شد. با توجه به این هدف، در این پژوهش به سؤالات مختلف در ارتباط با دانشجویان دانشگاه البیرونی پاسخ داده شده است.

اهمیت تحقیق

اهمیت این تحقیق در آن است که مسئله صلح در دانشگاه الیرونی بویژه در بین دانش آموزان دختر بیش از هر مسئله دیگری برای دانشجویان، دانشگاه و حتی بیرون از دانشگاه مهم می باشد. نقش دانشجویان دختر به عنوان شخصیت های روشن و تحصیل یافته برای ترویج فرهنگ صلح و همدیگرپذیری تاثیر گذار می باشد. از یکطرف دانشجویان بویژه دانش آموزان دختر جایگاه ویژه در کانون تحصیلات عالی (دانشگاه الیرونی) دارند. و از طرف دیگر حضور نزدیک ۱۱۷۳ تن دانش جویان دختر در این دانشگاه از اقوام و مذاهب مختلف به نحوی زمینه ساز تنش های لفظی و اختلافات شده است.

نظام آموزشی عالی در دانشگاه الیرونی از مهمترین ساز و کارها لازم برای توسعه صلح در جامعه می باشد و در جوامع امروزی صلح چنان با زندگی مردم آمیخته است که همگان خواه ناخواه با آن سروکار دارند؛ یا بر آن تاثیر می گذارند یا از آن متأثر می شوند. دانشگاه ها و تحصیلات عالی در جوامع درگیر منازعه و خشونت نقش اساسی را در صلح سازی پایدار و ترویج ارزش ها و فرهنگ صلح داشته است.

از آنجایی که دانش آموزان دختر در دانشگاه الیرونی به عنوان مهمترین مرجع تحصیلی در مقاطع و رشته های مختلف تحصیلی نقش مهمی در توسعه فرهنگ صلح و همزیستی دارند و می توانند با آموزش موضوعات اخلاقی، استقرار صلح، دفاع از حقوق بشر و ارزش های از قبیل تقویت صلح، حس همبستگی، فرهنگ گذشت و بخشش، احساس مسئولیت در برابر دیگران، شناخت تنوع و تفاوت های فردی، نفی تمایزات قومی، نژادی و مذهبی، و دوست داشتن دیگران داشته باشند و از جانب دیگر رفتارهای خشونت آمیز و برخوردهای لفظی در محیط دانشگاه و چگونگی دریافت راه های حل آنها اهمیت این تحقیق را نشان می دهد. از اینرو، اگر ما به دنبال صلح و آرامش در جامعه و خانواده ی خود هستیم، ابتدا باید به دنبال فرهنگ آن باشیم، یعنی ابتدا باید به دنبال ساخت، و نهادینه کردن فرهنگ صلح و مولفه های فرهنگ صلح در جامعه

باشیم؛ به سخنی، ما به صلح دست پیدا نخواهیم کرد مگر تحول فرهنگی بنیادینی در جامعه به وجود آید.

اهداف تحقیق

این تحقیق اهداف ذیل را دنبال خواهد کرد:

۱. بررسی نقش دانشجویان دختر در تقویت فرهنگ صلح در دانشگاه البیرونی؛
۲. بررسی نقش صلح در کاهش پابندی و وفاداری به فرهنگ خشونت آمیز در رفتار دانشجویان دختر در محیط دانشگاه؛
۳. شناخت مولفه‌ها و رویکردهای تقویت فرهنگ صلح در افزایش میزان احترام به ارزش‌ها و سبک‌های زندگی دیگران؛
۴. بررسی نقش دانشجویان دختر در کاهش میزان تعصبات قومی، سمتی و جنسی؛ و...
۵. بررسی رابطه بین تحصیلات و میزان تقویت فرهنگ صلح در بین دانش آموزان.

سوال اصلی

بر این مبنا سوال قابل طرح در این مقاله بدین ترتیب مطرح می‌شود که نقش دانشجویان دختر برای تقویت و ترویج فرهنگ صلح در دانشگاه البیرونی چگونه است؟

سوالات فرعی

- این تحقیق برای دریافت پاسخ به سوال اصلی سوالات فرعی ذیل را پاسخ خواهد گفت:
۱. صلح و همزیستی مسالمت آمیز تا چه میزان می‌تواند فرهنگ همدیگرپذیری را تقویت کند؟
 ۲. صلح تا چه میزان می‌تواند پابندی و وفاداری را به فرهنگ خشونت آمیز در محیط دانشگاه کاهش دهد؟
 ۳. تقویت فرهنگ صلح تا چه میزان می‌تواند احترام به ارزش‌ها و سبک‌های زندگی دیگران را تقویت کند؟

۴. صلح در کاهش تعصبات قومی، سمتی و جنسی به چه میزان در بین دانشجویان دختر اثرگذار است؟
۵. دانشجویان دختر در دانشگاه البیرونی تا چه اندازه در تقویت و ترویج فرهنگ صلح در بیرون از دانشگاه اثرگذار می‌باشند؟
۶. ترویج فرهنگ صلح اجتماعی تا چه اندازه می‌تواند بی‌اعتمادی و سوء ظن را میان دانشجویان کاهش دهد؟
۷. علل و عوامل رفتار خشونت آمیز دانشجویان دختر در محیط دانشگاه کدام‌ها اند؟
۸. نقش دانشجویان دختر برای تقویت و ترویج فرهنگ صلح در محیط و بیرون از دانشگاه البیرونی چگونه است؟

فرضیه

این مقاله در پی این است که بین نقش دانشجویان دختر در ترویج، تقویت فرهنگ صلح و کاهش خشونت‌ها در محیط دانشگاه البیرونی رابطه‌ای مستقیم وجود داشته و میزان تأثیرگذاری دانش‌آموخته‌گان در راستای پذیرش و احترام گذاشتن به سبک‌های دیگران در سطح مطمئن قرار دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف و ماهیت، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق شامل دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه البیرونی است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای است که محقق آن را ساخته است و داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آماری توصیفی می‌باشد. در این دانشگاه در مجموع به تعداد بیشتر از ۶۰۰۰ تن دانش‌آموز وجود دارد که از آن جمله ۱۱۷۳ تن آن‌ها را دختران شامل می‌شوند که در مقاطع و رشته‌های مختلف تحصیلی در سال ۱۳۹۸ مشغول تحصیل می‌باشند. اما جامعه آماری این تحقیق بیشتر از ۵۰۰ تن بوده که از آن جمله میزان نمونه‌گیری در آن شامل (۵۰) تن از دانشجویان

بوده که از اقوام و ولایات مختلف در رشته‌های قضا و سارنوالی و اداری و دیپلماسی مشغول تحصیل هستند. پرسشنامه‌ها شامل (۹) سوال بوده و نظریات دانشجویان در خصوص هر یک از مؤلفه‌های تحقیق را بررسی می‌کند. به منظور اطمینان بخشیدن و معتبر ساختن این مقاله از سایر منابع نیز استفاده خواهد شد.

پیشینه تحقیق

گرچه در رابطه به موضوع صلح کتاب‌ها، مقالات علمی و ژورنال‌های متعددی به رشته تحریر در آمده است. از جمله می‌توان به چند مورد آن اشاره نمود. مقاله از مرتضی نورمحمدی (۱۳۹۶) تحت عنوان نقش آموزش و دانشگاه‌ها در صلح‌سازی و مدیریت منازعات منطقه: مطالعه موردی خاورمیانه که در فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره اول، شماره بیست و سوم به چاپ رسیده است. مهمترین مسئله درین مقاله علمی ظرفیت‌سازی اجتماعی در دانشگاه‌ها می‌باشد که با موضوع تحقیق همخوانی دارد.

مقاله دیگری از آرامش شهبازی و مجید رضا مومنی (۱۳۹۶) تحت عنوان نقش نظام آموزش عالی در پیوند میان توسعه علم و تحکیم صلح، نشر شده در فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره اول، شماره بیست و چهارم، بحث در این مقاله نقش نظام آموزش عالی به عنوان مهمترین ساز و کارهای توسعه علمی و کارآمدی در کشور محسوب می‌شود که با طیف قابل ملاحظه‌ای از نسل‌های مختلف جامعه از قشر جوان، متخصص، باتجربه و پویا تشکیل می‌شود. از سوی دیگر نقش نهادهای آموزشی در تقویت فرهنگ صلح به عنوان یک امر مهم برجسته شده است. اما هیچ تحقیق علمی مرتبط به نقش دانشجویان دختر در تقویت و تحکیم صلح در دانشگاه البیرونی به چاپ نرسیده است.

ضرورت تحقیق

چون موضوع صلح یکی از اساسی‌ترین خواست‌های حیات‌ی هر جامعه و نهاد تحصیلی است. جو حاکم در این کشور نهادهای تحصیلی و دانشجویان بویژه دانشجویان دختر را نیز متأثر ساخته است.

رفتارهای خشونت آمیز در جامعه باعث شده تا این مسئله به دانشگاه سرایت کند. از یکطرف دانشگاه بیرونی به عنوان مهمترین و معتبرترین نهاد تحصیلی با در نظر داشت توانمندی‌های مادی و معنوی در تمام شرایط بهترین و متخصص‌ترین دانش آموخته‌ها را در رشته‌ها و مقاطع مختلف تقدیم جامعه نموده که افراد روشن و تحصیل یافته نقش غیرقابل پیش‌بینی را در تقویت و تحکیم صلح در داخل و بیرون از دانشگاه دارا می‌باشند و از طرف دیگر تاکنون، هیچ تحقیق علمی و اکادمیک پیرامون نقش دانشجویان دختر در جهت تقویت و تحکیم صلح در این دانشگاه تدوین نشده است. هم‌چنان لازم است که نقش دختران دانش آموخته و تحصیل یافته را در راستای تقویت و تحکیم صلح در داخل و بیرون از دانشگاه مورد بررسی قرار دهیم.

ساختار تحقیق

با توجه به سوالات و فرضیه این تحقیق، مباحث این مقاله در قالب مقدمه، پاسخ به سوالات با بکارگیری پرسشنامه‌های متعدد باز و بسته، جمع‌بندی و راهکارهای جهت تقویت و تحکیم صلح در محیط دانشگاه انجام خواهد شد.

مشکلات و موانع تحقیق

عمده‌ترین موانع و مشکلات در این مقاله علمی کمبود منابع مورد نیاز، کمبود برق و عدم مساعدبودن زمینه معیاری تحقیق می‌باشد.

مفهوم صلح

صلح به معنای آشتی، سازش، دست‌کشیدن از خشونت و جنگ، پایان خصومت، دشمنی، انتقام‌جویی می‌باشد. در اصطلاح محیط و مردم خود را در امن آوردن صلح است، به این معنی که حاصل آرامش فکری و متکی بر ثبات و برخورد مثبت با چالش‌های زندگی، که محیط ما را با آسایش و به دور از ترس و اضطراب همراه سازد صلح است. جنگ موارد چون کینه، دشمنی، توطیه، انتقام‌جویی، بی‌ثباتی و سراسیمه‌گی را افزایش داده و تنها صلح می‌تواند که بر عکس موارد متذکره

عمل کند. صلح یک امر تصادفی نیست، صلح یک هدیه نیست، صلح یک چیز ساختگی نیست و باید خود آن را بسازیم.

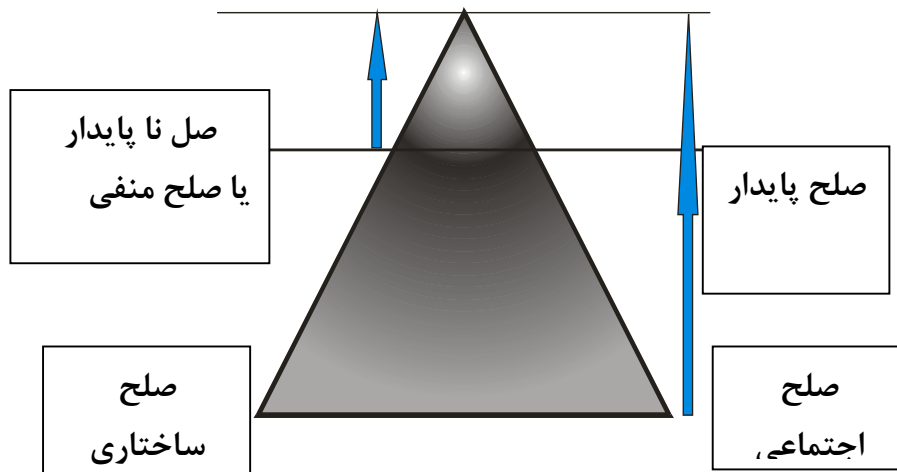
سازمان ملل متحد صلح را از زاویه فرهنگ آن چنین تعریف می کند: فرهنگ صلح عبارت از مجموعه ای از ارزش ها، نگرش ها، رفتارها و روش های زندگی است که خشونت را نفی می کند و از منازعه پیش گیری می کند و می کوشد ریشه های درگیری را شناسایی کند و از طریق گفتمان و گفتگو بین افراد آن ها را حل کند. تعریف ارایه شده در حقیقت در محور صلح اجتماعی بوده و با موضوع تحقیق مطابقت می نماید. از طرف دیگر عده از دانشمندان دیگر فرهنگ صلح را به معنای احترام گذاشتن به کرامت انسانی، رعایت حقوق بشری، پابندی به آزادی مشروع انسان ها، جلوگیری از نفرت، خشونت، حل منازعات به شیوه های مانند آشتی، مذاکره، میانجی گری و مصالحه می باشد.

تعریف صلح

نبرد خشونت با تمام ابعاد فیزیکی، کلتوری و ساختاری عبارت از صلح است. صلح ابعاد مختلف دارد که عبارتند از صلح سیاسی، صلح ساختاری و صلح اجتماعی می باشد. گرچه دانش آموختگان در سطح بالا، توانایی تحلیل و تجزیه صلح را در ابعاد مختلف دارند و به نحوی درین روند سه بعدی تأثیر گذار می باشند. صلح سیاسی و ساختاری مربوط پالیسی، برنامه ها و تصامیم نخبگان سیاسی می شود که شامل بحث در این حوزه نمی باشد. بدین وسیله کماکان صلح اجتماعی موضوع بحث این پژوهش می باشد. ابعاد صلح در جدول (۱) نشان داده شده است.

صلح سیاسی

جدول (۱): ابعاد صلح



صلح اجتماعی عبارت از استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز در روابط و رفتار در جامعه می‌باشد. به عبارتی دیگر صلح فرهنگی عبارت از نبود خشونت در اذهان، احساسات و ارزش‌ها می‌باشد. مثال نبود نفرت، کینه، حسد، کدورت، تحمل و... می‌باشد.

نقش تحصیلات عالی در تحکیم صلح

مسئله علم و دانش یک امر حیاتی، اساسی، بنیادین و زیربنایی است. پیشرفت جوامع بشری به تناسب پیشرفت دانش بستگی توأم با ارزش‌های صلح دارد. تحصیل جایگاه و منزلت یک انسان را در جامعه تثبیت نموده و در راستای تحقق صلح مفید واقع می‌شود. شخصیت‌های روشن و تحصیل‌یافته می‌توانند موثر و مفید در راستای کاهش نابسامانی‌های جامعه قرار بگیرند. تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، مستمر و ثمربخش شان در جهت مبارزه علیه تندروی‌ها و افراطیت نیز اثر گذار می‌باشد.

در کل اهمیت دانشگاه‌ها بویژه دانشگاه‌های بیرونی چنین است که آموزش مهمترین عامل برای همزیستی، همدیگرپذیری، حفظ و گسترش صلح، پیشگیری از خشونت و منازعه محسوب می‌شود؛ تحصیلات عالی عامل اساسی دگرگونی منازعه بوده و منازعه را در هر مرحله که باشد دگرگون

می‌سازد؛ تحصیلات عالی فکتور بنیادی برای بهره‌گیری از شیوه‌ها و روش‌های مسالمت‌آمیز برای مدیریت تنش‌ها می‌باشد؛ دانشگاه‌ها به عنوان یک نهاد راهبردی در پرورش و آموزش سرمایه اجتماعی، ظرفیت‌سازی اجتماعی و تربیت افراد پابند به فرهنگ صلح را بر عهده دارند؛ نقش نهادهای تحصیلی در توسعه و گسترش ارزش‌های صلح، صلح‌پروری، فراهم ساختن بسترهای مناسب برای زندگی مسالمت‌آمیز، رسیدن قربانیان به حقوق اصلی‌شان، تعمیم عدالت، برابری، آزادی، رشد فضای دموکراتیک اجتناب‌ناپذیر است. آموزش صلح از طریق مکاتب و دانشگاه‌ها مؤثریت بیشتری دارد. تدریس صلح در مضامین دینی، تاریخ، جغرافیا، ساینس و ادبیات و در رشته‌های سیاست، روانشناسی و جامعه‌شناسی می‌تواند انگیزه‌های درونی صلح را تقویت بخشد و منجر به صلح مثبت شود.

کارگزاران صلح

مجریان صلح در محور نهادهای کوچک و بزرگ نقش خود را بازی می‌کنند. این نهادها شامل خانواده، جامعه، جامعه مدنی، احزاب سیاسی، دولت، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای تحصیلی می‌باشد که از جمله دانشگاه‌ها نقش اساسی و بنیادی را در ترویج ایجاد فضای احترام متقابل، پایان خشونت و برقراری روابط دوستانه بازی می‌کنند. مکتب و کلیه محیط آموزشی تاثیرهای پنهان و آشکاری را اعمال می‌کند. تعلیم و تربیت در دانشگاه قالب خاصی از ترویج فرهنگ صلح و همدیگرپذیری در ذهنیت دانشجویان به وجود می‌آورد.

دانشگاه‌ها و ظرفیت‌سازی اجتماعی

بارتال و روزن پنج فرآیندی که می‌تواند در راستای آموزش غیرمستقیم صلح به کار

رود، ذکر میکنند:^۳

^۳. مرتضی، نورمحمدی. (۱۳۹۶). نقش آموزش و دانشگاه‌ها در صلح‌سازی و مدیریت منازعات منطقه: مطالعه موردی خاورمیانه. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره بیست و سوم، ص ۱۹۱.

- **تفکر بازانديشانه:** به توانايي و قابليت مسلم و مفروض محصلين بستگي دارد که هيچ دانشي و بلکه ملاحظه و بررسي دوباره بدليل هاي گوناگون براي رسيدن به استنباطها، تصميمات يا ارزيابي هاي معتبر اشاره دارد.
- **سازش:** به رسميت شناختن و پذيرش حقوق تمام افراد و گروهها از نظر داشتن افکار، نظرات، ايستارها، خواستهها و رفتارها، به علاوه اين مسئله فرصتي براي ملاحظه ديدگاههايي که با باورهاي اجتماعي غالب در منازعه تعارض دارند و توسعه ديدگاههاي بدليل درباره منازعه را تشويق مي کنند، فراهم مي کند.
- **يکدلي قومي:** توانايي يک شخص يا يک گروه براي تجربه آنچه گروه قومي ديگر احساس مي کند يا مي انديشد و اين قابليت را ممکن مي سازد اعضاي ساير گروهها را به عنوان آحاد بشري در نظر گرفت، که مي توان به آنها اعتماد کرد و اهداف و نيازهاي مشروعي دارند و کساني که با آنها مي توان روابط صلح آميز برقرار کرد.
- **حقوق بشر:** هدف اصلي آموزش براي حقوق بشر افزايش احترام به نسل جوان براي حقوق بشر است. حقوق بشر با کرامت اشخاص ارتباط دارد و حقوق مدني، سياسي، اجتماعي، اقتصادي، فرهنگي و زيست محيطي و توسعه هاي را شامل مي شود.
- **حل مناقشه:** توانايي مذاکره، ميانه جی گری و حل مسائل در بستر منازعه با همکاري افراد ديگر و کمک گرفتن نقش آموزش و دانشگاهها در صلح سازي و مديريت از افراد در شکل دادن به رويکرد سازنده مسالمت آميز است. در اين مدل، هنگامي که خشونت مستقيم کماکان اتفاق مي افتد و هنگامي که اکثريت مردم هنوز هم از فرهنگ منازعه تغيير دادن باورها، ايستارها، ارزشها و رفتارهاي اجتماعي پشتيباني مي کنند، هدف است. دانشگاهها

اقدامات مفید و مؤثر را در روند تحکیم صلح ایفا می نمایند که از آن جمله به سه مورد آن

اشاره می شود: ۴

□ **اقدامات پیش گیرانه:** این اقدامات متمایل به پیشگیری از منازعه و موقعیت های خشونت

آمیز از طریق برگزاری کنفرانس ها، سیمینارها، چاپ و نشر مقالات علمی در باره صلح به

هدف ترویج فرهنگ صلح شامل می شود.

□ **اقدامات تعدیل کننده:** این اقدامات متمایل به مدیریت منازعه و خشونت از طریق دستیابی

به مسیرهای صلح ساختاری تاکید دارد.

□ **اقدامات درمان گرایانه:** هدف عمده این اقدامات درمان و بازسازی پیوندهای اجتماعی بر

مبنای همبستگی و یک پارچگی مردم است. مثلا داکتر مریض را تداوی و توصیه می کند،

علاج جامعه را نهادهای تحصیلی به عهده دارند.

نقش تحصیلات عالی در کاهش خشونت

خشونت عبارت است از رفتارها، عمل کردها، الفاظ، ذهنیت ها، سیستم ها و ساختارهایی که مانع

رسیدن مردم به استعداد های عالی آنها است، که باعث زیان های فزینگی، روانی، اجتماعی و محیطی

می گردد. تحصیلات عالی و نهادهای تحصیلی نقش ویژه در تأمین صلح و کاهش خشونت ها را دارا

می باشد. صلح در حوزه خشونت عبارت از عدم موجودیت خشونت های فزینگی، ساختاری و

اجتماعی است. ۵

خشونت اجتماعی (ذهنی): در هر منازعه ذهنیت های اطراف ذیدخل از منازعه متفاوت

است، ورنه منازعه بی رخ نمی دهد. این ذهنیت ها برخاسته از محیط و بستری است که اشخاص در آن

رشد و نمو کرده شخصیت شان شکل گرفته است. مهمترین این امور عبارتند از: بی اعتمادی، تعصب،

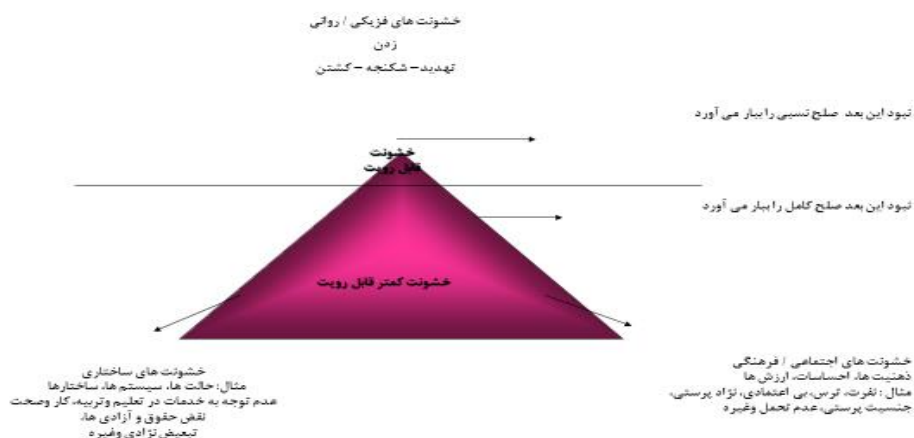
۴. آرامش، شهبازی، مجید رضا، مومنی. (۱۳۹۶). نقش نظام آموزش عالی در پیوند میان توسعه علم و تحکیم صلح. فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره اول، شماره بیست و چهارم، ص ۴۴.

۵. گروه از نویسندگان، (۱۳۹۶). آموزش صلح و حل منازعه. مرکز صلح دانشگاه هرات، ص ۷۳.

جزم اندیشی، حق پنداشتن خود و ناحق پنداشتن طرف مقابل، زور گویی، باور به خرافات، نگاه‌های قومی و گروهی، کم شمردن دیگران، غرور و تکبر و تعصب جنسیتی است.

خشونت فزیک: رفتارها معمولاً در منازعات قابل رؤیت اند در حالی که ذهنیت‌ها همانگونه که گفتیم قابل مشاهده نیستند. رفتارها هم می‌تواند عامل خشونت باشد و هم یکی از اساسی‌ترین فکتور تأمین صلح است، زیرا جو منازعه را تغییر داده و برای تأمین صلح کمک می‌کند.

خشونت ساختاری: خشونت ساختاری آن شکل از خشونت است که در آن در از طرف ساختارهای سیاسی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی خشونت صورت می‌گیرد. هم‌چنان هر یک از موارد سه‌گانه متأثر از یکدیگر می‌شوند.



جدول (۲) انواع خشونت

هم‌چنان جهت دریافت پاسخ به سوالات، محقق دو نوع سوالات را دیزاین نموده که عبارتند از: سوالات باز و بسته می‌باشد. اشتراک کنندگان با در نظر داشت جنسیت، سن، میزان تحصیلات و شغل مد نظر گرفته شده است که در جدول (۳) چگونگی مشخصات آن‌ها درج شده است.

جدول (۳): جنسیت، سن، تحصیلات و شغل اشتراک کنندگان

		آقا	خانم	جنسیت
بالاتر از ۳۵ سال	۳۰-۳۵ سال	۲۶-۳۰ سال	۱۸-۲۵ سال	سن
مستر	لیسانس	محصل	فارغ صنف ۱۲	تحصیلات
شغل آزاد	محصل	کارمند دولت	بیکار	شغل

جدول فوق بیان گر جنسیت، سن، میزان تحصیلات و شغل اشتراک کنندگان است، که در این نظر سنجی ۳۰ تن از خانم ها و به تعداد ۲۰ تن از آقایان شرکت نموده اند. اشتراک کنندگان دانشجویان صنوف مختلف در چندین پوهنحئی بوده و همه محصل بوده اند. هم چنان سن اشتراک کنندگان بین ۱۸-۲۵ سال بوده است.

برای پاسخ به سوالات تحقیق دوتنوع سوال مطرح شده که شامل سوالات بسته و باز می باشد. که سوالات بسته آن در گراف های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته و سوالات باز آن تجزیه و تحلیل شده است. ضمناً چارت شماره دوم بیان گر مؤلفه های است که اشتراک کنندگان گزینه مورد نظر شان را انتخاب نموده اند. میزان نمره دهی درین جدول از سطح بلند (۵) شروع شده و به نمره (۱) ختم می شود.

جدول (۴): میزان نمرات و مؤلفه ها

مؤلفه ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
نمرات	۵	۴	۳	۲	۱

جدول فوق بیان گر گزینه های مورد نظر است که اشتراک کنندگان یکی از گزینه های مورد نظر شان را انتخاب نموده اند که در کل نمرات آن ها بر حسب نمره ۱۵ حساب شده است. جهت تحلیل و تجزیه جدول متذکره به هریک از پرسشنامه ها در چارت های جداگانه پاسخ را دنبال خواهیم کرد.

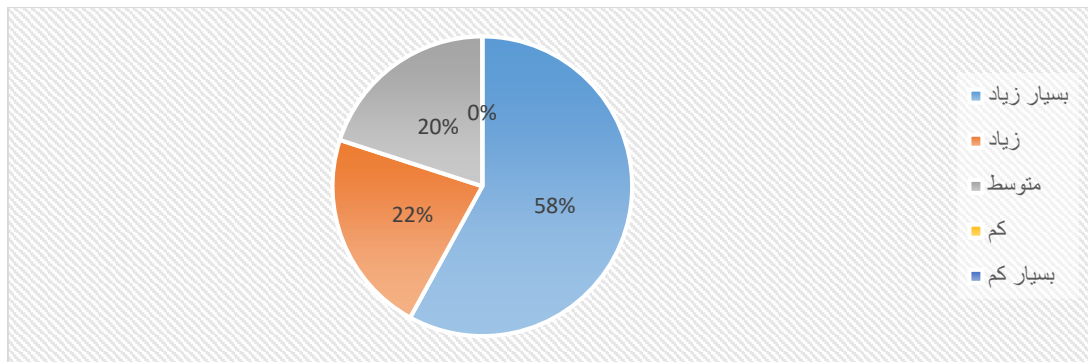
سؤال پژوهشی اول: صلح و همزیستی مسالمت آمیز تا چه میزان می تواند فرهنگ

همدیگرپذیری را تقویت کند؟

برای پاسخ به این سوال و تأثیر میزان صلح و همزیستی مسالمت آمیز در تقویت فرهنگ

همدیگرپذیری در جدول شماره (۵) نشان داده می شود.

جدول (۵): میزان تأثیر صلح و همزیستی مسالمت آمیز در تقویت فرهنگ همدیگرپذیری



نتایج این آزمون نشان داد که ۵۸ درصد از اشتراک کنندگان میزان تأثیر صلح و همزیستی مسالمت آمیز در تقویت فرهنگ همدیگرپذیری را انتخاب نموده که این مسئله بیان گر این است تأثیر مستقیم و یا غیر مستقیم فضای صلح آمیز در تقویت فرهنگ همدیگرپذیری به مراتب زیاد بوده است. در حالی که اشتراک کنندگان ۲۲٪ طرفدار مؤلفه زیاد، ۲۰٪ گزینه متوسط و مؤلفه های کم و بسیار کم به صفر تقرب نموده است. نتایج نشان می دهد که هرچقدر جو همزیستی مسالمت آمیز در جامعه حاکم باشد ریت همدیگرپذیری بالا رفته و جامعه مطلوب تر شکل می گیرد.

سؤال پژوهشی دوم: صلح تا چه میزان می تواند پابندی و وفاداری را به فرهنگ خشونت

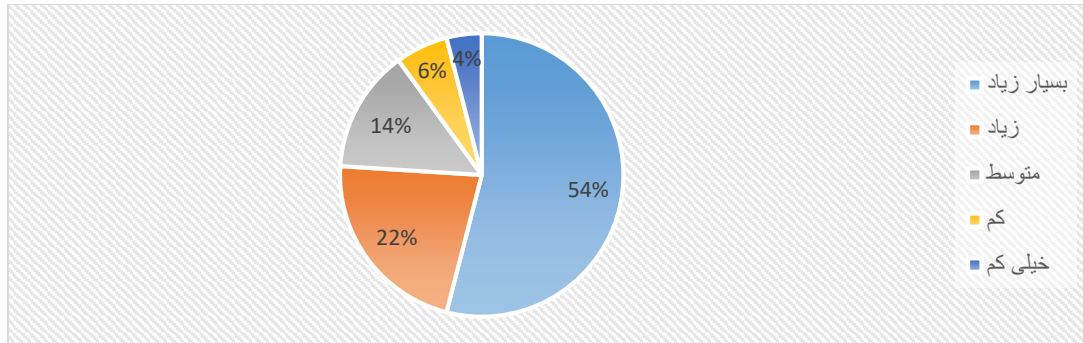
آمیز در محیط دانشگاه کاهش دهد؟

نتایج آزمون حاکی از آن است که صلح در میزان پابندی و وفاداری به فرهنگ خشونت آمیز

در محیط دانشگاه را کاهش داده است. زیرا مؤلفه تأثیر گذار درین آزمون بیان گر نقش صلح در

کاهش خشونت ها در گزینه خیلی زیاد قرار دارد. جدول (۶) نتیجه آزمون را نشان می دهد.

جدول (۶): میزان تأثیر صلح و پابندی و وفاداری به فرهنگ خشونت آمیز در محیط دانشگاه

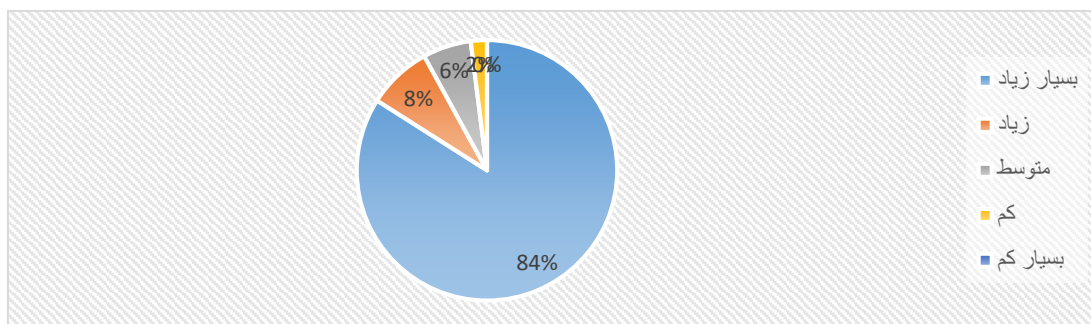


از طرف دیگر با توجه به نتایج آزمون جدول (۶)، با سطح اطمینان ۵۴٪ می توان گفت که تأثیر صلح در پابندی و وفاداری دانشجویان به فرهنگ خشونت آمیز را کاهش داده و در حد مطلوب قرار می دهد. تحلیل داده های مورد نظر بیان گر بررسی نتایج اثر گذاری ارزش های صلح در محیط دانشگاه در سطح عالی قرار داشته است.

سؤال سوم پژوهشی: تقویت فرهنگ صلح تا چه میزان می تواند احترام به ارزش ها و سبک های زندگی دیگران را تقویت کند؟

اشتراک کنندگان از نتایج قابل ملاحظه ای با توجه به تأثیر گذاری و پیامدهای ناشی از فرهنگ صلح در رابطه به احترام گذاشتن به ارزش ها و سبک های زندگی دیگران سخن گفته اند که در جدول (۷) طور زیر خلاصه می شود.

جدول (۷): میزان تأثیر تقویت فرهنگ صلح مرتبط به احترام گذاشتن به ارزش ها و سبک های زندگی



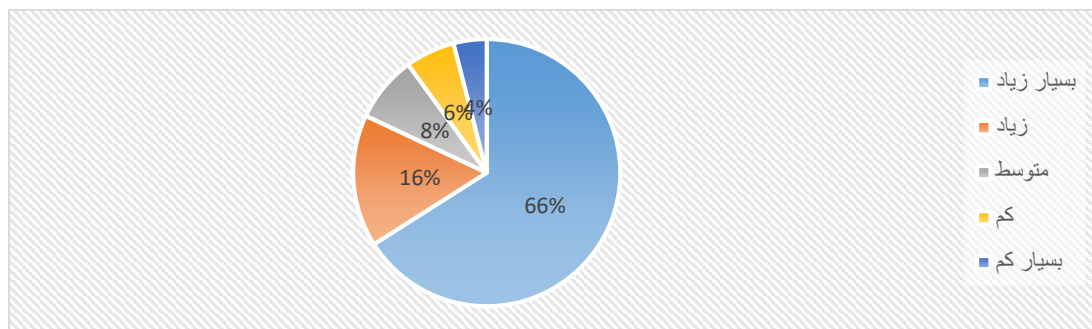
تحلیل داده های تحقیقی در ارتباط با پذیرش و احترام گذاشتن به ارزش ها و سبک های زندگی

دیگران در سطح اطمینان ۸۴٪ را نشان داده که بیشتر در محیط دانشگاه قرار دارند. این مسئله بیانگر یک امر مهم و اساسی است که آن امر آمادگی بیشتر را برای پذیرش و حرمت گذاشتن به باورها و روش‌های زندگی دیگران را نشان می‌دهد. در حالیکه میزان سایر مؤلفه‌ها در سطح پاهین قرار دارد. با این وجود، نتایج حاصله از این آزمون حاکی از آن است که در سطح اطمینان می‌توان گفت که وضع موجود آمادگی دانشجویان را برای حرمت گذاشتن به ارزش‌های دیگران نشان می‌دهد.

سؤال پژوهشی چهارم: صلح در کاهش تعصبات قومی، سمتی و جنسی به چه میزان در بین دانشجویان دختر اثرگذار است؟

نتایج آزمون جدول (۸) نشان می‌دهد که میزان پابندی و وفاداری به سبک‌های زندگی ملی، قومی، سمتی و جنسی با ترویج فرهنگ صلح کاهش پیدا می‌نماید.

جدول (۸): میزان تأثیرگذاری ارزش‌های صلح در کاهش تعصبات قومی، سمتی و جنسی

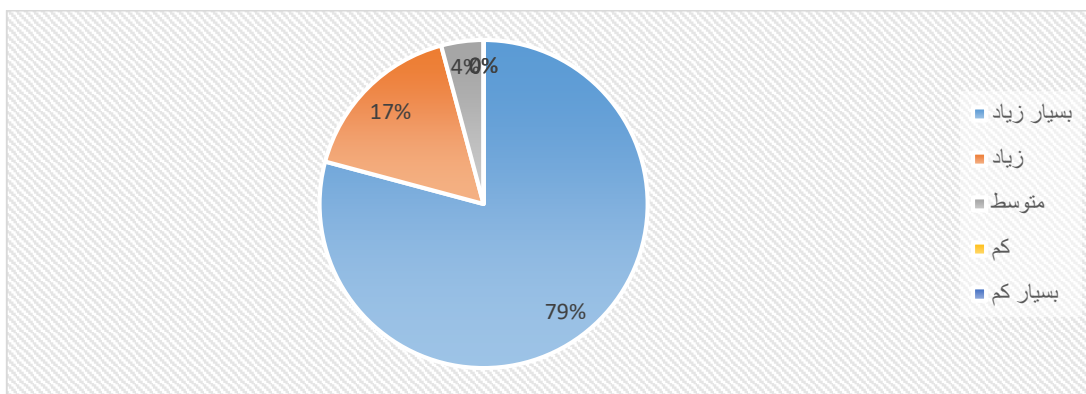


با این حال، نتایج آزمون نمونه‌ای جدول فوق نشانگر آن است که وضع موجود میزان پابندی دانشجویان را به مسایل قومی، سمتی، نژادی و قبیله‌ای کاهش داده که این مسئله مهم ناشی از تأثیرات مثبت صلح در کاهش خشونت‌ها می‌باشد. نتایج بدست آمده از آزمون نشان دهنده ۶۶ درصدی تأثیر ترویج ارزش‌های صلح را در محیط دانشگاه می‌باشد.

سؤال پژوهشی پنجم: دانشجویان دختر در دانشگاه البرونی تا چه اندازه در تقویت و ترویج

فرهنگ صلح در بیرون از دانشگاه اثرگذار می‌باشند؟

دانشگاه به عنوان مهمترین مرجع تحصیلی نه تنها در محیط دانشگاه و خوابگاه بلکه در بیرون از دانشگاه در رفتار و شخصیت دانش‌آموختگان نقش موثر و تأثیرگذار در جهت ترویج همدیگرپذیری و خودگذری دارد. رفتار مسالمت‌آمیز تحصیل‌یافته‌گان در روابط اجتماعی شان ناشی از تأثیر آموزش در خارج از دانشگاه می‌باشد. برای دریافت پاسخ به سوال مذکور جدول (۹) به آزمون گرفته شده است که درین جدول میزان تأثیرگذاری تحصیل تحلیل و تجزیه شده است. جدول (۹): میزان تأثیرگذاری ترویج فرهنگ صلح در بین دانش‌آموختگان دختر در جامعه

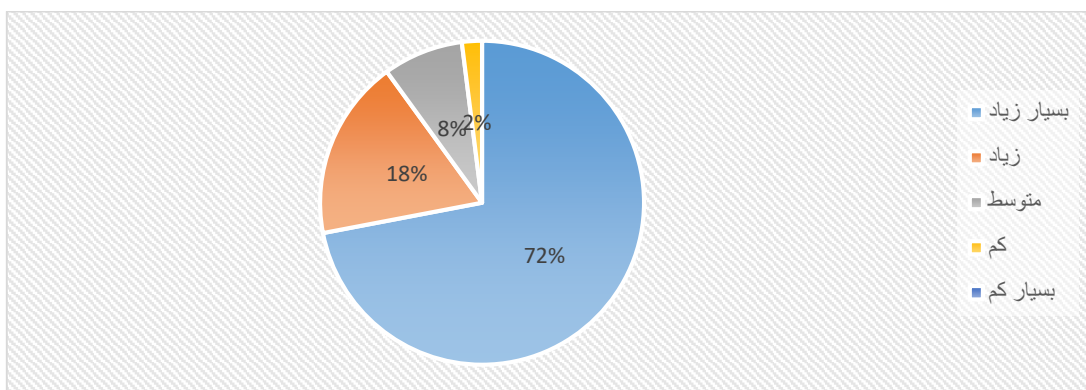


تحلیل داده‌های پژوهشی در ارتباط با این سوال، جدول (۹) نشان‌دهنده معناداری تفاوت میانگین نمره آمادگی و تأثیرگذاری ترویج و توسعه فرهنگ صلح در بیرون دانشگاه در سطح اطمینان ۷۹٪ را بوده و نتایج حاصله نشان می‌دهد که گروه تحصیل‌یافته بیشتر توانایی حل و فصل اختلافات را داشته و از حوصله‌مندی گسترده‌ای در روابط و رفتار در خانواده و جامعه برخوردار هستند.

سؤال پژوهشی ششم: ترویج فرهنگ صلح اجتماعی تا چه اندازه می‌تواند بی‌اعتمادی و سوءظن را میان دانشجویان کاهش دهد؟

بررسی داده‌های مرتبط با ترویج فرهنگ صلح اجتماعی در جهت کاهش بی‌اعتمادی و سوءظن میان دانشجویان اثرگذار بوده و تحصیل‌یافته‌گان بیشتر مورد بدگمانی قرار نمی‌گیرند. با توجه به سوال فوق، مسئله را می‌توان در جدول (۱۰) مورد تحلیل و تجزیه قرار داد.

جدول (۱۰): میزان تأثیرگذاری ترویج فرهنگ صلح اجتماعی در کاهش بی‌اعتمادی و سوءظن



با توجه به جدول (۱۰) در سطح اطمینان ۷۲ درصدی تفاوت میان دو گروه که می توان گفت دانشجویان که به صورت سیستماتیک برنامه های درسی خود را انجام نموده اند میزان تأثیر گذاری آن ها در کاهش بدگمانی و بی اعتمادی به مراتب کمتر است. اما در عین حال گروه دوم که دانشجوی نیستند و یا از اجرای تطبیق پروگرام های درسی شان خودداری نموده اند، بیشتر در ناباوری در روابط اجتماعی شان قرار داشته و میزان بی اعتمادی شان نسبت به گروه اول بیشتر است.

از بررسی، تحلیل و تجزیه سوالات فوق (بسته) چنین معلوم می شود که میزان تأثیر گذاری و نقش دانشجویان دختر در کاهش خشونت و ترویج فرهنگ صلح در روابط اجتماعی در سطح بالایی قرار داشته است. اینک توأم با سوال بسته دو سوال از سوالات باز را جهت تقویت پژوهش مورد بحث قرار می گیرد که این پاسخ این سوالات نتایج دیدگاه ها و نظریات اشتراک کنندگان را نشان می دهد.

سؤال هفتم پژوهشی: علل و عوامل رفتار خشونت آمیز دانشجویان دختر در محیط دانشگاه

کدام ها اند؟

در رابط به پاسخ به سوال فوق اشتراک کنندگان دیدگاه ها گوناگون را بیان نموده اند که

هریک از موارد مرتبط با این سوالات در زیر مورد بحث قرار می گیرد:

یکی از علل و عوامل رفتار خشونت آمیز دانشجویان دختر در محیط دانشگاه رفتار نامناسب

و عکس العمل های زشت دانشجویان پسر عنوان نموده اند. بدون شک فضای بسته در محیط مکاتب و

جامعه بیانگر این امر مهم در در محیط دانشگاه می باشد، چرایی این مسئله بستگی به محیط نسبتاً باز

دانشگاه پیوند دارد که دانشجویان پسر با الفاظ و کلمات زشت و ناپسند دانشجویان دختر را مورد آزار و اذیت قرار می دهند.

از جمله یکی از اشتراک کنندگان دلایل رفتار خشونت آمیز را ناشی از اختلافات قومی و مذهبی عنوان نموده و میزان همدیگرپذیری را در محیط دانشگاه ضعیف می داند. به عنوان مثال پیروان اهل تسنن و سایر اقوام باعث اذیت و آزار دخترانی اهل تشیع می شوند. موصوفه می افزاید که این در حالیست که همه ما افغانیم، مسلمانیم، به ارزش ها و احکام اسلامی پابندیم. هدف یکی است، اما وسیله و روش دستیابی به هدف مختلف است. اختلافات قومی و مذهبی از جمله اساسی ترین چالش ها فراروی تقویت و تحکیم صلح شده و نقش اساسی در افزایش خشونت ها دارد، که محوطه دانشگاه نیز متأثر ازین امر مهم شده است.

یکی از مسئله مهمی که اشتراک کنندگان آنرا خیلی برجسته ساخته و مهمترین عامل خشونت دانسته اند این است که عدم موجودیت فضای مناسب خوابگاه باعث افزایش خشونت می شود. حقیقت موضوع این مسئله روشن است آن اینکه نتایج حاکی از وضعیت اقتصادی نامناسب اکثر دانش آموختگان و عدم موجودیت فضای مناسب و معیاری باعث تنش و اختلاف می شود. چستی این امر به عنوان یک فکتور خشونت ناشی از زندگی چندین تن دانش آموزان در یک اتاق در محوطه لیلیه می باشد. به عنوان مثال، کسانی که از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار هستند، علاوه استفاده از مینوی غذایی، غذایی های متنوعی دیگری را نیز افزود می نمایند که عده ای از دانش آموزان توانایی سهمیم شدن و پرداخت پول را ندارند.

از طرف دیگر اشخاص ثروت مند لباس های مفسن را ترجیح می دهند، در حالیکه عده ای از آن ها توانایی خرید چنین لباس های مفسن را ندارند. که این موضوع مسئله را پیچیده می سازد. محقق جهت تقویت موضوع، مسئله را فراتر از محیط دانشگاه توسط یک مثال زنده بیان نموده است. در مراسم جشن عروسی یکی از دختر خانم ها در هنگام اجرای رقص که از لباس های مفسن استایلی استفاده نکرده بود مورد عکس العمل یکی از دخترانی قرار می گیرد که از لباس های آراسته برخوردار

بوده است. این در واقع یکی از حقایق جامعه است. عده‌ای از اشخاص مادیات را به مراتب ترجیح داده و عامل خشونت می‌شوند. عرف ناپسند جایگاه و منزلت انسان‌ها مطلوب را نامطلوب ساخته و به کرامت، شخصیت و اهلیت آن‌ها صدمه جبران‌ناپذیر می‌زند.

یکی از علل خشونت تنوع فرهنگ، عادات ناپسند، کشاندن اختلافات به منازعه است. مسئله اساسی این است که، دانش‌آموزان از عادات و رسم و رواج‌های مختلفی برخوردار هستند. عدم احترام به فرهنگ و ارزش‌های دیگران عامل خشونت می‌شود. اختلاف نظر امر طبیعی است و جزء نیازهای اجتماعی محسوب می‌گردد. این اختلافات گاهی ریشه در منافع دارد و گاهی هم ریشه در نیازهای اجتماعی؛ در هر حالت، وجود اختلاف و تضاد امر طبیعی و فطری تلقی می‌گردد؛ اما آنچه این اختلافات را از فرصت به خطر تبدیل می‌کند، خشونت و استفاده از زور و تهدید است. زمانی که اختلاف به مرحله تهدید و خشونت برسد، جهت منفی منازعه و اختلاف بروز می‌یابد. بروز جهت منفی اختلاف، سبب می‌شود تا زندگی فردی و اجتماعی انسان به خطر جدی مواجه گردد. به همین خاطر بسیاری از منازعات تاجایی پیش می‌رود که فاجعه عظیم انسانی را به وجود می‌آورد و باعث هلاکت میلیون‌ها انسان و خسارات جبران‌ناپذیری می‌گردد که نمونه‌ی آن را در جنگ جهانی اول و دوم شاهد بودیم.

منازعه به مثابه یک واقعیت زندگی، جزء طبیعی روابط انسان‌ها به شمار می‌رود؛ غیر قابل جلوگیری می‌باشد؛ در بعضی شرایط ساختارها و سیستم‌ها منازعه، اختلاف نظر و کشمکش را منجر می‌شوند. منازعه و اختلافات می‌تواند بدون توسل به خشونت حل و فصل گردند و زمانی که یک منازعه مهار می‌شود، برای طرفین حکم چراغی است که طرف‌های درگیر را جهت بهبود وضعیت راهنمایی کند.

بررسی دیگری از اشتراک‌کنندگان حاکی از آن است که عدم یونیفورم واحد دختران عامل رفتار خشونت‌بار دانشجویان پسر در برابر دختران می‌باشد. سبک‌های متفاوت در پوشاک

دخترخانم‌ها باعث اذیت و آزار خودشان می‌شود. این مسئله بیانگر برچسب‌های شهری و روستایی در محیط دانشگاه شده و با مسایل اخلاقی پیوند دارد.

عوامل روان‌شناختی یکی از عوامل دیگری است که خشونت‌ها را افزایش می‌دهد. محدودیت‌های فامیلی و فشارهای روانی در کانون خانواده، جامعه و مکتب عامل سرکوب‌جرات دانش‌آموختگان شده است. آرامش محیط در روح و روان دانشجویان اثر مثبت داشته و حتی اینکه این امر مهم ناشی از رفتار عده معدود از استادان در صنف‌های درسی، کتاب‌خانه و محیط دانشگاه می‌شود. گرایش‌ات و تمایلات والدین و استادان بالای روح محصلین تأثیر داشته و جهت‌یابی می‌کند. سؤال هشتم پژوهشی: نقش دانشجویان دختر برای تقویت و ترویج فرهنگ صلح در محیط و بیرون از دانشگاه البیرونی چگونه است؟

دانشجویان دختر در راستی تحکیم و ترویج صلح نقش اثرگذار دارند. چرایی این مسئله ناشی از عدم آگاهی دانشجویان از تقویت ارزش‌های صلح در محیط و بیرون از دانشگاه می‌باشد. راهکار مناسب برای کاهش خشونت‌های لفظی که از طرف دانشجویان پسر صورت می‌گیرد و منجر به آزار دانشجویان دختر می‌شود این است که دختران دانش‌آموز باید پسرانی را باعث اذیت آن‌ها می‌شود با الفاظ نیک برای شان فهمانده شود تا بار دیگر از چنین الفاظ کار نگیرند. دانشجویان دختر نه تنها در محوطه دانشگاه نقش فعال و موثر در ترویج ارزش‌های صلح دارند، بلکه در بیرون از محوطه دانشگاه در جهت انتقال چنین ارزش‌ها نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا می‌نمایند. به عنوان مثال یکی از اشتراک‌کننده برای حل و فصل یک موضوع اجتماعی (جدایی زوجه و زوج) به عنوان یک شخصیت روشن و تحصیل یافته دعوت شده و پیوند دوباره این خانواده را تداوم بخشیده است. متأسفانه حدود چهار ده جنگ، ناامنی و خشونت بالای همه مسایل اجتماعی تأثیر منفی داشته، که روابط خانوادگی مستثنا ازین امر نمی‌باشد. براینده تحقیق چنین است که افراد آگاه و بانفوذ در جامعه سنتی افغانستان در رابطه به حل و فصل اختلاف از طریق مسالمت‌آمیز نقش کلیدی و برجسته دارند. حتی اینکه بسیاری از قضایای مدنی، فامیلی و جزایی توسط چنین افراد به دور از سیستم محاکماتی افغانستان حل و فصل

می شود. دلایل برخاسته از این امر مهم ناشی از ضعف، فساد اداری، رشوت، طولانی بودن و ناکارایی نهادهای عدلی و قضایی می باشد.

دیدگاه یکی از اشتراک کنندگان در رابطه به نقش دانشجویان دختر برای تقویت و ترویج فرهنگ صلح در محیط و بیرون از دانشگاه البيرونی چنین است: از آنجائیکه امنیت دانشگاه البيرونی تأمین است، دانشجویان از اقوام و ولایات مختلف جهت فراگیری دروس درین نهاد علمی گردهم آمده اند و مصروف فراگیری آموزش هستند. بنا نه تنها در محوطه دانشگاه نقش برجسته در تقویت و تحقق ارزش های صلح دارند بلکه برگشت دوباره آنها پس از فراغت در روستاها و مناطق دور دست نقش اجتناب ناپذیر را در راستای تقویت ارزش های فرهنگ صلح دارد.

این موضوع بزرگترین دست آورد در جهت کاهش خشونت ها در خانواده ها و جامعه می باشد. از طرف دیگر فراغت از مقطع تحصیلی زمینه بیشتر اشتغال زایی را مساعد ساخته و این مسئله در ثبات خانواده تأثیر مثبت دارد. چرا که یکی از فلسفه خشونت در خانواده ها فقر و تنگدستی می باشد. از بحث چنین نتیجه بدست می آید که ترکیب دانشجویان از مناطق مختلف به این کانون فرهنگی در جهت آشنایی با اقوام، رسم و عنعنات و فرهنگ های مختلف میزان همدلی و همدیگر پذیری را افزایش می دهد. هم چنان درآمد و عواید شهروندان افغانستان متناسب با مصرف آنها نبوده و فقر به عنوان یکی از اساسی ترین عامل خشونت به حساب می آید.

مبارزه و تحصیل در تئوری و عمل باعث افزایش صلح در محوطه و بیرون از دانشگاه می شود. چنانچه خداوند بزرگ می فرماید: کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابر نیستند. از طرف دیگر پیامبر (ص) مهربانی می کند که بهترین اشخاص کسانی هستند که نفع شان برای دیگران برسد. با توجه به ماهیت مسئله تحصیل جایگاه و منزلت انسان را در جامعه بلند برده و باعث افزایش نفوذ انسان ها در جامعه می شود. از طرف دیگر علم باید نافع باشد و از آن در ترویج و تطبیق ارزش های فرهنگ صلح استفاده شود.

یکی از دیگر دلایلی که میزان تأثیر گذاری تقویت فرهنگ صلح را در داخل و بیرون از دانشگاه تحکیم می‌بخشد تغییر در ذهنیت است. این مسئله در امر ترویج ارزش‌های صلح معنادار بوده و پیامدهای ناشی از این تغییر در جهت ثبات خانواده، دانشگاه، جامعه، ولسوالی، ولایت، کشور و حتی جهان مؤثر می‌باشد. یعنی تغییر ذهنیت جهت احترام گذاشتن به ارزش‌های دیگران را از خود شروع کرده و توسعه دهیم. چنانچه گاندی می‌گوید: اگر تغییر در جامعه می‌خواهید، باید تغییر را از خود شروع کنید.

این مسئله اساس دیدگاه مکتب سیاسی سازه‌انگاران را نیز تشکیل می‌دهد. هنجارها، ایده‌ها، باورها، ارزش‌ها، فرآیند، ساختار اجتماعی، کارگزاری، بیناذهنیت، نهادها، زبان و هویت از کلمات کلیدی ادبیات سازه‌انگاری محسوب می‌شوند. اصطلاح سازه‌انگاری برای اولین بار در کتاب «جهان ساخته ما»، (۱۹۸۹) اثر اونیف مطرح شد. الکساندر ونت نیز در مقاله مشهور «آنارشی چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند»^۶.

سازه‌انگاران استدلال می‌کنند که ساختارهای هنجاری یا عقیدتی به همان اندازه ساختارهای مادی حائز اهمیت هستند. سازه‌انگاران اعتقاد دارند که نظام‌ها، ایده‌ها، اعتقادات و ارزش‌های مشترک دارای خصوصیات ساختاری بوده و بر کنش سیاسی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند. ثانیاً سازه‌انگاران استدلال می‌کنند که فهم اینکه چگونه ساختارهای غیرمادی هویت‌های بازیگران را مقید می‌کند، از این نظر حائز اهمیت است که بر چگونگی تعریف منافع و به تبع آن، کنش‌های بازیگران اجتماعی (شامل دانشجویان) تأثیر می‌گذارد. ثالثاً سازه‌انگاران به موازات اعتقاد به نقش ساختارها در تعیین و تعریف هویت‌ها به نقش کردارها در حفظ و تغییر آن تأکید می‌کنند.^۷

دوران آمریکا در خارجی سیاست در هراسی ایران انگارانه سازه . سعید، سلیمان‌زاده، علی، امیدی، ، عنایت‌الله ، یزدانی . (۱۳۹۷). تحلیل^۶ بهار. ص ۹۷. نسخه الکترونیکی. ، ۴۲ شماره ششم، سال سیاست، راهبردی های پژوهش پسا برجام. فصلنامه پژوهی: دولت ملی سازه‌انگاری. همایش نظریه و انتقادی نظریه نگاه از . امیر هو شنگ، میرکو شش، جبار، خدا دو ست. (۱۳۹۵). دولت^۷ شناختی. ص ۳۹۵. آسیب و کاربردی نظری، واکاوی‌های

سازهانگاران همه مسایل، حتی نهادهای تحصیلی را بر گرفته از تغییر در ذهنیت می دانند. یعنی اگر تفکر ما تغییر کند، وضعیت خشونت بار نیز تغییر خواهد کرد. این امر مهم در راستای تأمین امنیت و تغییر در اذهان ترورست ها نیز امر مسلم شناخته می شود. چرا که استراتژی ها و جهت گیری های نظامی (خشونت) نزدیک به دو دهه می شود که زمینه صلح و ثبات دایمی را درین کشور مساعد نساخته است. از طرف دیگر تغییر در تفکرات اعضای خانواده ها در راستای ثبات جامعه کمک می کند.

سازهانگاری یا سازنده گرایی، فلسفه ای است که دانش را به جای اینکه در دنیای مادی است (موجود) در نظر بگیرد، به عنوان وجودی می بیند که هر کدام از ما آن را می سازیم. ریشه سازنده انگاری تا عهد باستان به عقب بر می گردد؛ به گفتگوی سقراط با شاگردانش، آن جا که وی از آن ها پرسش های را می پرسید تا خود به ضعف در اندیشه ها پی ببرند. سازهانگاری رویکردی است که در جامعه شناسی مطرح بود و از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به یک نظریه اصلی تبدیل شده است.^۸

در نظریه سازهانگاری، هویت ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در در جامعه ایفا می کند. هویت ها و منافع اشخاص توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ ها ایجاد می شود و این فرایند است موضوع تعامل روابط افراد را در جامعه تعیین می کند. واینر^۹ مهمترین رهیافت سازهانگاری را این گونه بیان می کند: منافع و هویت ها مفروض از پیش داده نمی باشند، بلکه نتیجه تعاملات اجتماعی می باشند، و انواع تعامل عبارتند از: مذاکرات، چانه زنی، بحث و استدلال و ارتباط هماهنگی و عمومی با علامت ها و سخنرانی ها.^{۱۰}

۸. علی، دارابی. (۱۳۹۴). سازهانگاری، چارچوب نظری برای تبیین منازعه ایران و امریکا. فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۲، تابستان. ص ۳۷. نسخه الکترونیکی.

۹. Antje Wiener

۱۰. همان اثر، ص ۳۸.

در رابطه به علل و عوامل خشونت در محیط و بیرون از دانشگاه دلایلی دیگری نیز نهفته است که از جمله به چند مورد آن را طور زیر می توان اشاره نمود: ۱۱

۱. **قوم پرستی:** در جوامع سنتی قوم پرستی یکی از ارزش های اساسی است. قومیت الگو برای برقراری روابط است. مثلاً زندگی در یک اتاق از اقوام مختلف بیانگر ارجحیت دانشجویان بر قوم شان است.

۲. **نژادپرستی:** نژادپرستی یک از اساسی ترین عامل خشونت در محیط دانشگاه بوده و فضای ناسالم را ترویج می کند.

۳. **جنس گرایی:** برتری جویی جنسی نیز یکی از عوامل خشونت می باشد. این امر منجر به دوری از ترویج همدیگر پذیری می شود. مثلاً شلیک مرمی در صورت تولد پسر و شرم آور بودن تولد دختر در بعضی از خانواده ها.

۴. **ایدئولوژی:** ایدئولوژی نیز یکی از اساسی ترین عامل خشونت می باشد. ارزش های حاکم اکثر ایدئولوژی ها در مغایرت با یکدیگر بسر می برند، و این امر باعث شده تا زمینه اجرای خشونت و حتی به شکل جدی تر آن زمینه جنگ مساعد شود. مثلاً تدوام جنگ سرد میان اتحاد جهاهر شوروی و امریکا.

۵. **زبان:** زبان عمیق ترین لایه در فرهنگ است و فهم تاثیر آن بر سایر اشکال خشونت دارد. به همین دلیل است که یکی از مهمترین مشکلات برخاسته در جامعه افغانی مسئله زبان است.

نتیجه گیری

۱۱. گروه از نویسندگان، (۱۳۹۶). آموزش صلح و حل منازعه. مرکز صلح دانشگاه هرات، ص ۷۱.

بر اساس نتایج تحقیق، درصد قابل توجهی از نمونه آماری (۶۸٫۸ درصد) نقش دانشجویان دختر در تقویت، تحکیم، و کاهش خشونت‌ها نقش اثرگذار داشته و از پراگندگی بر حسب متغیرهای چون جنسیت، قومیت، نژاد و قبیله دوری جسته و این مسئله ناشی از تأثیرات تحصیل در محیط و بیرون از دانشگاه می‌باشد. هم‌چنین به طور کلی وضعیت دانشجویان دانشگاه البیرونی به مؤلفه‌های هویت فرهنگی ملی، مذهبی، و قومی در حد مطلوبی قرار دارد. از طرف دیگر یافته‌های پژوهش نشان داد، که دانشجویان مسایل و مشکلات ناشی از محیط و جامعه خویش را از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل نموده و میزان تأثیرگذاری تحصیل‌یافته‌گان در نادیده گرفتن مسایل کوچک برخاسته از رفتار دانشجویان در حد قابل مطلوبی قرار دارد. چنین وضعیتی در خصوص آمادگی نمونه آماری برای پذیرش مؤلفه‌های هویت فرهنگی در سطح بالایی قرار دارد.

از یک‌سو پابندی بالای جامعه آماری نسبت به هویت فرهنگی ملی، مذهبی و قومی حاکی از آن است که جوانان دانشگاهی ما بواسطه برخورداری کشور از فرهنگ اصیل، وجود ویژگی‌های منحصر به فرد جامعه افغانی، فعالیت‌های سازمان‌ها و نهادهای تحصیلی، هم‌چنان میراث‌دار و انتقال دهنده هویت فرهنگی خود هستند. اما از سوی دیگر با در نظر گرفتن وضعیت پر آشوب، مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی جوانان از طریق ابزارها و روش‌های مختلف، متعدد و متناسب با سلايق گوناگون وضعیت را مهار نموده و در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز و همدیگرپذیری به دور از دغدغه‌های قومی زیست می‌نمایند، که این مسئله تأثیرات مسقیم و غیر مستقیم نهادهای تحصیلی بویژه دانشگاه البیرونی را در امر ترویج و تقویت فرهنگ صلح و از خودگذری نشان می‌دهد. نتایج حاصله از پژوهش نشان داد که میزان پذیرش و احترام گذاشتن به ارزش‌ها و سبک‌های زندگی دیگران که بیشتر در محیط دانشگاه قرار دارند در سطح مناسب قرار داشته است.

ضمن موارد متذکره، علل و عوامل خشونت در محیط و بیرون دانشگاه رفتار نامناسب دانشجویان در بین همدیگر، اختلافات قومی و مذهبی، زبان، ایدئولوژی، جنس‌گرایی، عدم موجودیت فضای مناسب خوابگاه، وضعیت اقتصادی نامتوازن دانشجویان از جمله اساسی‌ترین چالش‌ها فراروی

تقویت و تحکیم صلح شده و نقش اساسی در افزایش خشونت‌ها دارد، که محوطه دانشگاه نیز متأثر ازین امر مهم شده است. اما نتایج از تحلیل داده بیان داشت که این مسائل نقش چندانی در جهت افزایش خشونت‌ها نداشته، بلکه میزان همبستگی دانشجویان در سطح مناسبی قرار دارد. با جمع‌بندی از مباحث و موضوعات، نتایج حاصله از پژوهش و نیز ابهامات و سئوالاتی که در جریان اجرای طرح بوجود آمده و پاسخگویی به آن‌ها خارج از حوصله و اهداف این پژوهش می‌باشد.

مآخذ

۱. آرامش، شهبازی، مجید رضا، مومنی. (۱۳۹۶). نقش نظام آموزش عالی در پیوند میان توسعه علم و تحکیم صلح. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره بیست و چهارم، بهار. نسخه الکترونیکی.
۲. دارابی، علی. (۱۳۹۴). سازه‌انگاری، چارچوب نظری برای تبیین منازعه ایران و امریکا. فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۲، تابستان. نسخه الکترونیکی.
۳. سلیمان‌زاده، سعید، امیدی، علی، یزدانی، عنایت‌الله. (۱۳۹۷). تحلیل سازه انگارانه ایران هراسی در سیاست خارجی امریکا در دوران پسا برجام. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۴۲، بهار. نسخه الکترونیکی.
۴. فایز، فضل‌الله. (۱۳۹۷). نقش تحصیلات عالی کشور در حل منازعات و تقویت صلح. روزنامه انیس. ۱۳۹۸ / ۳ / ۸.
۵. گروه از نویسندگان. (۱۳۹۶). آموزش صلح و حل منازعه. مرکز صلح دانشگاه هرات.
۶. مرتضی، نورمحمدی. (۱۳۹۶). نقش آموزش و دانشگاه‌ها در صلح‌سازی و مدیریت منازعات منطقه: مطالعه موردی خاورمیانه. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره بیست و سوم، زمستان. نسخه الکترونیکی.
۷. مرزوقی، رحمت‌الله و دیگران. (۱۳۹۸). تدوین برنامه درسی صلح در آموزش عالی. راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، دوره دهم، شماره ۵، بهار. نسخه الکترونیکی.

۸. میرکوشش، امیر هوشنگ، خدا دوست، جبار. (۱۳۹۵). دولت از نگاه نظریه انتقادی و نظریه سازه‌انگاری. همایش ملی دولت پژوهی: واکاوی‌های نظری، کاربردی و آسیب‌شناختی.

۱. Frasatkhah M. Role of University in Civic Education, Higher Education Letter. 2005 (17).
۲. Lin J. Love and Wisdom in Education: Transforming Education for Peace. Peace Academic Research Library. Harvard Education Review; 2007:362-373.
۳. Mishra L. Implementing Peace Education in Secondary Schools of Odisha: Perception of Stake Holders. Sakarya University Journal of Education 2015:47-54.

نقش دانشجویان دختر دانشگاه البيروني در تقويت فرهنگ صلح

پوهيالي سميرا قادري

دانشكده‌ي ژورناليزم، دانشگاه البيروني

چكیده

دانشجویان دختر منحيث قلب تپنده دانشگاه در نهادينه سازي فرهنگ صلح و تقويت آن نقش بسا بزرگ و قابل ملاحظه‌ي دارند، اين دانشجویان نه تنها در دانشگاه بلکه در جامعه موجود خود نیز در داشتن زنده‌گي به دور از نزاع و کشمکش و در ايجاد فضای سالم نقش به سزا دارند چنانچه اسلام زن و مرد را دو نیمه مساوی برای رسيدن به جامعه‌ي اخلاقی و دینی و مملو از فضای صلح آمیز مورد نظر خود معرفی می‌کند، چنان که بخاری حدیثی را در اين مورد از پیامبر اکرم (ص) روایت نموده است «إنما النساء شقائق الرجال» یعنی زنان و مردان نیمه‌ي هم ديگر اند، چنانچه بیش از ده‌ها آیه در ذکر تساوی انسانی آنان در قرآنکریم وارد است و با فعالیت زنان در ابعاد مختلف اجتماع، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی مخالفتی ندارد. قرآنکریم به عنوان اصلی‌ترین منبع تشریح هرگز به مخاطبان خود نگاه جنسیتی نداشته است و خطاب قرآن با کلماتی چون یا ایها الذین آمنوا، «ای کسانی که ایمان آورده اید» یا ایها الناس «ای مردم»، یا بنی آدم «ای فرزندان آدم» آغاز گردیده، و از همین لحاظ ام سلمه همسر پیامبر، وقتی ندای یا ایها الناس «ای مردم» را شنید شتابان به سوی مسجد رفت، زیرا او به عنوان یک زن خود را جز از مردم می‌دانست. بنا دختران دانشجو منحيث نیمه‌ي از جامعه در ايجاد صلح در جامعه مخصوصاً در دانشگاه نقش اساسی را ایفا می‌کنند.

بنابراین آگاه بودن دانشجویان از نقش ایشان در تقويت صلح و ذهنیت سازي فرهنگ صلح توسط ایشان در جامعه خیلی ارزنده می‌باشد بناً اين تحقيق برای بيان و روشن ساختن نقش دانشجویان دختر در تقويت صلح در دانشگاه البيروني صورت می‌گیرد، امیدوارم نتایج بدست آمده از اين تحقيق قانع کننده باشد.

کلید واژه‌ها: صلح؛ دانشجویان دختر؛ دانشگاه البيروني؛ مشارکت اجتماعی؛ نزاع

دانشگاه میدان یا عرصه فرهنگی و آموزشی، مبارزاتی و پویا است که سر آغاز بسیاری از تحولات مهم سیاسی، اجتماعی در همه کشورها می‌باشد. دانشگاه البيروني مرکز فعال و مهم تشکل‌های فعال دانشجویی که خودشان را دخیل و مسوول در حوادث و قضایای افغانستان می‌دانستند بوده است. این دانشجویان دانشگاه‌یان و نخبگان تحصیل کرده در تقویت فرهنگ صلح مسؤلیت و رسالت بیشتری نسبت به مردم عوام دارند. بناً این طیف باید پویا و با صلابت و در عین حال تاثیرگذار و مفید در جامعه حضور داشته باشند، زیرا اگر گروه دانشگاهی تاثیر در جامعه و دانشگاه نداشته باشند و تحول و دگرگونی در وضع نابسامان و آشفته اجتماع و مخصوصاً دانشگاه نیاورند، وجود و فعالیت دانشگاه برای قرن‌ها هم، چندان راه گشاه و به درد بخور نخواهد بود.

باقریان ۲۰۱۷ بر این نکته تاکید دارد که نهاد دانشگاه و میوه‌های آن که دانشجویان است، باید در دانشگاه و اجتماع را درمان کنند، نه اینکه دانشگاه نردبانی باشد برای رسیدن به پایگاه و جایگاه. اگر دانشجو به غیر از رسیدن به پول، چوکی و حیثیت اجتماعی، اندیشه‌ی دیگری نداشته باشد، با چنین دانشجو وضع و حال دانشگاه و جامعه بد و بدتر خواهد شد. چون در این صورت رسالت اجتماعی و انگیزه‌ی یاری با دیگران کاملاً از ذهن نسل نخبه پاک می‌شود.

دانشجویان نیروی سازنده، کلیدی و براننده‌ی کشور هستند که توسعه کشور وابسته به فهم، درک و آگاهی جوانان از نقش ایشان در تقویت فرهنگ صلح می‌باشد. دانشجویان دختر در این میان نقش بسا مهم را بردوش داشته اند. امروزه نقش دانشگاه به انتقال و تولید علم خلاصه نمی‌شود، بلکه از دانشگاه و دانشگاه‌یان مخصوصاً دختران انتظار می‌رود که پیش قراولان تغییرات مثبت در دانشگاه و جامعه بوده و نیز در زدودن مشکلات و ناهنجاری‌های این دو سهم مفید و موثر داشته موثر باشند. لازم به تذکر است که دختران دانشجو در دانشگاه البيروني از نقش خویش در تقویت صلح در دانشگاه بی‌خبر اند.

با توجه به پیشرفت‌های اخیر، انتظار میرود دانشجویان دختر از نقش خویش آگاه شوند و در قضایای مهم اجتماعی همانند صلح و جنگ بی طرف نباشند و در سنگر صلح برزمنند. جوانان روشنفکر با در نظر داشت تحصیلاتی که فراگرفته اند، می‌توانند منحصیث نور در جامعه نسبتاً تاریک افغانستان عمل کنند. این دانشجویان باید خود را با صلاح منطق، دانش و خرد مجهز نموده و به مبارزه افراطیت و توحش بروند و روایت جنگ آوران را تغییر داده و نقش خود را در تقویت فرهنگ صلح در این دانشگاه ایفا نمایند.

بیان مساله

صلح آب حیات جامعه می‌باشد و بدون آن جوامع بشری به طرف بد بختی می‌رود، بناً باید به آن توجه صورت گیرد، جوامع بشری متشکل از گروه‌های خاص می‌باشد که هر گروه نظر به موقعیت خود تاثیرات خود را بر جامعه میگذارد. یکی از این مکان‌ها دانشگاه است که متشکل از افراد و گروه‌های خاص است که یک بخش مهم آن را دختران تشکیل می‌دهد بناً تاثیرات دانشجویان دختر در تقویت فرهنگ صلح در دانشگاه البیرونی خیلی مهم و اساسی می باشد، زیرا در تمام دنیا، انتظار مردم از طیف دانشگاهی و به ویژه دانشجویان بسیار زیاد است.

دانشگاهیان و دانشجویان طبقه‌ی روشن و نخبه‌ی جامعه اند. دانش آموخته‌گان، دانشجویان و نسل تحصیل کرده است که وضع و حال موجود جوامع را بهتر و دقیق تر درک می‌کنند و در مقابل وضعیت و واقعیت موجود و عینی، واکنش و موضع گیری مناسب نشان می‌دهند. روی همین اصل نادیده گرفتن نقش دختران دانشجو در تقویت صلح در دانشگاه البیرونی و عدم آگاهی دختران از نقش آنها در جلوگیری از اختلافات در جامعه و در سطح کوچک خانواده و نهادینه سازی فرهنگ صلح در دانشگاه البیرونی مسأله‌ی است بسا مهم که در این تحقیق بر آن پرداخته شده است.

اهداف تحقيق

هدف اصلي اين تحقيق، شناخت از نقش دختران دانشجو در تقويت فرهنگ صلح در دانشگاه البيروني.

اهداف فرعي

- نقش دختران دانشجو منحيث نيمي از پيكر جامعه در تقويت فرهنگ صلح در دانشگاه البيروني.
- بررسي تاثير گذاري دختران در تقويت فرهنگ صلح در دانشگاه البيروني.
- دختران دانشجو پنجاه درصد در کنار دانشجویان پسر در تقويت فرهنگ صلح در دانشگاه البيروني موثر بوده اند.

سوال های تحقيق

سوال اصلي

دختران دانشجو را در تقويت فرهنگ صلح در دانشگاه البيروني چگونه مي توان ارزيابي كرد؟

سوال های فرعي

- چطور دختران دانشجو مي توانند فرهنگ صلح را دانشگاه البيروني تقويت كنند؟
- دختران دانشجو چقدر در ذهنيت سازي پديده صلح در دانشگاه البيروني نقش دارند؟

فرضيه های تحقيق

فرضيه اصلي

به گمان اغلب دختران دانشجو نقش برارنده اي در تقويت فرهنگ صلح در دانشگاه البيروني را دارا مي باشند.

فرضيه های فرعي

- به نظر مي رسد دانشجویان دختر توانسته اند در تقويت فرهنگ صلح در دانشگاه البيروني نقش اساسي ايفا نمايند.

□ - به نظر می‌رسد دختران دانشجو در نهادینه سازی فرهنگ صلح نه تنها در دانشگاه بلکه در جامعه و در سطح کوچک خانواده نقش اساسی را دارا می‌باشند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در افغانستان تا امروز نقش دختران در تمامی امور نادیده گرفته شده است و نکته ژرف و قابل توجه این است که بیشتر دختران خود منحنیث نیمی از کل جامعه از نقش و منزلت خود آگاهی کامل ندارند. اما این تحقیق در سطح مشخص دانشگاه البیرونی برای مبین ساختن جایگاه دانشجویان دختر و آگاه سازی آنها و اینکه چگونه می‌توانند نقش خود را در تقویت فرهنگ صلح در این دانشگاه ایفا نمایند و چگونه در حل اختلافات سهم بگیرند و این سهم گیری ایشان چقدر اثر گذار خواهد بود، صورت می‌گیرد.

ادبیات تحقیق

صلح واژه عربی است به معنی سازش و آشتی. صلح پیمانی است که نزاع را با رضایت بر می‌دارد و توسط ایجاب و قبول منعقد می‌گردد (ابوحیب ، ۱۹۸۸). صلح، آشتی و همدیگرپذیری از جمله فکتور ها و الزامات اساسی برای شکل گیری جوامع منسجم، ارزش مدار و مترقی انسانی محسوب می‌شوند؛ عامل اصلی درک و رعایت مفاهیم یاد شده نیز فهم دقیق آنها و آگاه بودن پیرامون حد ارزشمندی و تاثیر گذاری فکتورهای یاد شده می‌باشد. چون، در صورت عدم آگاهی از مزایای صلح، آشتی و یکدیگر پذیری و ندانستن رابطه‌های ممکن میان مسایل یاد شده با شکل گیری ملت‌های منسجم، مرفه، و ارزش مدار ممکن است انسان‌ها بجای نزدیک شدن به مفاهیم ارزشمند یاد شده، راه‌های نزاع، عدم تحمل یکدیگر و رقابت‌های ناسالم را در پیش گیرند (سروری، ۱۳۹۸).

برای داشتن زنده گی در سایه صلح مردان و زنان یکجا باهم پیکار نموده اند و چنانچه نقش زنان در این زمینه غیر قابل انکار است. یکی از نمونه‌های بارز نقش زنان در صلح، حضور همسر پیامبر بزرگ، ام سلمه و مشورت دهی ایشان به پیامبر در صلح حدیبیه بوده است. طوری که هم قرآن و هم صحیح بخاری اشاره دارند، در آن زمان به تعبیر قرآن تحریک حمیه جاهلی و یا تعصب جاهلی نزدیک

بود امتی را به انحطاط کشاند که با عمل پیامبر به مشورت همسرش ام سلمه، از خونریزی و کشتار جلوگیری صورت گرفت.

قرآنکریم در سوره نمل که یکی از سوره‌های مکی است، داستان ملکه‌ای به نام بلقیس را ذکر می‌کند که بر اصل مشورت و بهره‌گیری از خرد جمعی، همراه با دیپلوماسی سازش در سیاست خارجی، و توجه به امنیت داخلی باعث نجات خود و مردم و کشورش از تهاجم و ویرانی می‌شود. همچنان قرآنکریم ملکه‌ی سبا را به عنوان زمام‌دار دموکرات و حکیم و دوراندیش که شورا را اساس حکومت خویش قرار داده بود، معرفی می‌کند. چنانچه او بعد از دریافت نامه‌ی تهدیدآمیز سلیمان، در صدد آزمون سلیمان برآمد تا آنکه بداند آیا او پیامبر است یا سلطان. ملکه تسلیم احساسات ارتش و مردان اطرافش که در پاسخ اولتیماتوم سلیمان (ع) از موضع شدت و قدرت حرف می‌زدند، نشد، بلکه عقل خویش را به کار برد، نه تنها سبب نجات ملت خود شد بلکه آنان را در سلک ایمان داخل نمود.

در مورد نقش دختران دانش آموز در تقویت فرهنگ صلح در دانشگاه البیرونی باید گفت که نقش دانشجویان دختر در تقویت فرهنگ صلح در دانشگاه البیرونی در این اواخر مطرح بحث قرار گرفته است. علاقه‌مندان تحقیق پیرامون صلح و نقش جوانان در تقویت صلح کارهای تحقیقی انجام داده‌اند. بطور مثال: فردین عیار پیرامون نقش جوانان دانشجو در فرایند صلح تحقیقی داشته است (عیار، ۲۰۱۹). فهیم بهیر پیرامون نقش جوانان و کدرهای علمی در ایجاد صلح تحقیق انجام داده است (بهیر، ۲۰۱۹). اما نویسنده گان بطور تخصصی پیرامون نقش دختران دانشجو در تقویت فرهنگ صلح در دانشگاه البیرونی تحقیقی انجام نداده‌اند. بناً ضرورت است که پیرامون این موضوع بسا مهم و سرنوشت ساز تحقیق صورت گیرد.

روش تحقیق

در این پژوهش از یک سروی فشرده که شامل داده‌ها و معلومات کمی جمع آوری شده توسط پرسش‌نامه‌ای سروی دارای پرسش‌های بسته و همچنان پاسخ‌های کتبی اشتراک‌کنندگان به پرسش‌های باز می‌باشد، استفاده شده است. ابزار و پرسشنامه‌ی استفاده شامل دو بخش می‌باشد، که

عبارت اند از: ۱) پرسشنامه‌های بسته‌ای کمی (۲) پرسشنامه‌های باز برای داشتن پاسخ‌های کتبی اشتراک‌کننده‌گان. پرسشنامه استفاده شده در این پژوهش فشرده دارای پنج پرسش باز کمی و یک پرسش باز کیفی می‌باشد.

جامعه آماری و اشتراک‌کننده‌گان

جامعه آماری و اشتراک‌کننده‌گان در این پژوهش را دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه البیرونی تشکیل می‌دهند، که اشتراک‌کننده‌گان این پژوهش به تعداد ۱۰۰ تن از دانش‌آموزان دانشکده‌های ۹ گانه دانشگاه البیرونی اند، که به پرسش‌های کمی و پرسش باز پرسشنامه‌ی سروی شده پاسخ‌ارایه کرده‌اند. از مجموع اشتراک‌کننده‌گان این پژوهش ۷۰ تن آنها دختران دانشجو (۷۰ درصد) و ۳۰ تن دیگر آنها پسران دانشجو (۳۰ درصد) می‌باشند.

همچنان از میان این اشتراک‌کننده‌گان ۷۰ تن آنها بین سن ۱۸-۲۰ و ۳۰ تن دیگر آنها بین ۲۰-۲۵ سن دارند. قابل یادآوری است که ۵ تن اشتراک‌کننده‌گان محصل سال اول دانشگاه، ۲۰ تن دیگر محصل سال دوم دانشگاه، ۳۰ تن آنها محصل سال سوم دانشگاه و ۴۵ تن دیگر آنها محصل سال چهارم دانشگاه هستند. که درجه تحصیلی تمام این اشتراک‌کننده‌گان پرسشنامه به سطح لیسانس می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش شامل داده‌های به دست آمده از پرسش‌های کمی و پاسخ‌های مشرح تعدادی از اشتراک‌کننده‌گان به پرسش باز می‌باشد. بر مبنای نتایج به دست آمده از پرسشنامه که شامل پنج پرسش ۵ گزینه‌ای و یک پرسش باز می‌باشد که مجموع نمرات در نظر گرفته شده‌ی این پرسشنامه ۱۰۰ نمره می‌باشد که نمره میانگین به دست آمده این پرسشنامه ۵۰ نمره می‌باشد که نشان دهنده‌ی حد بالای توافق اشتراک‌کننده‌گان است.

قابل یادآوری است که سطح موافقت ۵۰ درصد اشتراک‌کننده‌گان در این است که دختران دانشجو تا حد بسیار زیادی در ذهنیت‌سازی پدیده صلح در دانشگاه البیرونی نقش دارند و ۴۰ تن دیگر

به این باور اند که برخورد و معاشرت دختران دانشجو در دانشگاه البیرونی در حد زیاد می‌تواند در کاهش خشونت‌ها مفید و موثر واقع گردد و ۱۰ تن دیگر بر این باور اند که که دختران در حد متوسط در تقویت پدیده صلح در دانشگاه البیرونی نقش دارند.

معلومات متعلق به پرسش‌های کمی شامل در پرسشنامه‌ی سروی در جدول ذیل بیان شده اند.

تعداد پاسخ گزینه پنجم (خیلی کم)	تعداد پاسخ گزینه چهارم (کم)	تعداد پاسخ گزینه سوم (متوسط)	تعداد پاسخ گزینه دوم (زیاد)	تعداد پاسخ گزینه اول (بسیار زیاد)	پرسش‌ها
۱۸	۱۲	۴۰	۳۰	۰	۱. به نظر شما تا چه حد خشونت‌ها میان محصلان دانشگاه البیرونی وجود دارد؟
۲	۳	۳۵	۳۵	۲۵	۲. به نظر شما آیا رقابت‌های ناسالم می‌تواند دلیل بروز خشونت‌ها میان محصلان دانشگاه البیرونی باشد؟

فصلنامه ی علمی - پژوهشی مرکز صلح دانشگاه البیرونی / ۱۳۷۱

۱۰	۵	۲۴	۴۱	۲۰	<p>۳. به نظر شما رفتار صلح آمیز دختران دانش آموز در محیط دانشگاه تا چه حد میتواند رفتار های خشن دانش آموزان ذکور را تحت تاثیر خویش قرار دهد؟</p>
۵	۶	۱۹	۴۰	۳۰	<p>۴. از دید شما برخورد و معاشرت دختران دانشجو با هم کلاس های شان تا چه حد میتواند در کاهش میزان خشونت ها مفید واقع شود؟</p>

۵	۵	۲۰	۲۰	۵۰	۵. به نظر شما دختران دانشجوی تا چه حد در ذهنیت سازی پدیده صلح در دانشگاه البیرونی نقش دارند؟
---	---	----	----	----	--

جدول ۱: داده‌های به دست آمده برای هر پرسش کمی پرسشنامه سروی شده در دانشگاه

اشتراک کننده‌گان این سروی در دانشگاه البیرونی به سوال باز این پژوهش هم پاسخ‌هایی ارایه نموده اند، که پاسخ‌های ارایه شده توسط آنها نیز حمایت کننده‌ی یافته‌های بخش پرسش‌های کمی اند. که مهمترین پاسخ‌های آنها را در اینجا به گونه نقل قول مستقیم ارایه می‌داریم. به گونه‌ی مثال، یک تن از اشتراک کننده‌گان، پیرامون نقش دختران در تقویت فرهنگ صلح چنین می‌گوید، «جوانان در کل نقش کلیدی در تحولات و تغییرات جوامع داشته اند و به خصوص اکثریت این تغییرات و تحولات در جوامع منشا از دانشگاه داشته اند. بدون شک که دانشجویان دانشگاه البیرونی مخصوصاً دختران در تقویت و انکشاف پدیده صلح نقش کلیدی دارند که نمی‌توان از نقش آنها چشم پوشید بنا دختران می‌توانند از طریق توصیه‌های اخلاقی برای طبقه ذکور که باعث خشونت در دانشگاه می‌شوند در کاهش خشونت سهیم شوند و همچنان دختران با ذکر مسوولیت‌های هم کلاس ایشان مخصوصاً پسران در قبال محیط و جامعه موجود ایشان سبب کاستن پدیده خشونت و ترویج پدیده صلح شوند. یک تن از اشتراک کننده‌گان این پژوهش نظر خود را چنین بیان داشته است "امروز دختران دانشجو قشر مهم دانشگاه البیرونی را تشکیل می‌دهند و می‌توانند با استفاده از توانایی‌های ذهنی و فکری خود در بحث و کنفرانس‌های علمی اشتراک نموده و در بخش‌های مختلف مفید واقع شوند". همچنان دانشگاه البیرونی باید برنامه‌هایی دایر نماید که در راس آن دختران قرار داشته باشند تا داشته‌های شان را با دیگران شریک سازند.

به باور یکی دیگر از اشتراک‌کننده‌گان، دختران با برخوردهای مسالمت‌آمیز و اخلاقی می‌توانند زمینه را برای کاهش میزان خشونت‌ها مساعد سازند زیرا در جامعه فعلی دانشگاه البیرونی دختران بخش بسا مهم را تشکیل می‌دهند. همچنان‌که قابل یادآوری است که ندانستن درست مفهوم صلح توسط دانشجویان می‌تواند سد راه انکشاف فرهنگ صلح در دانشگاه شود چنان‌که یکی از اشتراک‌کننده‌گان چنین می‌گوید: مفهوم پدیده صلح باید برای دانشجویان درست فهمانده شود، برنامه‌های آموزشی دایر گردد و کوشش شود اشتراک‌کننده‌گان (دانشجویان دختر و پسران) به سطح مساوی انتخاب شوند تا باشد آگاهی کامل در این زمینه بدست آورند و در ذهنیت‌سازی بقیه دانشجویان موثر واقع شوند.

یکتن از اشتراک‌کننده‌گان در مورد نقش دختران در ترویج و تقویت فرهنگ صلح نه تنها در دانشگاه بلکه در سطح خانواده‌ها برداشتش را چنین تصریح کرده است. "دختران دانش‌آموز گفته می‌توانیم که تقریباً ۸۰ فیصد خشونت‌ها را در سطح کوچک خانواده‌ها کاهش می‌دهند زیرا یکی از دلایل خشونت‌ها همین سطح پایین سواد می‌باشد و هر اندازه که دختران در دانشگاه افزایش یابند به همان اندازه فضای به دور از خشونت و مملو از صلح و صفا پدید می‌آید".

بنابراین، لازم است تا هیات‌رہبری دانشگاه برنامه‌هایی را ایجاد نماید تا دختران بیشتر بتوانند در آن سهم بگیرند و فرصت‌های بیشتر برای دانشجویان دختر مهیا گردد تا باشد به گونه‌ی بهتر نقش ایشان در هر زمینه از جمله صلح متبازر گردد. مسایل و نظریه‌های نقل شده از اشتراک‌کننده‌گان همه حمایت‌کننده‌ی این است که دختران دانشجو در تقویت فرهنگ صلح در دانشگاه البیرونی نقش بسا مهم را دارا می‌باشند.

نتیجه گیری

این پژوهش نقش دانشجویان دختر را در تقویت فرهنگ صلح در دانشگاه البیرونی مورد ارزیابی قرار داده است. بر مبنای نظرات نقل شده از پژوهشگران قبلی در این اثر و مطابق به یافته‌های این پژوهش، حضور دانشجویان مخصوصاً دختران در دانشگاه و رفتار و طرز برخورد آنها با دیگران مخصوصاً هم کلاس‌های شان و شیوه معاشرت آنها با یکدیگر و توصیه‌های آنها به اشخاص نسبتاً خشن و بیان مسولیت‌های اشخاصی که خشن تر اند می‌توانند نقش بسا مهم را در کاهش میزان خشونت‌ها و ترویج و ایجاد فرهنگ صلح ایفا نمایند.

بر مبنای یافته‌های این پژوهش و نظریات نقل شده ایجاد برنامه‌های مفید در مورد صلح که در راس آنها دختران دانشجو قرار گیرند یکی از راه‌های بیان صلح خواهی و ترویج صلح توسط ایشان در سطح دانشگاه و در سطح کوچک خانواده می‌تواند مفید واقع شود. این یافته‌ها نشان دهنده نقش بسا مهم دانشجویان دختر در تقویت فرهنگ صلح در دانشگاه البیرونی می‌باشد.

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمی، م.ع. (۱۳۹۳). ترک جنگ و برقراری صلح. تهران: پژوهش کده باقرالعلوم.
۳. امیری، س.ع. (۱۳۹۱). ضرورت صلح و امنیت در افغانستان. کابل: خبرگزاری صدای افغان (آوا).
۴. باقریان، م. (۱۳۹۶، ۵ دلو). نقش کمرنگ دانشجویان در جامعه. روزنامه افغانستان ما.
۵. سروری، عیار و دیگران. (۱۳۹۷). سال اول، شماره دوم. فصل نامه علمی و تخصصی ارمغان صلح، کاپیسا: مرکز صلح دانشگاه البیرونی.
۶. صمیم، عبدالمجید و جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۶). آموزش صلح و حل منازعات، هرات: مرکز صلح دانشگاه هرات.
۷. لغتنامه دهخدا